



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه گذاری خوارزمی



شماره نهم - آذر ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، المیرا حصارکی، چیافوادی
فرید دانشفر، شهرزاد همتی، حمید جعفری
نسترن فتحی، سهیل قاسم نژاد، نعمت آزادپور
سحر قاسم نژاد، رضاحسینی، ملیکا حسن پور

طراح جلد: علی محمدی

گرافیک و صفحه آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در
قالب مقالات، حقوای تمامی آنها ازسوی
ماهنامه نیست.

فهرست

مجله اقتصاد و مدیریت

- آموزه های مجمع..... ۲
- ۱۵۰ ریال سود نقدی برای هر سهم خوارزمی..... ۳
- لحظه حیاتی برای اقتصاد ایران..... ۶
- مزایا و موانع سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی ایران..... ۱۰
- سرمایه گذاری مخاطره آمیز و علل آشفتگی های مالی..... ۱۱
- کاهش ناگهانی بهای نفت و راهبرد مقابله با آسیب های آن..... ۱۴
- بنگاه های خلق سرمایه را جدی تر بگیریم..... ۱۶
- عربستان و کاهش قیمت نفت..... ۱۷
- اقتصاد با رنگ روشن تری از امید..... ۱۸
- شاخص در مدار خوشبینی پرواز می کند..... ۲۰
- بورس می تواند اقتصاد را مشارکتی کند..... ۲۲
- فهرست ۵۰ شرکت فعال تر بورس اعلام شد..... ۲۴
- سلامت همه آفاق در سلامتِ توست..... ۲۵

مجله فرهنگ و خانواده

- ای ماه رسید ماه آذر..... ۲۶
- باز باران با ترانه..... ۲۸
- آذر ماه فیلم و تئاتر..... ۲۹
- خرید خوب برای دختر خانم های خوب..... ۳۰
- مقایسه حق پخش تلویزیونی ۶ کشور با ایران..... ۳۱
- درس های حماسه حسینی..... ۳۲

دعوت از خوانندگان گرامی برای ارسال خاطرات و تجارب زندگی

ماهنامه «خوارزم» در نظر دارد یکی از صفحات خود را در هر شماره به درج
گوشه ای از خاطرات و تجارب تلخ و شیرین خوانندگان گرامی اختصاص
دهد.

در این راستا از تمامی خوانندگان ارجمند، اعم از مدیران، کارشناسان و
کارکنان گروه سرمایه گذاری خوارزمی (شامل ستاد و شرکت های وابسته) و
خانواده های ارجمند آنان دعوت می شود در صورت تمایل، این گونه خاطرات
- به ویژه از تجارب حرفه ای و شغلی - خود را که می تواند برای دیگران جالب
توجه و مفید واقع شود، به صورت فشرده تنظیم و با رعایت نکات ذیل برای
درج در ماهنامه «خوارزم» ارسال فرمایند:

نام و نام خانوادگی، سطح تحصیلات، نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک
و تلفن تماس نویسنده در آن قید شود.

حجم مطالب از سه صفحه ۸۴ (هر صفحه حدود ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند و
تایپ آن تحت برنامه word انجام شود.

ماهنامه در ویرایش، تلخیص و تنظیم مطالب رسیده آزاد است.

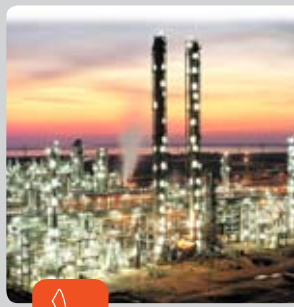
مطالب ارسالی در صورت تایید یا عدم تایید مسترد نمی شود.

نشانی پستی ماهنامه «خوارزم»: تهران، خیابان ملاصدرا، انتهای خیابان
شیراز جنوبی، تقاطع برزیل غربی، شماره ۲۵، طبقه دوم، ماهنامه خوارزم
(بخش خاطرات)

نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir



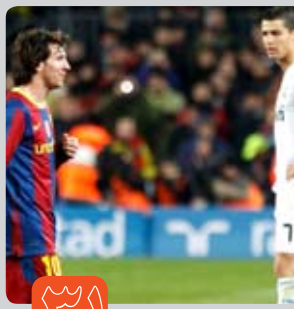
۳۳



۱۰



۳۲



۳۱

آموزه‌های مجمع

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

این از عنایت‌ها شمر، کز عشق پیش آمد ضرر
عشق مجازی را گذر بر عشق حق است انتها
غازی به دست پور خود شمشیر چوبین می‌دهد
تا او در آن استا شود، شمشیر گیرد در غزا
عشقی که در انسان بود، شمشیر چوبین آن بود
آن عشق با رحمان شود چون آید ابتلا

از جمله نکات دل‌نشین و بسیار شگفت‌انگیز مولوی بزرگ، یکی همین ابیات در مقایسه عشق زمینی با عشق آسمانی است. به تعبیر شاعر، عشق زمینی که در وجود آدمی به ودیعه گذاشته شده است، همانند شمشیر چوبینی است که یک جنگ‌جوی ماهر در اختیار فرزندش قرار می‌دهد تا تمرین شمشیربازی کند و خویشتن را برای نبرد نهایی و حقیقی آماده سازد. همان‌گونه که برای جنگاوری ممارست و تمرین لازم است، برای کسی که در جست‌وجوی عشق جاودانی به معشوق همیشگی خود - همان وجود اقدس پروردگار جهانیان - است نیز، ضرورت دارد که هر از گاهی با شمشیری آموزشی تمرین نبرد نهایی کند و از این روی است که عشق این دنیایی آدمی نه تنها ناپسند نیست، بلکه ابزار تجهیز وی است برای عشق ورزیدن به معشوق ازل و ابدی انسان.

بی‌گمان بسیاری از تجربه‌های هستی در این جهان نیز از این دست‌اند، به گونه‌ای که انگار آدمی را تمرین می‌دهند برای میدان اصلی آزمون که آن جهان است. یکی از این نمونه‌ها مجمع عمومی سالانه شرکت‌هاست که در آن به حساب و کتاب می‌رسند تا میزانی برای پاداش عمل و جزای آن باشد؛ بلکه انسان خود را برای میدان بزرگ‌تر سنجش اعمال در دنیای دیگر مهیا سازد. مجمع سالانه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در مهرماه گذشته از این دست رویدادهای مبارک بود که برکتش را از دو ویژگی مهم به دست آورده بود. نخست آن که عملکرد یک سال هیئت مدیره و دستاوردهای مثبت و چشم‌گیر آن، از آن‌جا که ناشی از برنامه‌ریزی دقیق و حرکت در راستای برنامه راهبردی هفت ساله بود و مهم‌تر این که سال اول آن و لذا گام نخستین به شمار می‌آمد، موشکافانه مورد ارزیابی و تایید قرار گرفت و دوم آن که سهام‌داران ارجمند با صراحت تمام هر چه نکته و پرسش و ابهام و چشم‌داشت داشتند، با مدیران شرکت در میان گذاشتند و در این موضوع برکت و خیری نهفته است که گاه شاید مورد غفلت قرار گیرد. آموزه‌های مهم مجمع عموماً از این نکته سرچشمه می‌گیرند.

نخستین آموزه را می‌توان این نکته قلمداد کرد که شفافیت بیشتر، اطمینان خاطر بیشتر در تمامی ذی‌نفعان به‌ویژه سهام‌داران و هم‌چنین مدیران ایجاد می‌کند. این که دارایی‌های شرکت چگونه تملک شده‌اند، وضعیت آماده‌سازی آن‌ها برای پذیرش در بورس چگونه است، کیفیت سود کسب‌شده و منابع اصلی آن چگونه است، وجوه حاصل از افزایش سرمایه چگونه مصرف شده‌اند و حتی عملکرد شرکت‌های گروه، که خود در مجمع آن‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد، چگونه بوده و به چه نتایجی منجر شده است، نه تنها اطلاعات اضافی نیستند، بلکه طرح کامل آن‌ها با تشریح جزئیات، امکان ارزیابی و تصمیم‌گیری بهتری را به سهام‌داران و فعالان بازار سرمایه می‌دهد تا با تمامی زوایای شرکت سرمایه‌پذیرشان آشناتر شوند و این البته اتفاق خجسته‌ای است که بخش مهمی از مذاکرات مجمع را به خود اختصاص داد و به مدیران نیز یادآوری کرد که در بازار سرمایه امروز هیچ‌چیز مورد غفلت قرار نمی‌گیرد.

آموزه دوم مجمع، این حقیقت است که انتظار سرمایه‌گذاران در مجمع معمولاً از آن‌چه خود قبلاً تصویب کرده و شاید به کمتر از آن نیز رضایت داشتند، بسیار بالاتر است. اگرچه مجمع هیچ‌گاه حلال تمامی مشکلات مالی و نقدی سرمایه‌گذاران به شمار نمی‌آید، اما در سالی که از رکود تورمی رنج می‌برد، حتی اگر شرکت سود عملیاتی خود را بیش از پنجاه درصد هم افزایش دهد و سود تقسیمی را نیز، باز سهام‌داران انتظاری فراتر دارند. اگر از انتظارات غیرواقع‌بینانه و هیجانی و ارزیابی‌نشده قلیلی از شرکت‌کنندگان بگذریم، واقعیت این است که طرح این انتظارات فراتر از آن‌چه خود موفقیت چشم‌گیری به شمار می‌آید، در مدیران شور بیشتری برای ارتقای عملکرد شرکت به وجود می‌آورد و همواره این‌گونه بوده است که میل به شکستن رکورد بیشتر، انگیزه روزافزونی را در قهرمانان ایجاد کرده و جهان به آن سطح از پیشرفت و رفاه که امروزه وجود دارد، دست یافته است. به قول نظامی شیرین‌گفتار:

هر چه در این پرده نشانت دهند
گر نپسندی به از آنت دهند

در این راستا، گروه مدیران خوارزمی پس از مجمع، با اشتیاق و انگیزه‌ای دوچندان کمر همت بر بسته‌اند تا سال دوم اجرای برنامه ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها را با نتایجی به مراتب بهتر از آن‌چه در سال گذشته بود، رقم زنند. توسعه عملیات فناوری اطلاعات در مفاخر، اجرای برنامه‌های عملیاتی هلدینگ معادن صدر جهان، عرضه سهام شرکت توسعه برق و انرژی سپهر که مالک نیروگاه منتظر قائم است در بورس، توسعه عملیات هلدینگ ساختمان خوارزمی، افزایش سودآوری عملیاتی شرکت و پذیرش آن در بازار سرمایه، ارتقای سبد سرمایه‌گذاری در صنعت بانک‌داری، بهبود عملیات گروه در بخش بازرگانی، توسعه سرمایه‌گذاری در خدمات مالی و سرمایه‌گذاری و استفاده از ابزارهای نوین مالی و پولی، افزایش سودآوری و تکمیل پروژه‌های موجود در صنعت دارو، شروع عملیات تاسیس هلدینگ نفت و گاز، توسعه کسب‌وکارهای برون‌مرزی و بین‌المللی، ادامه اصلاح ترکیب سبد سرمایه‌گذاری شرکت و اجرای مرحله دوم افزایش سرمایه، از جمله برنامه‌های تعیین‌شده شرکت برای سالی است که در آن قرار داریم. بی‌گمان، برداشتن این گام‌های بلند بدون اتکا به فضل بی‌کران الهی و استظهار به حمایت سرمایه‌گذاران و سهام‌داران حقیقی و حقوقی ارجمند و بهره‌گیری از خدمات و تلاش‌های شبانه‌روزی مدیران، کارشناسان و کارکنان گروه جوان و رو به رشد سرمایه‌گذاری خوارزمی میسر نخواهد بود. از این روی دست یاری به سوی تمامی ذی‌نفعان راهبردی گروه دراز کرده و از خداوند رحمان می‌خواهیم که در این مسیر ناهموار و پرپیچ‌وخم، یاریگرمان باشد که مقصد بس دراز است و منزل ناپدید.

در مجمع عمومی عادی سالانه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی تصویب شد

۱۵۰ ریال سود نقدی برای هر سهم خوارزمی



مجمع عمومی عادی سالانه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ به ریاست آقای محمدرضا عرفانی، نایب رئیس بانک صادرات ایران با حضور بیش از ۹۰ درصد سهام‌داران و نیز مدیران این شرکت یکشنبه ۲۷ مهرماه سال جاری در تهران برگزار شد. در این مجمع، پس از ارائه گزارش هیئت مدیره خوارزمی توسط دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل این شرکت و ارائه گزارش حسابرس و بازرس قانونی، تقسیم ۱۵۰ ریال سود نقدی برای هر سهم خوارزمی تصویب شد. انتخاب موسسه حسابرسی دایارایان به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و موسسه حسابرسی کوشامنش به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس علی‌البدل و انتخاب روزنامه‌های کثیرالانتشار اطلاعات و دنیای اقتصاد جهت درج آگهی‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز از دیگر مصوبات مجمع عادی سالانه این شرکت بود.

بر پایه این خبر، آقایان احمد دودانگه از موسسه همباری غدیر و بهروز امیدعلی از شرکت سرمایه‌گذاری تامین آتیه مسکن به‌عنوان ناظرین مجمع و آقای محمدرضا ستایش به‌عنوان منشی جلسه انتخاب شدند. همچنین آقای منصور شمس احمدی از سوی موسسه حسابرسی شاهدان جهت قرائت گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت در مجمع حضور داشت.

ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها

افزایش ثروت سهام‌داران از طریق خلق سود پایدار و با کیفیت تعیین شده است، اظهار کرد: کمک به توسعه اقتصادی کشور و افزایش کارایی بازار سرمایه از اهداف مهم این شرکت است. به‌همین منظور اساسی‌ترین شعار گروه خوارزمی «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» است.

با توجه به چشم‌انداز و مأموریت تعیین‌شده در برنامه راهبردی، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در نظر دارد با گسترش فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف با محوریت سرمایه‌گذاری در صنایع بانکداری، مسکن و ساختمان، معادن و صنایع معدنی، انرژی (نفت، گاز و پتروشیمی)، فناوری اطلاعات، بازرگانی، بازار سرمایه و سایر فرصت‌های پربازده سرمایه‌گذاری به یکی از شرکت‌های برتر سرمایه‌گذاری تبدیل شود و بالاترین نرخ بازده دارایی‌ها در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری کشور را به خود اختصاص دهد.

به گفته او، بر اساس آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی، بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رکن بازار پولی کشور در حوزه تجهیز منابع، نقشی اساسی و موثر در تامین منابع برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد کشور دارند. از سویی دیگر انتظار می‌رود با توجه به بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور در عرصه بین‌المللی، صنعت بانکداری از سودآوری مطلوب و پایدار برخوردار شود.

بررسی سهم بخش مسکن و ساختمان در تولید

دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، طی سخنانی در مجمع عمومی عادی سالانه این شرکت تدوین برنامه راهبردی شرکت، ورود به حوزه‌های جدید سرمایه‌گذاری، بهینه‌سازی ترکیب سرمایه‌گذاری‌های موجود و توسعه آن‌ها، انتقال شرکت‌ها از بازار اولیه به بازار ثانویه و افزایش سرمایه شرکت را مهم‌ترین گام‌های برداشته‌شده در شرکت برشمردند. او با بیان این‌که هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با تدوین و تصویب کلیات برنامه راهبردی شرکت در آذرماه ۱۳۹۲ چشم‌انداز تازه‌ای را پیش روی سهام‌داران و ذی‌نفعان شرکت ترسیم کرده است، گفت: بر اساس برنامه راهبردی هفت‌ساله شرکت، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ یکی از ۵۰ شرکت برتر ایران و همچنین یکی از پنج شرکت سرمایه‌گذاری و هلدینگ برتر ایران از نظر ارزش جمع دارایی‌ها در ترازنامه خواهد بود. همچنین در تاریخ یادشده ارزش دارایی‌های شرکت معادل حداقل یک درصد رقم تولید ناخالص داخلی کشور به نرخ جاری است و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی دارای بالاترین نرخ بازدهی دارایی‌ها در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایرانی خواهد بود.

او با بیان این‌که بر اساس برنامه راهبردی هفت‌ساله شرکت، مأموریت شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی،

ناخالص داخلی کشور نشان می‌دهد بخش مذکور طی چهار سال اخیر حدود هفت درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده و طی چند سال اخیر به‌طور متوسط بین ۳۸ الی ۴۴ درصد از کل تشکیل سرمایه کشور به بخش مسکن و ساختمان تعلق داشته است. همچنین بخش مسکن و ساختمان یکی از اشتغال‌زاترین بخش‌های اقتصادی کشور به شمار می‌رود و حدود ۱۲ درصد از کل اشتغال کشور به این بخش تعلق دارد. بنابراین صنعت ساختمان با وجود برخی چالش‌ها به لحاظ سودآوری مطلوب برای سرمایه‌گذاران و ارزش‌آفرینی در تولیدات داخلی کشور از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ایران برخوردار است.

ایران با دارا بودن حدود سه درصد از ذخایر معدنی جهان، رتبه نخست خاورمیانه و سوم آسیا را در اختیار دارد و در شمار ۱۰ کشور برتر از نظر ارزشمندی معادن طبیعی در جهان

قرار دارد، به‌طوری‌که ارزش ذخایر معدنی کشور بالغ بر ۷۷۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

درمجموع مزیت‌هایی هم‌چون دسترسی به معادن غنی در کشور و دسترسی به تکنولوژی استخراج و فراوری سنگ‌های معدنی از یک سو و ارزان‌تر بودن انرژی در کشور نسبت به رقبای جهانی از سوی دیگر، فعالیت در صنایع معدنی و فلزات اساسی را در اولویت‌های سرمایه‌گذاری قرار داده است.

ایران با دارا بودن ۱۵۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت خام در رتبه چهارم جهان و با ۳۳ هزار میلیارد مترمکعب ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی در رتبه دوم جهان قرار دارد که این موضوع زیربنای خودکفایی ایران در بخش انرژی را فراهم می‌آورد. همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز از مزایای دسترسی به منابع تامین انرژی و خوراک مصرفی، موقعیت استراتژیک ایران به لحاظ جغرافیایی و نزدیکی به آب‌های بین‌المللی و بازارهای صادراتی، مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی و امکان تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد ارزش افزوده بالا برخوردار است.

در حوزه برق نیز مجموع ظرفیت تولید برق ایران در سال ۲۰۱۳ در حدود ۶۰ هزار مگاوات بوده است. مطابق پیش‌بینی‌های معتبر، میزان تولید خالص سالانه و همچنین مصرف سالانه برق ایران در سال ۲۰۱۴ میلادی به ترتیب معادل ۱۸۶ و ۱۹۰ تراوات ساعت خواهد بود. میزان رشد تقاضای برق در ایران تا سال ۲۰۲۲ نیز سالانه حدود ۳/۶ درصد خواهد بود، این در حالی است که رشد تولید برق در دوره مذکور معادل ۳/۵ درصد برآورد شده است. لازم به توضیح است که ایران از نظر جغرافیایی در مجاورت کشورهای پاکستان و هند قرار دارد که با مشکل کمبود برق مواجه هستند و این امر فرصت مناسبی را برای صادرات برق



ماه سال گذشته این شرکت مبنی بر افزایش سرمایه در دو مرحله از مبلغ ۴,۶۸۵ میلیارد ریال به ۱۵,۰۰۰ میلیارد ریال اظهار کرد: در مرحله اول، افزایش سرمایه بیش از ۱۱۳ درصدی شرکت با هدف اجرای بخشی از برنامه تامین منابع مورد نیاز شرکت در سال ۱۳۹۳ از مبلغ ۴,۶۸۵ میلیارد ریال به‌مبلغ ۱۰,۰۰۰ میلیارد ریال از محل مطالبات و آورده نقدی به میزان ۶۶/۵ درصد و از محل اندوخته‌های شرکت به میزان ۴۶/۹ درصد، پس از تصویب در مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام و اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ و طی مراحل قانونی، در مردادماه ۱۳۹۳ ثبت شد.

توسعه سرمایه‌گذاری‌ها

او هم‌چنین از خرید نیروگاه منتظر قائم، تاسیس شرکت توسعه معادن صدر جهان، خرید بخشی از سهام شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر، افزایش سرمایه‌گذاری و عضویت در هیئت مدیره در بانک صادرات ایران به‌عنوان مهم‌ترین فعالیت‌های انجام‌شده درخصوص تنوع‌بخشی به ساختار پرتفوی گروه خوارزمی در جهت نیل به اهداف برنامه راهبردی شرکت نام برد.

دکتر صیدی گفت: در حوزه انرژی، نیروگاه منتظر قائم در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ با قیمتی منصفانه و شرایطی مناسب توسط گروه خوارزمی خریداری گردید. این نیروگاه از طریق شرکت توسعه برق و انرژی سپهر (با مالکیت

صددرصدی گروه خوارزمی) به منظور مدیریت حرفه‌ای و بهبود عملکرد نیروگاه خریداری شد. هم‌چنین اقداماتی برای تجهیز تیم تخصصی مدیریتی نیروگاه و برنامه‌ریزی برای بهبود عملکرد آن از طریق افزایش بهره‌وری، افزایش تولید، تغییر ساختاری بهای تمام‌شده صورت پذیرفت. شایان ذکر است، نیروگاه منتظر قائم دارای مزایای بالقوه‌ای شامل امکان افزایش راندمان نیروگاه، امکان افزایش سودآوری، اجرای طرح‌های بهبود فرایندها و تولید با هدف افزایش ارزش در میان‌مدت است و افزایش

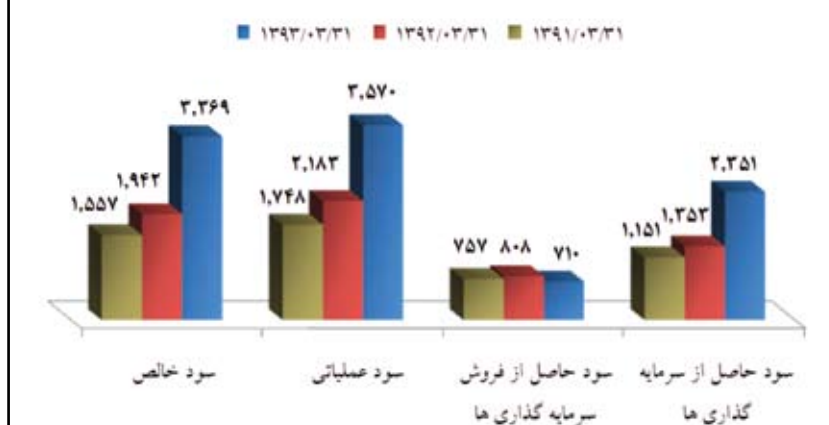


بازرگانی ایران ترسیم کرده است. بر این اساس شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در راستای تحقق اهداف راهبردی گروه و هم‌چنین ایفای نقش خود در توسعه اقتصادی کشور، سرمایه‌گذاری در حوزه بازرگانی را مد نظر قرار داده است.

تحقق افزایش سرمایه ۱۱۳ درصدی

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی هم‌چنین با اشاره به مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۲۰ بهمن

عملکرد شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ (مبالغ به میلیارد ریال)



نشان می‌دهد شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با وجود سهام شناور ۴۹ درصدی، با کسب بازدهی ۶۸ درصد رتبه پنجم را در میان ۱۴ شرکت سرمایه‌گذاری به خود اختصاص داده است. به گفته او، به‌طور متوسط تعداد سهام معامله‌شده روزانه شرکت از حدود پنج میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ به بیش از ۱۰ میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ افزایش یافته است. هم‌چنین طی سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ متوسط ارزش معاملات روزانه سهام شرکت با رشد ۲۴۳ درصدی نسبت به سال مالی ماقبل از هفت میلیارد ریال به ۲۴ میلیارد ریال افزایش یافته است.

برنامه‌های آتی گروه خوارزمی

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با تأکید بر تداوم حرکت گروه خوارزمی بر مبنای برنامه راهبردی هفت ساله، از پایش پیوسته پرتفوی گروه خوارزمی در راستای تحقق برنامه راهبردی هفت ساله شرکت از طریق بهبود ساختار و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌های گروه، توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع هدف در جهت دستیابی به اهداف عملیاتی برنامه هفت ساله شرکت، ارتقای فعالیت‌های نیروگاه منتظر قائم شامل افزایش بهره‌وری و راندمان نیروگاه، افزایش ضریب بهره‌برداری، کاهش بهای تمام‌شده تولید برق از طریق اصلاح ساختار مصرف سوخت نیروگاه و نیز انجام اقدامات عملیاتی جهت کوتاه‌تر کردن دوره وصول مطالبات و اجرای برنامه‌های عملیاتی هلدینگ معدنی توسعه معادن صدر جهان نام برد.

او هم‌چنین گسترش فعالیت در حوزه انرژی از طریق تأسیس هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی، توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه فناوری اطلاعات از طریق شرکت توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی (مفاخر) و تجدید ساختار آن در قالب هلدینگ، ارتقای بهره‌وری و بهبود عملکرد شرکت‌های گروه خوارزمی، پیاده‌سازی نظام ارزیابی عملکرد در جهت توسعه فرایندهای اجرایی و ارزیابی عملکرد شرکت‌های گروه خوارزمی و برنامه‌ریزی جهت ورود شرکت‌های گروه به بورس اوراق بهادار را از جمله دیگر برنامه‌های آتی شرکت برشمرد.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، از پایش پیوسته پرتفوی گروه خوارزمی در راستای تحقق برنامه راهبردی هفت ساله شرکت از طریق بهبود ساختار و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌های گروه، توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع هدف در جهت دستیابی به اهداف عملیاتی برنامه هفت ساله شرکت، ارتقای فعالیت‌های نیروگاه منتظر قائم شامل افزایش بهره‌وری و راندمان نیروگاه، افزایش ضریب بهره‌برداری، کاهش بهای تمام‌شده تولید برق از طریق اصلاح ساختار مصرف سوخت نیروگاه و نیز انجام اقدامات عملیاتی جهت کوتاه‌تر کردن دوره وصول مطالبات و اجرای برنامه‌های عملیاتی هلدینگ معدنی توسعه معادن صدر جهان نام برد



رشد ۷۴ درصدی سود خالص

دکتر صیدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: به‌طور کلی عملکرد مالی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ نشان‌دهنده رشد سود عملیاتی و سود خالص شرکت به ترتیب معادل ۶۴ و ۷۴ درصد است. سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها در سال مالی مورد گزارش با رشد ۷۴ درصدی از مبلغ ۱,۳۵۳ میلیارد ریال به ۲,۳۵۱ میلیارد ریال افزایش یافته است.

تصویب ۱۵۰ ریال سود تقسیمی به ازای هر سهم

دکتر صیدی با بیان این‌که میزان سود تقسیمی برای سال مالی مورد گزارش بالغ بر ۱,۰۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود، اعلام کرد: سود تقسیمی شرکت به ازای طی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب معادل ۸۸۸ و ۱,۱۷۱ میلیارد ریال بوده است. هم‌چنین پیشنهاد هیئت مدیره برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ مبلغ ۱۱۰ ریال به ازای هر سهم با سرمایه جدید بود، اما مبلغ ۱۵۰ ریال به ازای هر سهم معادل ۱,۵۰۰ میلیارد ریال مورد

ظرفیت نیروگاه جهت تأمین ۱۰ درصد از برق مورد نیاز کشور در برنامه بلندمدت آن قرار دارد.

او با بیان این‌که حوزه فناوری اطلاعات با محوریت صنعت بانکداری و نظام پرداخت‌های الکترونیکی از مهم‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور طی سال‌های اخیر و با چشم‌انداز روبه رشد برای آینده است، اظهار کرد: گروه خوارزمی با شناسایی فرصت‌های دارای ارزش افزوده در این بخش از طریق سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی و داده‌پردازی خوارزمی و هم‌چنین سهام‌داری در شرکت کارت اعتباری ایران کیش، برنامه توسعه فعالیت در حوزه مذکور را دارد.

از سویی دیگر به جهت افزایش شفافیت و شناسایی ارزش سهام توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی، برنامه عرضه سهام این شرکت با نماد مفاخر در بازار دوم فرابورس طی سال مالی مورد گزارش عملیاتی شد که با استقبال سرمایه‌گذاران خرد و نهادی مواجه شد.

به گفته او، گروه خوارزمی در حوزه بانکداری، با خرید ۱/۶ درصد از سهام بانک صادرات ایران با شرایطی مناسب، اقدام به سرمایه‌گذاری بلندمدت در یکی از بانک‌های دارای پتانسیل بالا کرده است. هم‌چنین شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از طریق عضویت در هیئت مدیره بانک صادرات ایران، در سیاست‌گذاری‌های کلان این بانک معظم ایفای نقش می‌نماید. از این رو، انتظار می‌رود با توجه به اهداف بلندمدت گروه خوارزمی در تنوع‌بخشی به پرتفوی سرمایه‌گذاری‌ها شاهد توسعه و توازن هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع هدف باشیم.

دکتر صیدی هم‌چنین از اجرای بخشی از طرح توسعه شرکت لابراتوارهای سینادارو، توسعه فعالیت‌ها در بخش املاک و مستغلات، گسترش فعالیت‌ها در بخش واسطه‌گری مالی و افزایش نقدشوندگی پرتفوی سیمانی به‌عنوان سایر اقدام‌های مهم گروه خوارزمی در مسیر دستیابی به اهداف برنامه هفت ساله این شرکت نام برد.

لحظه حیاتی برای اقتصاد ایران

اقتصادی وب سایت گروه سرمایه گذاری خوارزمی

کریس رایت
مترجم: علی حاتمیان

اُمَنیج مَهانامِه یورومانی - Euromoney magazine سپتامبر ۲۰۱۴

و موسسات مالی بینالمللی در بازگشت به ایران با چه شرایطی مواجه خواهند بود؟ این پرسشی است که پاسخ به آن تصویری پیچیده را طلب میکند. منابع ثروت در ایران بسیار متنوع است و امکانات اقتصادی این کشور به منابع انرژی هیدروکربنی منحصر نمیشود. ایران از جمعیت تحصیل کردهای برخوردار است که همگی مشتاق کار سخت برای احیای تجارت با جهان هستند و البته دولتی اصلاحطلب نیز بر آن حکومت می کند. با این حال سیستم بانکی کشور با مشکلات بسیاری از جمله مطالبات وصول نشده، وام های بدون بازگشت و کمبود سرمایه قابل استفاده مواجه است... حقیقت آن است که در ایران هیچ چیز ساده نیست.

اما اگر از زاویه مثبت به ویژگی ایران بنگریم، مزیت های بسیاری وجود دارند که امکان توسعه این کشور را فراهم می سازند. ایران از جمعیتی ۷۸ میلیونی با درصد بالای تحصیلات برخوردار است، ۹ درصد ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، بخش تولیدی آن طیف وسیعی از محصولات را در بر می گیرد و ارزش بازار سهام آن در ابتدای سال جاری به ۱۷۰ میلیارد دلار رسیده است. رقمی که مشابه با ارزش بازار سهام کشوری چون لهستان است و سهام شناری بیش از کویت یا نیجریه دارد. در کنار این موارد، ایران در سال های اخیر توسط رئیس جمهوری اصلاح طلب اداره میشود که خواستار تعامل هر چه بیشتر با تمام کشورهای جهان است.

از دید حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی (یکی از بزرگترین شرکت های سرمایه گذاری)، «ایران مزیت های رقابتی بسیاری دارد. پیش از هر چیز، به لحاظ جمعیتی، از برتری های بسیاری، نه تنها از جهت تعداد بلکه به جهت جوان بودن جمعیت نیز برخوردار است. در کنار این امر، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیز اهمیت بالایی دارد که در جایی میان اروپا، خلیج فارس و بازارهای رو به توسعه آسیای میانه قرار گرفته است. به علاوه سطح تحصیلات ایرانیان هم با دیگر کشورهای منطقه به نحو چشم گیری متفاوت است.»

چنین مزیت هایی برای ایرانیان بسیار غرور آفرین است. از دید آن ها مهندسان فارغ التحصیل دانشگاه شریف با بهترین متخصصان آم آتی برابری می کنند و «هتنها در حوزه نفت و گاز، بلکه در سایر منابع معدنی نیز امکانات بسیاری وجود دارد.»

صیدی به فهرست بلند بالایی از این منابع مانند مس، طلا، نیکل، روی، کبالت، فسفات، گچ و سنگ آهک اشاره می کند (او اشاره ای به منابع اورانیوم نمی کند که خود داستان دیگری

می کنند و در انتظار نتایج نهایی گفت و گوهای ایران و ۵۰۱ هستند تا بار دیگر برای سرمایه گذاری بیشتر به ایران بازگردند. نگاهی به گذشته نیز به خوبی نشان می دهد که بازار ایران همواره محلی امن و پر رونق برای سرمایه گذاران خارجی بوده است.»

در همین راستا، گزارش های متعدد نشان می دهند که بسیاری از تاجران و بانکداران اروپایی در ماه های اخیر به صورت غیر رسمی از ایران دیدار کرده اند تا با ارزیابی فرصت های سرمایه گذاری، در زمان مناسب به این کشور بازگردند. البته تحریم های جدید خزانه داری آمریکا در ماه اوت علیه پنج بانک ایرانی (که تا حدودی شتاب زده به نظر می رسد) تردیدهایی را در این زمینه ایجاد کرده است. این تحریم های تازه، بانک خاورمیانه را نیز شامل شده اند که تا آن زمان بزرگترین بانک ایرانی خارج از فهرست تحریم های آمریکا به شمار می آمد. با این وجود، بسیاری در ایران امیدوارند که این آخرین مورد استفاده از مشق آهنگین تحریم در پشت دستکش مخملین مصلحه باشد و لغو تحریم ها تا ماه نوامبر امکان پذیر گردد.

اما اگر لحظه موعود فرارسد و تحریم ها برداشته شوند، نهادها

قدرت یافتن دولت اسلامی (داعش) و تهدیدات امنیتی ناشی از آن عاملی است که می تواند وجهه بین المللی ایران را بهبود بخشد و این کشور را به هم پیمان طبیعی غرب بدل سازد. از سوی دیگر تحریم های اقتصادی و مالی علیه ایران، اقتصاد و نظام بانکی این کشور را در فشار شدیدی قرار داده است. در اثر این تحریم ها نرخ تورم اوج گرفته، موسسات مالی به کمبود سرمایه دچار شده اند و شرکت های تولیدی و خدماتی قادر به جذب سرمایه مورد نیاز خود نیستند.

حال ایران بر سر دوراهی حساسی قرار گرفته است و سال پیش روی میلادی مسیر آینده آن را مشخص خواهد ساخت. ایران از یک سو می تواند در مسیر احیای دوباره قرار گیرد و سناریویی توأم با موفقیت و رونق اقتصادی را تحقق بخشد که در آن، کشور به جامعه جهانی باز می گردد و برای تامین ثبات خویش در این منطقه پراشوب، به دولت های باثبات غربی تکیه می کند. در مقابل مسیر دومی نیز پیش روی ایران قرار دارد که با گام نهادن در آن ضربات جدی تری به اقتصاد ایران وارد می شود و با ادامه ممنوعیت تجارت با غرب، شرایط به صورت اجتنابناپذیری بدتر خواهد شد. البته دیدگاه غالب در تهران به صورتی است که امکان ورود در هر یک از این دو مسیر وجود دارد.

ژئوپلیتیک منطقه نیز (که پیشبینی ناپذیرترین نیروها را در خود جای داده است) به آرامی و در اثر عواملی عمدتاً خارجی به سود ایران در حال چرخش است. شاید یک سال پیش کمتر کسی تصور میکرد که ایران به متحد طبیعی ایالات متحده در منطقه بدل شود. اما امروز آمریکا برای تامین منافع خود در منطقه ای که دولت اسلامی (داعش) به کابوس آن بدل شده است، به هم پیمانی باثبات نیاز دارد. هم پیمانی چون ایران شیعه که داعش به سبب باورهای عقیدتی سنی، هرگز دست دوستی به سوی او دراز نخواهد کرد.

همسویی رهبران دو کشور نیز رویدادی تاریخی است که شاید در هر نسل، تنها یک بار فرصت آن فراهم آید. از یک سو حسن روحانی در ایران به دنبال افزایش همکاری با غرب است و از سوی دیگر رئیس جمهور ایالات متحده نیز برای برقراری صلح می کوشد و شدیداً به موفقیتی بزرگ در سیاست خارجی خود نیازمند است. در کنار ایالات متحده، اروپا هم دلایل موجهی برای افزایش و ارتقای سطح روابط خود با ایران دارد. اتحادیه اروپا که با دشواری های ناشی از بحران اوکراین و افزایش تنش ها با روسیه مواجه است، می کوشد تکیه خود را بر منابع انرژی روسیه به ویژه گاز این کشور کاهش دهد. طبیعی است که ایران با دارا بودن منابع انرژی مورد نیاز اروپا و برخورداری از خطوط مناسب انتقال گاز، تا قفقا، می تواند جانشین مناسبی برای روسیه باشد.

این نکات جملگی توان چانه زنی ایران را در مذاکره با غرب افزایش می دهد و به این کشور در مسیر تلاش برای لغو تحریم های هسته ای یاری می رساند؛ تحریم هایی که حذف آن ها می تواند ایران را برای از سرگیری تجارت جهانی آماده کند و امکان استفاده از مزایای بسیار این کشور را فراهم سازد. درواقع چنان که محمد امیر داوود، مدیر امور بین الملل بانک پاسارگاد (یکی از بزرگترین بانک های خصوصی ایران)، اشاره کرده است، «بسیاری از بازیگران جهانی، شرکت ها و سرمایه گذاران، به دقت موقعیت فعلی را رصد

از دید حجت اله صیدی،
مدیر عامل شرکت سرمایه
گذاری خوارزمی (یکی از
بزرگترین شرکت های سرمایه-
گذاری) «ایران مزیت های
رقابتی بسیاری دارد.
پیش از هر چیز، به لحاظ
جمعیتی، از برتری های
بسیاری، نه تنها از جهت تعداد
بلکه به جهت جوان بودن
جمعیت نیز برخوردار است»

است) و معتقد است: «اگر درها به روی این جمعیت جوان باز شوند، کارهای بسیاری می‌توان انجام داد.»

البته دست‌نخورده بودن ایران آشکارا حاصل تحریم‌های جهانی است و مشکل اصلی نیز در همین نقطه خود را نشان می‌دهد. درحقیقت اگر صاحبان سرمایه و شرکت‌های بزرگ، در بیشتر بخش‌ها از تجارت با ایران منع نمی‌شدند و راه‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های خارجی روی این تجارت مسدود نبود، هیچ‌یک از این امکانات و موقعیت‌های بی‌نظیر به وجود نمی‌آمد. به گفته صیدی، «جهان امروز یک‌پارچه است و هیچ شرکتی قادر نیست بدون مشارکت بین‌المللی رشد کند.»

البته تحریم‌ها تنها بخشی از مشکل هستند و اقتصاد ایران به‌طور کلی در شرایط پرخطری قرار دارد. رکود اقتصادی سال‌های گذشته با تورم شدید همراه است، ارزش پول ملی کاسته شده و بیکاری فزاینده، درگیری بخش بانکی با وام‌های بدون بازگشت و توقف فرایند تولید در اثر واردات بی‌رویه محصولات ارزاتر از کشورهایی چون چین، اقتصاد ایران را با بحران مواجه کرده است؛ هرچند که شرایط در ماه‌های اخیر تا حدودی بهبود یافته است و مطابق گزارش بانک مرکزی، تورم ۴۵ درصدی سال گذشته امسال به ۳۵ درصد رسیده و مطابق پیش‌بینی، در مارس ۲۰۱۵ (ابتدای سال ایرانی) به ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. با این حال چنان‌که یکی از مدیران ارشد مالی ایران می‌گوید، کنترل تورم در کنار افزایش نرخ رشد اقتصادی مسیری بسیار دشوار است. به گفته او، «باید برای مقابله با تورم از فشار نقدینگی بکاهیم، اما در عین حال رشد اقتصادی به تزریق نقدینگی نیاز دارد و طبیعی است که نمی‌توان هر دو کار را به صورت هم‌زمان انجام داد.»

از این رو مرتبط دانستن تمامی مشکلات اقتصاد ایران با تحریم‌ها می‌تواند برداشتی نادرست باشد. البته آشکار است که تحریم‌ها بی‌تأثیر نبوده‌اند، اما مشکلات موجود به‌طور عمده درون‌زا هستند و در دوران مدیریت هشت ساله محمود احمدی‌نژاد (۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳) به وجود آمده‌اند. با آن‌که در دوران حکمرانی او، ایران با افزایش قیمت جهانی نفت، بیش از تمام دوره‌های پیشین درآمد داشته است، اما با پذیرش این داوری باید تصدیق کرد که این پول

در جای مناسبی هزینه نشده است. به گفته یکی از بانکداران ایران، «آن‌قدر که از مدیریت نادرست لطمه دیده‌ایم، از تحریم‌ها آسیب ندیده‌ایم. می‌توانستیم اقتصادی متعادل و بانرخ تورم پایین داشته باشیم» و با لیخندی محو اضافه می‌کند که «ما نداریم». تحریم‌های جهانی علیه ایران در سه سطح اعمال شده‌اند و اروپا، آمریکا و سازمان ملل متحد هر یک به صورت جداگانه به تحریم ایران پرداخته‌اند. اما در این میان تحریم‌های آمریکا تأثیر بسیار شدیدی داشته است و این امر بیش از هر چیز به ویژگی‌های ارزی این کشور و جایگاه برتر آن در اقتصاد جهانی بازمی‌گردد. به‌طور مثال تحریم بانک‌ها و سیستم مالی ایران نه‌تنها تجارت مستقیم ایران با آمریکا، بلکه هر معامله‌ای را با استفاده از دلار آمریکا منع می‌کند. پی‌گیری و برخورد پرهیاهوی دولت اوباما با نقض کنندگان این تحریم‌ها نیز بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های خارجی را از ادامه تجارت قانونی با ایران بازداشته و به‌طور مثال، تصویب جریمه ۹ میلیارد دلاری آمریکا علیه شرکت BNP Pariba در ماه ژوئیه، رویکرد تمامی بانک‌های مرتبط با ایران را به صورت جدی تحت تأثیر قرار داده است.

البته تحریم‌های جهانی در مجموع طیف کوچکی از صنایع ایران را هدف قرار داده‌اند و به ویژه از ماه ژوئیه، برخی از تحریم‌های مرتبط با صنایع خودروسازی و پتروشیمی نیز حذف شده‌اند. ضمن آن‌که خدمات بشر دوستانه و کالاهای غذایی، نوشیدنی، خدمات دارویی و ابزارهای پزشکی نیز از شمول آن‌ها معاف هستند. به‌طور مثال، کسانی که به تهران سفر می‌کنند، با کمال شگفتی حضور برندهای مشهور غربی مانند «ستل» را مشاهده خواهند کرد که به صورت کاملاً قانونی به فعالیتی پرونوق مشغول‌اند. با این حال به سبب تحریم بخش مالی و حضور بانک‌های ایران در لیست سیاه، تأمین مالی قراردادهای دشواری انجام می‌شود و بانک مرکزی مکتلیسم جایگزینی برای رویارویی با این مسئله در اختیار ندارد.

بر این اساس، اصلی‌ترین تحریم اعمال‌شده علیه ایران خدمات مالی این کشور را هدف گرفته است، زیرا تا زمانی که این تحریم ادامه داشته باشد، سایر حوزه‌ها نیز در عمل تحریم شده‌اند. البته

هنوز راه‌های پربیچ‌وخمی برای تجارت با شرکت‌های اروپایی در بخش‌های تحریم‌نشده وجود دارد، اما این فرایند مستلزم بازگشایی حساب‌های گوناگون در کشورهای سومی چون ژاپن است تا تراکنش‌های مالی از طریق این کشورها صورت پذیرد. این فرایند شاید برای معاملات کلانی چون خرید غله توجیه اقتصادی داشته باشد، اما بدون شک تأمین مقادیر کوچک دارو را حتی برای شرکت‌های دارویی معاف از تحریم‌ها نیز دشوار خواهد ساخت. از این رو برخی داروها و نیازهای اولیه مردم تأمین نمی‌شود و طبیعی است که خشم و رنجش گسترده‌ای میان آن‌ها ایجاد خواهد شد، چراکه تصمیم سیاسی دولت‌ها منجر به تنبیه شدید شهروندان شده است.

دیدار گزارشگران «یورومانی» از تهران با سقوط مرگبار هواپیماهای ایرانی همراه بود. پس از این واقعه و در خلال پخش اخبار آن از رادیو، اغلب رانندگان تاکسی مسئولیت مستقیم این فاجعه را بر عهده تحریم‌ها می‌دانستند. درواقع نیز تا همین اواخر، قطعات یدکی هواپیما در زمره اقلام تحریم‌شده قرار داشت و از این رو خطوط هوایی داخل ایران قادر به تعمیر هواپیماهای خود جز از طریق بازار سیاه نبوده‌اند. به علاوه حتی پس از لغو تحریم قطعات هواپیما نیز کسی حاضر به فروش آن‌ها نیست، زیرا تجارت با ایران و عواقب آن هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

از این رو نکته بسیار مهم در خصوص لغو تحریم‌ها نه زمان‌بندی این فرایند، بلکه مراحل و ترتیب اجرای آن است. به‌طور مثال، هیچ‌کس در آینده نزدیک اجازه فروش تجهیزات نظامی به ایران را نخواهد یافت و البته شهروندان ایران نیز از این امر آسیب نخواهند دید. اما لغو تحریم خدمات مالی پرسنی است که پاسخ به آن ضروری است و سرنوشته تمامی کالاهای تحریمی و غیرتحریمی از یک زاویه به آن وابسته است. جلال رسول اف، مدیرعامل بانک آینده، در این باره معتقد است که «اگر بانک‌ها نتوانند تعامل فعالانه‌ای با جهان و سیستم مالی آن داشته باشند، تحرک مالی آن‌ها مانند حرکت در جاده‌ای یک‌طرفه است که می‌توان از یک سو در آن وارد شد، اما مسیر بازگشتی وجود ندارد. از این رو اگر تحریم بانکی ایران برداشته شود، مزایای بسیاری برای مردم ایران خواهد داشت.»

بخش بانکی ایران فرایند بسیار پیچیده‌ای دارد. در این بخش شمار زیادی از بانک‌های بزرگ دولتی و حدود ۲۰ بانک دیگر، که خود را خصوصی می‌نامند، به فعالیت مشغول هستند. این گروه دوم بانک‌هایی با پشتیبانی دولتی را شامل می‌شوند که سهام آن‌ها در طول فرایند خصوصی‌سازی دهه گذشته به بورس تهران فروخته شده است. برخی دیگر نیز اساساً دولتی نبوده و در برخی موارد بر مبنای مشارکت کاملاً خصوصی شکل گرفته‌اند. در کنار این بانک‌ها، موسسات مالی، شرکت‌های اعتباری و دیگر مجموعه‌های سرمایه‌گذاری نیز حضور دارند که برخی در ساختار هلدینگ تحت مدیریت خود، بانکی خاص را نیز اداره می‌کنند.

پس از آغاز فرایند حذف تحریم‌ها، بانک‌های ایران در مراحل متفاوتی به عرصه مالی جهان بازخواهند گشت... اما بیشتر بانک‌های خصوصی حاضر در فهرست تحریم‌های اروپا و سازمان ملل، انتظار دارند که پیش از همه مشمول لغو تحریم‌های جهانی شوند. البته این تصمیمی بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود، چراکه با توجه به قدرت تحریم‌های آمریکا، تعلیق آن‌ها می‌تواند اهمیت تحریم اتحادیه اروپا را به‌طور کامل از میان بردارد.

درحقیقت چنان‌که محمد امیر داوود اشاره می‌کند، «حتی اگر آیت‌مهای بشردوستانه از تحریم‌ها معاف شوند، هم‌چنان هراس از اقدامات آتی ایالات متحده باقی می‌ماند و درنتیجه فروشندگان این محصولات برای احتیاط تصمیم می‌گیرند که اساساً با ایران تجارت نکنند. درواقع بسیاری از این شرکت‌ها در انتظار لغو کامل تحریم‌ها خواهند ماند.»

درنتیجه، تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران اغلب نتایجی را به دنبال داشته‌اند که بسیار فراتر از نیت اولیه تصمیم‌گیرندگان بوده است. به‌طور مثال، بانک بین‌المللی پارس در لندن به صورت خودگردان اداره میشود و مالکیت آن در اختیار دو بانک ملت و تجارت قرار دارد. بانک ملت به‌تازگی موفق شد با تنظیم شکایت‌نامه‌ای در دادگاه اروپا تحریم خود را لغو کند، درحالی‌که بانک تجارت هم‌چنان در فهرست تحریم‌ها حاضر است. از این رو بانک پارس نیز ناخواسته مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا شده است. این بانک



با ۲۱ کارمند خود در لائبری، درواقع قادر به انجام هیچ کاری نیست و فعالیت آن کاملاً متوقف شده است. بانک پارس حتی توانایی دریافت وجه نقد حاصل از بازپرداخت مالیات (که توسط دولت انگلستان کاملاً قانونی تلقی می‌شود) را نیز ندارد، چراکه هیچ بانکی در لندن حاضر نیست از ترس پیگیرهای آتی این خدمات را انجام دهد.

این هراس عمومی در مجموع به زبان ایران تمام شده است. به‌طور مثال BNP Pariba عمدتاً به سبب عدم رعایت قوانین داد و ستد با سودان و نه ایران جریمه شده است. HSBC نیز به دلیل پرونده پول شویی ۱,۹ میلیارد دلاری مرتبط با مکزیکی جریمه شد و مسائل مرتبط با ایران بعدتر روی داده است. با این حال از دید بانکداران ایرانی، «زمانی که نام ایران در ابتدا ذکر می‌شود، سایر بانکها ترسیده و محافظه‌کار می‌شوند. از این رو حتی در حوزه‌های کاملاً قانونی نیز از معامله با ما پرهیز می‌کنند.» پس از حذف تحریم‌ها، بانک‌های بسیاری در ایران مشتاق ارتباط با طرف‌های غربی خود هستند و در غرب نیز بسیاری در پی رابطه‌ای مشابه خواهند بود. البته این امر ماجرایی تازه‌ای نیست و پیش از تحریم‌ها، بسیاری از بانک‌های بزرگ غربی از جمله HSBC، Chase و ABN Amro در ایران حضور داشته‌اند. اما این بانک‌ها در بازگشت به ایران با سیستمی مواجه خواهند بود که باید برای مواجهه با دو چالش عمده خود، یعنی اعاده بدهی‌های معوقه و تامین نیازهای مالی آتی راهکاری موثر بیابند.

ایران به دلایل گوناگون با مسئله وام‌های بی‌بازگشت مواجه است. از یک سو کاهش ارزش ریال در برابر دلار (که چندی پیش از حدود ۱۰ هزار ریال به ۳۰ هزار ریال در برابر هر دلار رسید) باعث شده است که بسیاری از مشتریان بانک نتوانند تعهدات خود را برای بازگشت مبالغ دریافتی انجام دهند. از سوی دیگر در دوران مدیریت احمدی‌نژاد، کاهش رقابت‌پذیری محصولات تولید ایران در قیاس با محصولات ارزان چینی نیز ناتوانی وام‌گیرندگان و تولیدکنندگان را در بازپرداخت مبالغ دریافتی تشدید کرده است. بیشتر بانکداران از سطح ۱۵ درصدی مرتبط با وام‌های بدون بازگشت سخن می‌گویند، درحالی‌که می‌توان برای ارزیابی واقع‌بینانه شرایط، این میزان را دو برابر کرد. به گفته یکی از این افراد، «بانکی را به من نشان دهید که کمتر از ۱۵ درصد وام سررسیدگذاشته دارد و من به شما نشان خواهم داد که کدام‌یک از مبالغ پرداختی را در حساب‌های خود لحاظ نکرده است.»

بانک سامان یکی از بانک‌هایی است که با این مسئله به‌طور جدی مواجه بوده است. این بانک یکی از قربانیان بزرگ‌ترین رسوایی‌های مالی ایران در سال‌های اخیر است که در آن، مطابق تحقیقات صورت‌گرفته در سال ۲۰۱۱، حدود سه میلیارد دلار از اوراق مرتبط با اعتبارات اسنادی جعلی از کار درآمدند. این امر به معنای وقوع اختلاسی بزرگ در هفت بانک خصوصی ... بوده است. این اعتبارات اسنادی جعلی عموماً برای در اختیار گرفتن مالکیت دارایی‌های دولتی هم‌چون شرکت فولاد خوزستان به کار رفته‌اند و حدود چهار ماه زمان برد تا ابعاد این اختلاس به صورت کامل آشکار شود. در ادامه و با حکم قضایی دست‌کم ۲۰ نفر بازداشت شدند که چهار نفر، از جمله مه‌افرید امیرخسروی، به مرگ محکوم شدند. محمودرضا خاوری، مدیر پیشین بانک ملی نیز پس از افزایش نقش مجموعه تحت مدیریت خود در این رسوایی استعفا داد و از ایران گریخت. محل اختفای کنونی او نیز در حال حاضر مشخص نیست.

در این میان بانک سامان دچار مشکلات خاص خود بود. به گفته ولی ضرابیه، مدیرعامل وقت بانک سامان، این بانک «صرفاً تنزیل‌کننده اعتبارات اسنادی یکی دیگر از بانک‌ها بود و پرداخت‌ها توسط این بانک انجام شده‌اند.» بر همین اساس، باوجود آن‌که بانک سامان در تمامی دعاوی قضایی مرتبط با این اختلاس پیروز شد، اما در نهایت عدم بازگشت مبالغ مرتبط با اعتبارات پرداختی باعث کسری تراز این بانک گردید. به گفته ضرابیه، در آن زمان حدود ۶۰۰ میلیون دلار از سپرده‌های ارزی این بانک (با نرخ دلار معادل ۱۰ هزار ریال)

منابع ثروت در ایران بسیار متنوع است و امکانات اقتصادی این کشور به منابع انرژی هیدروکربنی منحصر نمی‌شود. ایران از جمعیت تحصیلکرده‌ای برخوردار است که همگی مشتاق کار سخت برای احیای تجارت با جهان هستند

در این دارایی‌ها بلوکه شد و هم‌چنان غیرقابل استفاده است. البته او از همکاری و خویشتن‌داری برخی در ارتباط با این پرونده تمجید می‌کند و تأکید دارد که «تحوه مدیریت این بحران واقعاً یک معجزه بود. ما ناچار بودیم تمام رویه‌های جزئی را با دقت تمام مدیریت کنیم و به صورت روزانه در کمیته‌های مشترک، فرایندها و میزان قابل اعتماد بودن اسناد را بررسی کنیم.

شمار می‌آید، در سال‌های اخیر با مسئله وام‌های مسئله‌دار مواجه بوده است. درواقع صنعت خودرو که با واردات سال‌های اخیر آسیب بسیاری دیده است، امروز تا ۴۰ درصد پایینتر از ظرفیت به کار مشغول است و این تغییر به‌طور طبیعی بانک‌هایی چون پارسیان را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. البته مسئولان بانک پارسیان در پاسخ به این ابهام معتقد هستند که «نمی‌توان این موارد را وام‌های سوخته یا سررسیدگذاشته نامید، چراکه بیشتر طرف‌های تجاری در این موارد سهام‌داران بانک هستند و اگر ما تسهیلاتی را در اختیار آن‌ها قرار دهیم، از بازگشت آن‌ها کاملاً اطمینان داریم.» درواقع از دید مدیران بانک، اساساً مشکل جدی وجود ندارد، چراکه تولید ایران خودرو به سبب پیشرفت آتی و چشم‌انداز صنعت خودرو افزایش خواهد یافت و از این رو تمام موارد غیرمولد موجود در ترازهای مالی، در آینده نزدیک احیا خواهند شد.

اما در کنار وام‌ها، مسئله دیگر پیش روی نظام بانکی ایران نوع و شیوه افزایش سرمایه بانک‌هاست. در ایران معمولاً افزایش سرمایه بانک‌ها نه با افزایش واقعی سرمایه یا جذب سپرده، بلکه از طریق تجدید ارزیابی دارایی صندوق‌های بانکی صورت می‌پذیرد که اغلب طیف وسیعی از انواع گوناگون دارایی‌ها را در بر می‌گیرند. برخی بانک‌های ایران تا ۳۰۰۰ شعبه در کشور دارند و مالکیت این شعب نیز عموماً در اختیار بانک است. به‌طور مثال، تهران یکی از شهرهایی است که تعداد بسیار زیادی از شعب بانکی در آن وجود دارد، به حدی که در برخی از خیابان‌ها می‌توان بدون تغییر مکان تا ۱۳ شعبه بانک را در یک بخش مشاهده کرد.

ضرابیه باور دارد که تنها راه‌حل این مسئله برای دولت یا بانک



مرکزی آن است که بانک‌هایی با ساختار نادرست را وادار به تغییر تمام دارایی‌های مسئله‌دار کند. البته از دید او «با آن‌که این راهکار عملی‌ترین روش برای مواجهه کارآمد با این مسئله است، اما باوجود برگزاری نشست‌ها و بحث‌های طولانی، مدیران دولتی هنوز به مکانیسمی دقیق و موثر در این باره دست نیافته‌اند.»

مدیران بانکی دیگر نیز در خصوص این مسئله دیدگاه‌های مشابهی دارند. پرویز عقیلی، مدیرعامل بانک خاورمیانه، پیشنهادی را برای ساختاردهی مجدد سیستم بانکی و ارتقای کیفیت توافق‌نامه‌های مالی و بازرسی مناسب آن‌ها ارائه کرده است. از دید او، «گزارش این بازرسان می‌تواند شرایط واقعی را نشان دهد» و در ادامه، کارآمدی و کفایت سرمایه بانک‌ها را با استفاده از استاندارد Basel III ارزیابی و نتایج آن را جمع‌بندی کند. در این طرح باید «بانک‌های زیر پنج درصد تعطیل شوند و به موارد بین پنج تا هشت درصد برای افزایش وجوه نقد مهلت داده شود. البته افزایش سرمایه به معنای اقدامات نادرست بانکی و ارزیابی مجدد دارایی‌ها برای افزایش

یکی دو بانک در این مسیر کمک زیادی به ما کردند و من همواره قدردان این یاری خواهم بود.» اما ضرابیه در کنار سپاس‌گزاری از برخی همکاران خود، از مدیریت وقت بانک مرکزی چندان رضایت ندارد: «هرگز کمکی از بانک مرکزی دریافت نکردیم و این واقعا تأسف‌آور است. وظیفه طبیعی این مجموعه آن است که در شرایط دشوار و به‌عنوان آخرین راه‌حل به بانک‌ها کمک کند، اما هرگز چنین کمکی به ما نشد. البته بانک‌های خصوصی به‌خوبی میدانستند که ما کاری خارج از رویه معمول انجام نداده‌ایم و اگر برای ما مشکلی ایجاد شود، بحران به صورت دومینوار تمام بازار را فرا خواهد گرفت.» به گفته ضرابیه، پس از اصلاح اعتبارات اسنادی، میزان وام‌های سررسیدگذاشته بانک به رقمی کمتر از ۱۱ درصد کاهش یافت که «در این بازار کاملاً طبیعی به حساب می‌آید. هرچند که در مقیاس کلان اقتصادی، این میزان نیز بسیار زیاد است.»

دیگر بانک‌های ایران نیز با چالش‌های مشابهی دست به گریبان هستند. بانک پارسیان که بخش بزرگی از سهام آن به شرکت ایران‌خودرو تعلق دارد و این امر در مقطعی از جمله مزایای آن به

سرمایه نیست، چراکه این روش کاملاً بی‌معنا و ساده‌انگاری است. آن‌چه من از آن سخن می‌گویم، وجوه نقد شفاف است که به صورت دقیق و خالص وارد سیستم می‌شوند.»

با این حال عقلی تأکید می‌کند که شرایط از آن‌چه به نظر می‌رسد، مساعدتر است، زیرا بسیاری از بانک‌های مورد اشاره، در بخش مستغلات سرمایه‌گذاری داشته‌اند و این سرمایه دست‌کم به سبب تورم سودآور خواهد بود. از دید او، «در شرایط طبیعی، زمانی که شما چنین وام‌های سوخته‌ای را در سیستم خود دارید، باید با دشواری مواجه باشید، اما با استفاده از مدلی برای تفکیک عملکرد بانک‌ها و شناسایی وام‌های مسئله‌دار از این امر جلوگیری می‌شود.» درحقیقت عقلی معتقد است که باید فراتر از چهارچوب فعلی را نگریست و تغییر رویکرد امری کاملاً ضروری است. از دید او در شرایط فعلی درک این مسئله ضرورت دارد که «عملکرد یک بانک باید درحقیقت مانند یک بانک باشد، نه آن‌که به‌طور مستقیم درگیر پروژه‌ها شود. بانک‌داری، عنصری واسطه‌است: سپرده‌ها را دریافت می‌کند و تسهیلات و وام‌ها را در اختیار دیگران قرار می‌دهد. تمام عملکرد یک بانک همین است.»

امادر کنار این مسائل، انتقادی همیشگی در بازارهای مالی ایران وجود داشته است که مطابق آن، پول کافی برای مشارکت در رشد اقتصادی وجود ندارد. درواقع با آن‌که تعداد زیادی بانک در ایران به فعالیت مشغول هستند، بخشی عمدتاً خصوصی از آن‌ها سرمایه نسبتاً کمی دارند و در نتیجه نمی‌توانند کسب‌وکار ایرانیان را به لحاظ سرمایه مورد نیاز تأمین کنند. البته دولت نیز ضرورت ساختاردهی دوباره به بانکهای دولتی را دریافت



است و می‌کوشد آن‌ها را بر بنیادی استوار بازسازی کند تا قادر باشند سرمایه مورد نیاز بخشهای مسئله‌دار تولیدی را تأمین کنند. اما برای تحقق این هدف، دولت باید بر مسئله وام‌ها غلبه کند. به گفته منصور تفضلی، معاون بین‌الملل بانک پارسیان، «اعتبار کافی برای اتمام پروژههای نیمه‌کاره وجود ندارد و شرکت‌ها برای تأمین پول مورد نیاز خود با مشکل مواجه هستند.»

البته شرکت‌ها به‌طور طبیعی نمی‌توانند در بازار اوراق قرضه محلی سرمایه خود را تأمین کنند، چراکه چنین بازاری، دست‌کم بنابر تعریف جهانی، وجود خارجی ندارد. این بازارها در ایران بیشتر شبیه اوراق خرده‌فروشی هستند که توسط بانک ضمانت میشوند، اما اسناد آن‌ها قابل معامله نیست و در نهایت به خود بانک فروخته می‌شود؛ امری که به صورت جداگانه مشکلات بانک‌های دچار کسری تراز مالی را بیشتر می‌کند. این اوراق در ایران به اوراق مشارکت مشهورند و بانک مرکزی تصدیق می‌کند که اثربخشی آن‌ها در صورت وجود بازار ثانویه‌ای برای معامله بیشتر خواهد شد.

البته بانک مرکزی برای پیاده‌سازی چنین مکانیسمی تا حدودی آماده است و سیستم معاملاتی ویژه‌ای نیز برای آن طراحی کرده است. اما تاکنون فرصت استفاده از این سیستم معاملاتی فراهم نیامده، زیرا برطرف شدن مشکلات به تغییرات جدی‌تری نیازمند است. از دید یکی از سیاست‌گذاران مالی ایران، «پیش از هر چیز باید روحیات و نگرش مردم نسبت به اوراق مشارکت تغییر کند. آن‌ها اوراق قرضه را بیشتر به صورت دفترچه‌های بانکی تلقی می‌کنند و با همین چشم‌انداز اقدام به خرید می‌کنند.» با نظر به این دشواری‌ها، پرویز عقلی روشی را برای پیشرفت بازارهای سرمایه در چهارچوب مباحثه پیشنهاد کرده است که برای حمایت از خریداران، مجموعه‌ای از کمک‌ها را بر اساس اعتبار مالیاتی آتی ارائه می‌کند.

علاوه بر اوراق قرضه، بازار کم‌عمق صکوک نیز در ایران وجود دارد. در زمان نگارش این متن، موسسه مالی سینا، به‌عنوان بخشی از بنیاد مستضعفان، خود را برای پذیرهنویسی مرتبط با یک شرکت فولادی آماده می‌ساخت که برای خرید آن به افزایش سرمایه ۸۰ میلیون دلاری نیاز داشت. با این حال انتشار این اوراق در ایران امری بسیار نادر است.

در کنار این موارد، ایران از یک بازار بزرگ و پرتوسان سهام نیز برخوردار است. اما این بازار از فقدان بازارگردانی مناسب رنج می‌برد و از آن‌جا که تنها یک سطح از اوراق بهادار در آن معامله می‌شود، شرکت‌ها برای افزایش سرمایه و انتشار اوراق جدید با تردید مواجه هستند. درواقع چنان‌که ضرابیه اشاره می‌کند، «صاحبان سهام اغلب برای افزایش سرمایه دچار تردیدند، چراکه با افزایش تعداد اوراق، کنترل خود را بر بازار از دست خواهند داد.»

با این اوصاف و باوجود تمامی چالش‌ها، بانک‌ها خود را برای روزهای روشن‌تری آماده می‌کنند که تحریم‌ها بر داشته شود. به‌طور مثال، بانک ملت که نام خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین بانک خصوصی از زمان عرضه عمومی در پنج سال پیش مطرح کرده... ظرف چند سال گذشته فرایندهای تجاری خود را به صورتی سامان داده است که برای ورود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی آماده باشد. بانک پاسارگاد نیز در برنامه‌های اقدام خود، دو طرح متفاوت را در نظر گرفته است که یکی از آن‌ها برای بدترین حالت و دیگری برای پایان تحریم‌ها طراحی شده‌اند. به علاوه این بانک قصد دارد برای تقویت بنیادی، در طول سه سال آینده سرمایه خود را از ۱،۵ میلیارد دلار به ۲ میلیارد دلار افزایش دهد.

در این میان کسب‌وکار بین‌المللی نیز به‌طور کامل کنار گذاشته نشده است. تجارت امروز ایران به‌طور عمده در تعامل با پنج یا شش کشور به‌ویژه چین، هند، کره، ترکیه و تا حدودی ژاپن جریان دارد که اجازه دارند از ایران نفت وارد کنند و ایران نیز به‌ناچار تمامی واردات خود را از همین چند کشور انجام می‌دهد. این در حالی است که پرداخت مبالغ مرتبط با همین کشورها نیز

با آنکه ارزش پول ملی ایران در سالهای اخیر کاهش بسیاری یافته است، اما می‌توان وجه مثبتی را نیز در این خصوص مدنظر قرار داد. در حقیقت، این مساله از زاویه ای دیگر به معنای افزایش رقابت پذیری صادرات و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای دستیابی به سود بیشتر است

با دشواری بسیاری مواجه است. از سوی دیگر برخی فرایندهای تجاری نیز هم‌چنان برقرار هستند. بانک پارسیان ۲۵ درصد از سود سالانه خود را از فعالیت‌های بانکی بین‌المللی کسب می‌کند و با بانکهای چون UCO Bank هند، Kolon Bank چین، Woori کره، MegaBank تایوان و Halk ترکیه در ارتباط است. به گفته تفضلی، «پس از لغو تحریم‌ها امیدواریم امکان کمک به مشتریان برای عقد سریع قراردادهای انجام تعهدات فراهم شود.»

حال پرسش مهم این است که پس از بازگشایی درها به روی ایران، درخصوص جریان سرمایه چه انتظاری می‌توان داشت؟ از دید رنسانس کاپیتال، منافع بسیاری در بازار سهام ایران نهفته است و اصلاح شرایط میان ایران و غرب آرایش و تناسب بازی را به صورت مبنایی تغییر خواهد داد. از دید رابرتسون «صلاحات قادر است دیدگاه ارائه‌شده توسط استراتژیست‌های بازارهای در حال ظهور (EM) را موجه سازد، البته این مشروط به آن است که تجارت با ایران امکان‌پذیر شود.»

بازار سهام تهران به صورت شگفت‌آوری بزرگ و متنوع است. ارزش این بازار حتی با در نظر گرفتن کاهش ارزش پول ایران در حدود ۱۳۰ میلیارد دلار است و ۳۲۰ شرکت حاضر در آن، طیف وسیعی از بخش‌های اقتصادی را پوشش می‌دهند. به‌طور متوسط روزانه ۵۰ هزار معامله در بورس تهران انجام می‌شود که به جابه‌جایی مالکیت ۵۰۰ میلیون سهم به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار می‌انجامد. در کنار این بازار، به‌تازگی بازار معاملات آتی نیز در بورس تهران راه‌اندازی شده است و به گفته حسن قالیباف اصل، مدیرعامل شرکت بورس تهران، بازار معاملات آپشن نیز در حال طراحی است. در حدود ۱۵ درصد از معاملات بورس تهران از طریق آن لاین انجام می‌شود و به گفته قالیباف، یک صندوق قابل معامله در کنار حدود ۳۰ صندوق سرمایه‌گذاری مشترک نیز به فعالیت مشغول هستند. به‌علاوه «بیرومائی» از وجود سیستم آموزش سرمایه‌گذاران حقیقی (که تعداد آن‌ها حدود هفت میلیون نفر است) اطلاع یافته است. در این سیستم کوشش می‌شود درک بهتری از چگونگی عملکرد بازارهای مالی در اختیار معامله‌گران قرار گیرد.

درواقع خرده‌فروشی بزرگ‌ترین بخش از گردش و تبادل ارزی را در اختیار دارد. سرمایه‌گذاری‌های سازمانی نیز اغلب از بانک‌ها، صندوق‌های مشترک، موسسات بیمه و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری سرچشمه می‌گیرد و پس از آن نوبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌رسد. از دید ضرابیه «بدون شک» سرمایه‌های بسیاری به اشکال گوناگون در انتظار ورود به ایران هستند. به گفته او، «کشور می‌تواند هر گونه سرمایه‌ای را در بخش‌های گوناگون، از معادن گرفته تا نفت و از سرمایه تجاری تا تأمین مالی پروژه‌ها در خود جذب کند. البته از دید من، بهترین راه برای سرمایه‌گذاران استراتژیک خرید صنایع بانکی و بیمه‌ای است، زیرا این‌ها راهی برای ورود به دیگر صنایع خواهند بود.»

با آن‌که ارزش پول ملی ایران در سال‌های اخیر کاهش بسیاری یافته است، اما می‌توان وجه مثبتی را نیز در این خصوص مدنظر قرار داد. درحقیقت، این مسئله از زاویه‌ای دیگر به معنای افزایش رقابت‌پذیری صادرات و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای دستیابی به سود بیشتر است. به باور محمد امیر داوود، «به دلیل تغییر در نرخ مبادله ارز، قیمت‌ها در ایران بسیار واقعیت‌هستند و این امر برای سرمایه‌گذارانی که قصد دارند با ارزهای خارجی در این کشور سرمایه‌گذاری کنند، شرایط مساعدی را فراهم آورده است. از این رو شرایط تبدیل این ارزها به ریال بسیار مناسب است و آن‌ها می‌توانند با اعتماد بیشتر وارد بازار ایران شوند.»

با این حال سرمایه‌گذارانی که پس از لغو احتمالی تحریم‌ها، برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به ایران خواهند آمد، نگرانی‌های خاص و چالش‌های ویژه‌ای را تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد که معقول‌ترین راه ورود این سرمایه‌ها به ایران (مانند ورود آن‌ها به چین در سال‌های گذشته) در قالب انواع مشارکت یا شرکت خاص امکان‌پذیر خواهد بود. اما این روش‌ها پرسش‌های خاص خود را پیش روی سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و آن‌ها باید پیش از هر چیز ماهیت و هویت شرکای خود را به‌دقت مشخص کنند؛ امری که در شرایط ابهام‌آمیز اقتصاد ایران چندان آسان نخواهد بود.

مزایا و موانع سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران

مهندس ملیکا حسن‌پور

استراتژیک در اولویت توسعه صنعت پتروشیمی در برنامه ششم دولت قرار گیرد.

این صنعت رو به رشد با قدمت ۵۰ ساله در ایران به دلیل دسترسی به خوراک گاز ارزان و فراوان، موقعیت جغرافیایی مناسب به لحاظ دسترسی به آب‌های بین‌المللی و داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان جهت سهولت در انجام صادرات و واردات و کاهش هزینه‌های حمل تجهیزات، تامین آب مورد نیاز تاسیسات پتروشیمی، وجود نیروهای متخصص در طراحی و مهندسی و ساختمان و نصب، ساخت تجهیزات ثابت، استفاده از نیروی کار ارزان، وجود تقاضای بین‌المللی و داخلی برای محصولات این صنعت دارای جذابیت‌های سرمایه‌گذاری است.

در حال حاضر مهم‌ترین تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی کشورهای اروپایی، آمریکا، ژاپن و عربستان سعودی هستند که به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های زیست‌محیطی اعمال‌شده در کشورهای اروپایی و تغییر فناوری در تولید محصولات پتروشیمی از گاز به جای نفت خام که منجر به تولید محصولات با بهای تمام‌شده کمتر می‌شود، کشورهایی نظیر آمریکای شمالی، عربستان، ایران، ونزوئلا و دیگر کشورهای خاورمیانه، جایگزین آتی تولیدکنندگان فعلی شوند. صنعت پتروشیمی جهان به دلیل ظهور منابع متفاوت انرژی‌های فسیلی همانند شیل‌های نفتی و گازی که با نام ذخایر غیرمتعارف شناخته شده‌اند، در حال تغییر است. منشأ این منابع سنگ رسوبی دانه‌ریز و غنی از مواد آلی (حاوی کروژن) بوده و در کشورهای زیادی شناسایی شده است. از مشکلات کنونی این منابع غیرمتعارف که به‌عنوان جایگزین نفت خام و گاز معمولی معرفی شده است، می‌توان به استخراج پرهزینه (حدود ۶۰-۸۰ دلار به ازای هر بشکه نفت)، اثرات منفی زیست‌محیطی و عدم دسترسی به تکنولوژی مناسب استخراج اشاره کرد. قابل ذکر است آمریکا با در اختیار داشتن حدود ۶۲ درصد از شیل نفت و گاز در رتبه اول، روسیه، برزیل، چین و کانادا نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با افزایش تولید گاز از ذخایر غیرمتعارف و افزایش تولید محصولات پتروشیمی آمریکا تا چند سال آینده، پیش‌بینی می‌شود صنعت پتروشیمی با ورود محصولات پتروشیمی ارزان‌قیمت آمریکایی مواجه شود. به عبارت دیگر دستیابی ایالات متحده به فناوری استخراج و پالایش ذخایر غیرمتعارف نفت و گاز به‌ویژه «شیل‌گس» باعث تضعیف کشورهای صاحب صنعت نفت، گاز و پتروشیمی جهان می‌شود. با این وجود ایران به دلیل دسترسی به مواد اولیه فراوان و ارزان‌قیمت و نزدیکی به بازار مصرف‌کننده نظیر کشورهای اتحادیه اروپا، کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی، آسیایی، ترکیه، روسیه و اکراین دارای شرایط ویژه‌ای در میان کشورهای جهان است و با در اختیار داشتن تمام ابزارها، ظرفیت‌ها و منابع مورد نیاز برای رونق یک صنعت سودآور و فعال می‌تواند با سیاست‌هایی نظیر تغییر در الگوهای تولید محصولات نظیر پروپیلن از گاز و متنوع‌سازی سبد تولیدات و اتخاذ راهکارهای اجرایی مناسب علاوه بر حفظ سهم خود در بازارهای بین‌المللی محصولات پتروشیمی آن را گسترش دهد.

کلراید PVC، پلی اتیلن ترفتالات PET و اکریلونیتریل- بوتادین -استایرن ABS نیز به کار می‌رود. به دلیل پایین بودن بهای تمام‌شده اتیلن از خوراک اتان نسبت به خوراک نفتا و افزایش قیمت نفت خام، سهم تولید اتیلن از اتان نسبت به نفتا در جهان رشد بیشتری دارد. ایران با مزیت خوراک اتان با مخزن عظیم گازی پارس جنوبی دارای ظرفیت بالای تولید اتیلن است و به دلیل عدم سهولت تجارت گاز اتیلن می‌تواند در تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا، نقش عمده‌ای ایفا کند. در سال‌های اخیر غالباً تولید پروپیلن در نواحی آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیای میانه انجام گرفته است و تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی در منطقه خاورمیانه به دلیل استفاده از خوراک گاز اتان در واحد کراکر سهم اندکی در تولید پروپیلن داشته‌اند. روش‌های معمول تولید پروپیلن در ایران کراکینگ بخار در واحدهای الفین مجتمع‌های پتروشیمی و بازیافت جریان‌ات پالایشگاهی در واحد FCC پالایشگاه‌هاست. استفاده از فناوری‌های جدید هم‌چون هیدروژن‌زدایی از پروپان (PDH)، استفاده از اتیلن به‌عنوان خوراک (Olefin Metathesis) و تبدیل متانول به پروپیلن (MTP) چشم‌بزرگی در افزایش ظرفیت تولید پروپیلن در دنیا ایجاد کرده است. پلی پروپیلن با بیشترین میزان رشد مصرف در میان مشتقات پروپیلن، اکریلونیتریل ACN، لاستیک‌های اتیلن-پروپیلن جزو محصولات مهم تولیدی از پروپیلن هستند. متأسفانه یکی از دلایل عدم رشد مناسب صنایع تکمیلی پتروشیمی در ایران کمبود پروپیلن به‌عنوان خوراک اصلی در این صنایع است و این امر موجب شده است تا تولید این ماده

صنعت پتروشیمی بخشی از صنایع شیمیایی است که فرآورده‌های شیمیایی را از مواد خام حاصل از نفت یا گاز طبیعی تولید می‌کند. با گسترش صنعت پتروشیمی، ضمن خودکفایی در تولید بسیاری از مواد اولیه مورد نیاز دیگر صنایع کشور، ارزش افزوده ماده خام (نفت و گاز) نیز به اقتصاد کشور بازگشته و موجب رونق اقتصاد و فضای کسب‌وکار می‌شود. تولید محصولات متنوع پتروشیمی زنجیره ارزش این صنعت را تکمیل کرده و در رفع نیاز دیگر صنایع داخلی نظیر کشاورزی، نساجی، الکترونیک و مخابرات، خودرو، پلاستیک، مواد شوینده، شیشه، لاستیک، رنگ و چسب، کفش، بسته‌بندی، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی، لوازم ورزشی و... نقش بسزایی ایفا می‌کند. فرآورده‌هایی نظیر آمونیاک و اوره، متانول، اتیلن و پروپیلن جزو محصولات اولیه و مهم در صنعت پتروشیمی است که در تکمیل زنجیره تولید به محصولات پلیمری و پلاستیکی با ارزش افزوده بیشتر تبدیل می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان تولیدات مجتمع‌های پتروشیمی را در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

محصولات شیمیایی پایه شامل انواع سوخت، اسیدها، بازها و نمک‌های مربوط، حلال‌ها، کودها و سموم مانند بنزن، گاز مایع، متانول، دی‌متیل اتر، اسید استیک، اسید سولفوریک، اتیلن گلیکول، فرمالدئید، آمونیاک، اوره، فسفات، نیتрат و سولفات آمونیوم و...

پلیمرها شامل پلیمرهای پایه، پلیمرهای ویژه، پلیمرهای مهندسی و پلیمرهای نیمه‌مهندسی که از بیشترین ارزش افزوده نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار هستند. پلیمرهای پایه مانند پلی‌الفین‌ها (پلی اتیلن، پلی پروپیلن، پی وی سی و پلی استایرن)، پلیمرهای ویژه هم‌چون تفلون، پلیمرهای مهندسی نظیر پلی کربنات و نایلون و پلیمرهای نیمه‌مهندسی با خصوصیات بین پلیمرهای مهندسی و پایه مانند اکریلونیتریل- بوتادین- استایرن (ABS) محصولات آروماتیک نظیر بنزن، تولوئن، اورتوایلن، پارازیلن و... هستند. با وجود تنوع زیاد محصولات این گروه و اهمیت زیاد آن‌ها در فرایند تولید برخی محصولات نظیر استایرن (ماده اولیه تولید پلی استر) و اتیلن ترفتالات (ماده اولیه تولید بطری)، میزان مصرف محصولات این گروه در مقایسه با محصولات سایر گروه‌ها ناچیز به نظر می‌رسد.

چنان‌چه ذکر شد، اتیلن و پروپیلن جزو محصولات اولیه و مهم صنایع پلیمری هستند که در تکمیل زنجیره تولید به محصولات پلیمری و پلاستیکی با ارزش افزوده بیشتر تبدیل می‌شوند. اتیلن به‌عنوان یک محصول پایه، خوراک عمده برای تولید بسیاری از محصولات نهایی است. بیشترین مصرف اتیلن در تولید پلی اتیلن‌ها PE، ماده‌ای با کاربرد گسترده در صنایع مختلف است. اتیلن به همراه بنزن در تولید پلی استایرن و با ترکیب با مواد شیمیایی دیگر در تولید پلیمرهای پرکاربرد از جمله پلی وینیل



سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز و علل آشفتگی‌های مالی

به زبان ساده آشفتگی و بحران مالی و متعاقب آن بدهی معوق، زمانی اتفاق می‌افتد که میزان دارایی‌ها از بدهی‌ها کوچک‌تر شود. به‌طور منطقی عدم تطابق بین دارایی و بدهی می‌تواند آشفتگی مالی را تشدید کند. نوشتار حاضر بسیاری از دلایل معمول بروز بحران مالی و ایجاد بدهی معوق و تأثیری را که روی تحلیل سرمایه‌گذاری دارند، مورد کنکاش قرار می‌دهد.

در ابتدا برخی از علایم و نشانه‌های آشفتگی مالی به‌عنوان ابزاری برای کمک به شناسایی وضعیت بحرانی مالی تشریح می‌شوند. هدف کلی این است که مشخص شود کدام وضعیت‌ها محتمل ایجاد بحران و بدهی معوق هستند و بعد از آن تشخیص دلایل آشفتگی (بحران) و این‌که چه تأثیری بر تصمیمات سرمایه‌گذاری دارند؟ این مفاهیم به‌طور سازمان‌یافته با مباحث ساختاری مجزا تشریح خواهند شد.

محمد ربیع‌زاده
مهندس محمد محمدی

موسسات رتبه‌بندی غالباً تغییرات در وضعیت مالی و اقتصادی یک شرکت را به آهستگی تنظیم و به‌روز می‌کنند.

مدلهای پیش‌بینی

اگرچه تعداد زیادی مدل پیش‌بینی آماری وجود دارد، شناخته‌شده‌ترین مدل توسط پروفیسور ادوارد آلتمن پژوهش‌گر دانشگاهی پیشرو در زمینه ورشکستگی و آشفتگی مالی ارائه شده است. او مدل پیش‌بینی چند متغیره ذیل را در سال ۱۹۶۸ به نام مدل Z-score ارائه کرد. هدف از این مدل استفاده نسبت‌های حسابداری مختلف و داده‌های قیمت بازار برای پیش‌بینی آشفتگی مالی پیش رو و درنهایت ورشکستگی بود. او مدل اصلی خود را، که بر اساس داده‌های سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۴۶ بود، در سال ۱۹۹۳ به‌روز کرد و مجموعه اطلاعات کامل‌تر و مفاهیم قانون ورشکستگی سال ۱۹۷۸ را به آن اضافه کرد. مدل مذکور متشکل از ۵ متغیر X_1 تا X_5 به همراه ضرایب مربوط به شرح ذیل است.

$$Z = 0.012 X_1 + 0.014 X_2 + 0.033 X_3 + 0.006 X_4 + 0.999 X_5$$

X_1 سرمایه در گردش تقسیم بر کل دارایی، X_2 سود انباشته تقسیم بر کل دارایی، X_3 درآمد قبل از کسر مالیات و بهره تقسیم بر کل دارایی، X_4 ارزش بازار سهام سازمان تقسیم بر ارزش دفتری کل بدهیها و X_5 کل فروش تقسیم بر کل دارایی‌هاست. مقادیر Z کوچک‌تر از ۱.۸۱ به‌عنوان معیار پیش‌بینی ورشکستگی (طی بررسیهای دو سال اخیر) در نظر گرفته شده است. زمانی که این رقم بزرگ‌تر از ۳ باشد، نشان‌دهنده ثبات اعتباری معقول است.

مدل حاضر به‌طور گسترده توسط متخصصان دانشگاهی آزمایش شده و هم‌چنین مقبول متخصصان در امور سرمایه‌گذاری است. متغیرهای مورد استفاده در این روش

مذکور معمولاً با ریسک افزایش آشفتگی مالی همراه است. علاوه بر این تا زمانی که اوراق بهادار یک سازمان در دسته‌بندی مذکور معامله می‌شوند و قیمت بازار اوراق یکسان نیست، نشان‌دهنده تأثیرگذاری سایر ویژگی‌های سازمان (علاوه بر رتبه) بر قیمت است. معمولاً شرکت‌های رتبه‌بندی نسبت به خود بازار، ارزیابی‌های بهتری هستند، زیرا به اطلاعات بهتر و مهمتری دسترسی دارند که سازمان‌ها از افشای آن در بازار خودداری می‌کنند. در طی فرایند رتبه‌بندی این اطلاعات برجسته از مدیریت ارشد سازمان درخواست می‌شود که خودداری از ارائه آن دارای تبعات منفی در رتبه اعتباری سازمان است و عمده سازمان‌ها تمایل زیادی به ارائه آن به شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری دارند.

درمجموع خواسته سرمایه‌گذاران رتبه‌بندی اعتباری بالاتر و نرخ بهره پایینتر است. هزینه رتبه‌بندی شرکت‌های بزرگ در حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار دلار برای سرمایه حدود ۱۰۰ میلیون دلار به علاوه هزینه سالانه نگهداری از رتبه‌بندی است. این هزینه بدون در نظر گرفتن رتبه است، بنابراین هیچ تعصب خاصی ذاتی در رتبه‌بندی وجود ندارد.

دوم، رتبه‌بندی یک سازمان بهترین تخمین از زمان حال و به‌طور پیش‌فرض است و در مورد ارزش نسبی در سطوح مختلف تجارت و زمان‌های مختلف چیزی نمی‌گوید. بنابراین، یک شرکت که به احتمال زیاد نمی‌تواند به تعهدات مالی خود عمل کند، می‌تواند بدهی خود را کاهش دهد و به سطوح بسیار پایین برساند، گرچه حتی ممکن است بخشی از آن به‌خوبی و با احتمال بسیار بالا بازپرداخت (به همراه سود مورد نظر) شود. درنتیجه، رتبه‌بندی نقش نسبتاً محدودی در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و شناسایی روند ورود به آشفتگی مالی را ایفا می‌کند. درنهایت،

علایم و نشانه‌های بروز بحران مالی

به‌طور عام حداقل سه مشخصه بارز برای نظارت مستمر بر بنگاه (یا هر سازمانی) که محتمل ورود به آشفتگی مالی است، تعریف می‌شود: نرخ بدهی، مدل‌های پیش‌بینی آماری و قیمت‌های بازار سهام. هریک از این شاخص‌ها به‌طور خلاصه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت، ولی باید توجه کرد که به دلایل ذیل، بررسی هریک از این شاخص‌ها به‌تنهایی کارکرد محدودی دارند: اول این‌که امور مربوط به سرمایه‌گذاری تنها مربوط به خود شرکت نیست، بلکه با مقادیر واقعی دارای پتانسیل اوراق بهادار شرکت در بازار مرتبط است. دوم این‌که این شاخص‌ها به‌طور خاص و ویژه برای کمک به سرمایه‌گذاران به منظور تشخیص وضعیت مستعد بحران جهت‌گیری نشده‌اند. شاخص‌های قیمت و نرخ بدهی تا حدودی می‌توانند تعیین کنند که اتفاقی ناخوشایند در حال رخ دادن است یا خیر؟ پیش‌بینی واقعی از این‌که وضعیت یک سازمان رو به وخیم شدن است، معمولاً با توجه و تمرکز ویژه روی سازمان مورد نظر به دست خواهد آمد.

نرخ بدهی

مهمترین و قابل دسترس‌ترین شاخص تشخیص آشفتگی مالی و رو به وخامت گذاشتن اوضاع یک سازمان، رتبه‌بندی اعتباری است که معمولاً توسط سازمان‌های بین‌المللی رتبه‌بندی انجام می‌گیرد. عمده سرمایه‌گذاران در حیطه سرمایه‌گذاری تقریباً به اطلاعات منتشرشده توسط این شرکت‌ها اعتماد می‌کنند. معمولاً رسم بر این است که مقیاس ارزشگذاری اوراق سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های رتبه‌بندی بین‌المللی و فارغ از سایر شاخص‌های کیفی اعتباری (نظیر نسبت اهرمی، نسبت پوششی و...) انجام گیرد، نظیر AA، A+ و یا AAA. جابه‌جا شدن رتبه

خدمت با کالای غیررقابتی

از مبدأ زمانی پیدایش کسب‌وکار، تجارت هیچگاه ساکن نبوده است. با پیشرفت نسبتاً سریع تکنولوژی، کسب‌وکارهای کاملاً معقول که رضایت مصرف‌کننده را به شیوه‌ای مقرون به صرفه و با سرعت برآورده کنند، می‌توانند از گزند پیشرفت‌های روزافزون در امان بمانند. برای مثال سرعت حمل‌ونقل از قطار به هواپیما، نمابر به ایمیل، ماشین حساب به رایانه (کامپیوتر)، کاغذهای کاربری به دستگاه کپی، ماشین‌آلات صنعتی آمریکایی به انواع چینی، بازارهای خرده‌فروشی به فروشگاه‌های آن‌لاین و... تحول یافته است. بنابراین، هر زمان که یک کسب‌وکار شروع به کاهش می‌کند، باید بررسی کرد که آیا هنوز هم دارای محصول یا خدمت زنده هست یا نه؟ از آن‌جا که همه کسب‌وکارها در تلاش برای تکامل همراه با محیط در حال تغییر هستند، اما این رهیافت همیشه کار آسانی نیست. چالش سرمایه‌گذاران ارزیابی دقیق و پیوسته این زنده بودن است. اگر مدل پیشنهادی کسب‌وکار یا محصول سازمان دارای ایراد باشد، آن‌گاه تغییرات ساختاری نیز نمی‌تواند خیلی راه‌گشا باشد و مشکل به صورت ریشه‌ای باقی می‌ماند. پس سرمایه‌گذار باید اهتمام خود برای ارزیابی سرمایه‌گذاری را به صورت دقیق انجام دهد.

طرح توجیهی کسب‌وکار غیرواقعی

پیشبینی بحران مالی یک کسب‌وکار از روی طرح توجیهی صرفاً یک قضاوت و پیشداوری است. ممکن است طرح مذکور شایستگی لازم را داشته و مجری قادر به متقاعد کردن سرمایه‌گذاران برای تزریق بیشتر سرمایه نبوده است. پس واژه «غیرواقعی» دارای مفهوم مبهمی است. تعریف جامع‌تر از یک کسب‌وکار غیرواقعی می‌تواند به این صورت ارائه شود: طرحی غیرواقعی بوده است که در آن سازمان با شکست مواجه شده است، درحالی‌که محصول یا خدمت مشابه آن سازمان به نسبت قابل قبولی مصرف یا استفاده می‌شود و شکست تا حد زیادی به پیشفرض‌های اشتباه در نظر گرفته شده در طرح یا محاسبه حاشیه سود غلط مربوط بوده است. حداقل سه دسته کلی طرح‌های توجیهی که به نظر غیرواقعی می‌رسند، عبارت‌اند از: طرح‌هایی که حاشیه سود آن‌ها وابستگی شدید به ابزارهای اهرمی اقتصادی دارند.

طرح‌هایی که بر اساس استراتژی گردآوری صنایع کوچک و ادغام آن‌ها به یک هلدینگ بزرگ طراحی شده‌اند. برای مثال در طرح‌های خدماتی یا بازاریابی. طرح‌هایی که محصولات و بازار آن‌ها با سرعت سرسام‌آوری در حال تغییر و پیشرفت هستند، نظیر صنایع الکترونیکی.

نکته کلیدی تمرکز و بررسی طرح کسب‌وکار غیرواقعی، ارزش‌گذاری آن است. باید بررسی کرد که محصولات یا خدمات شرکت در بازار هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر؟ آیا ارزش اقتصادی بالقوه با ارائه چنین محصول یا خدماتی ایجاد می‌شود یا خیر؟ با توجه به این موضوع که هر پروژه دارای شرایط متفاوتی است، نمیتوان یک دسته مقررات عمومی را تعریف کرد. در بسیاری از موارد، اساساً کسب‌وکار قابل دوام است و می‌توان توسط بازسازی ساختاری همراه با تغییرات مدیریتی استراتژیک ثابت شود. در موارد دیگر، ظرفیت بسیار برای یک محصول

ارتباط روشن و مشخصی با معیارهای اعتباری دارد. برای مثال متغیر سرمایه در گردش تقسیم بر دارایی کل، معیار متغیر نقدینگی نسبی سازمان است، یا سود انباشته تقسیم بر کل دارایی‌ها معیار اندازه‌گیری درآمد جمعی یک شرکت و سیاست تقسیم سود سهام نشان‌دهنده سودآوری سازمان است. جالب‌تر این‌که عامل غالب، با بالاترین ضریب ۰.۹۹۹ نسبت خرید و فروش به کل دارایی است. پارامتر Z به‌عنوان یک معیار اندازه‌گیری و تأثیرگذار برای محاسبه ارزیابی اعتبار کلی لحاظ می‌شود. با این حال، باید توجه داشت که هدف از مدلهای پیش‌بینی اندازه‌گیری میزان اعتبار است برای پیش‌بینی ورشکستگی، نه بازگشت سرمایه‌گذاری و بدهی‌ها. بر این اساس، همان‌طور که واضح است، چنان‌چه یک شرکت غرق در بحران مالی باشد، مدل کاربردی برای میزان بازگشت‌پذیری بازده سرمایه‌گذاری و حتی اصل آن، نخواهد داشت.

قیمت‌های بازار

آخرین شاخص برای تشخیص بحران مالی، قیمت بازار است. مطالعات متعدد به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه قیمت تاریخی سهام یک سازمان منعکس‌کننده چشم‌انداز درآمد آن در آینده است. ولی مطالعات زیادی برای نشان دادن تأثیر میزان بدهی بر آستانه ورود یک سازمان به آشفته‌گی مالی و ایجاد مطالبات معوق وجود ندارد.

دلایل ایجاد آشفته‌گی مالی و بدهی‌های بحرانی

برای تشخیص این‌که یک سازمان در آستانه ورود به آشفته‌گی مالی است یا نه، لازم است که دلایل ایجاد آشفته‌گی مالی تشخیص داده شود. در ادامه، دلایل اصلی بحران و آشفته‌گی مالی و پیامدهای آن (به وجود آمدن مطالبات معوق) برای سرمایه‌گذاری مشخص خواهد شد. البته باید تأکید کرد که هر سرمایه‌گذاری شامل ویژگی‌هایی مختص به خود است و خطوط راهنمایی که در ادامه می‌آید، مقررات مطلق نیست و بیشتر به‌عنوان ملاحظات در نظر گرفته می‌شوند.

عملکرد بنیادین کمتر از حد انتظار

رایج‌ترین دلیل این‌که سازمانها دچار بحران مالی میشوند، نتایج عملکرد و عموماً گردش مالی متفاوت و پایین‌تر از حد انتظار است. که برخی از دلایل عمده آن در ذیل می‌آید:

رکود اقتصادی

تاریخ اقتصادی بیان‌گر چرخه‌های اقتصادی است که در طول هر چرخه رکود اجتناب‌ناپذیر است. شاید قابل بحث باشد که آیا واقعا رکود عمیق اقتصادی لازمه یک دوره اقتصادی است یا خیر؟ تعداد کمی از کسب‌وکارها در مقابل تغییرات اقتصاد به‌طور کامل ایمنی داشته و برخی ممکن است - بر خلاف قوانین - از کاهش رشد اقتصادی در یک دوره بهره‌مند شوند. نکته قابل توجه آن است که در زمان رکود اقتصادی علت اصلی ورود یک سازمان به آشفته‌گی مالی بررسی شود. زیرا زمانی که اوضاع اقتصادی مناسب نیست، همه اقتصاد را سرزنش میکنند. آیا واقعا مسئله اصلی اقتصاد است یا مدیریت؟ از آن‌جایی‌که ورود چرخه اقتصادی به رکود شناخته‌شده و اجتناب‌ناپذیر است، پس شایسته است که تیم مدیریت با اتخاذ تصمیماتی نظیر تعدیل‌های اقتصادی، اجازه آسیب‌پذیری در طی دوره رکود را ندهد.



یا خدمت وجود دارد که ممکن است به‌طور مستقل از لحاظ اقتصادی کارآمد نباشد که در این شرایط، بهترین حالت ممکن ترکیب با نهادی دیگر، به منظور رسیدن به ظرفیت عملیاتی اقتصادی خواهد بود.

مدیریت و راهبری ضعیف

همان‌طور که گفته شد، اگر دیدگاه مدیریت ارشد یک کسب‌وکار عدم دخالت در مسائل مربوط به محصول یا خدمت غیررقابتی و همچنین عدم مداخله در شرایط رکود اقتصادی و عدم به‌کارگیری اهرم‌های اقتصادی متناسب باشد، سازمان در آستانه ورود به آشفته‌گی و بحران مالی قرار خواهد گرفت. با این حال بسیاری از سازمان‌ها باوجود بهره‌گیری از مدیران هوشمند و کارآمد در چنین بحرانی فرومی‌روند، پس مهم است توجه داشته باشیم که «مدیریت ضعیف» یک اصطلاح نسبتاً مبهم است. حداقل دو مفهوم متفاوت



آن‌ها در جهت اهداف سازمان نیست. برخی از علایم شناخت این دسته از مدیران عبارت است از هزینه و خرج بالاتر نسبت به اندازه و درآمد سازمان، بهره‌گیری از خدمات و تسهیلات فراسازمانی نظیر اجاره خدمات مورد نیاز و...

سرمایه‌گذار می‌بایست در مواجهه با چنین سازمان‌هایی و در بررسی طرح‌های مربوط به توسعه آن‌ها، توجه دقیقی به سوابق مدیریتی و استنباط و تحلیل نقطه نظرات رقبای، تامین‌کنندگان و... داشته باشد. این‌که یک سرمایه‌گذار چگونه تأثیر سوءمدیریت را بر تصمیم سرمایه‌گذاری ارزیابی کند، به عامل مهم میزان مشارکت در سرمایه‌گذاری بستگی دارد. اگر میزان سرمایه‌گذاری در حدی نباشد که در مدیریت سازمان تأثیرگذار نباشد، عملاً نمی‌تواند در حل مشکل کمک‌کننده باشد. ولی اگر سرمایه‌گذار قصد سرمایه‌گذاری با در دست داشتن سهام مدیریتی داشته باشد، آن‌گاه مسئله مهم این است که آیا توان اهرمی تغییر اوضاع را دارد یا نه؟ آیا سیاست اهرمی آن‌ها، ادامه استقراض از بانک است یا تامین مالی از سایر منابع بدهی؟ بنابراین نقش سرمایه‌گذار در تصمیم ورود به حوزه مدیریت یک بنگاه و نحوه ورود و اعمال سیاست‌های مالی آن وابسته است.

بررسی اطلاعات و صورت‌حسابهای مالی

بررسی اطلاعات مالی و احتمال ورود یک بنگاه به بحران نقدینگی و آشفتنگی مالی از طریق ارزیابی موارد ذیل باید مورد بررسی قرار گیرد.

نقدینگی قابل دسترس

اگر بنگاه به خط اعتباری بانک برای تامین نقدینگی نیازمند است، احتمال دسترسی و باقی ماندن آن چگونه است؟
ایا تمایلی به اعطای وام‌دهی و قرض دادن به بنگاه از طرف بانک‌ها وجود دارد؟
موجودی نقد بنگاه برای تصمیم‌سازی سریع و به موقع چقدر است؟



در سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز ابتدا میبایست امکان ورود بنگاه به آشفتنگی و بحران مالی که تأثیر عمیقی بر اصل سرمایه‌گذاری دارد، تحلیل شود. زمانی که بحران مالی به علت ساختار سرمایه نظیر استفاده بیش از اندازه از ابزارهای اهرمی و بدهی است، سرمایه‌گذار می‌بایست با چشم‌انداز تجدید ساختار نسبت به بررسی امکان‌سنجی اقدام کند. این لزوماً به معنی جذاب بودن سرمایه‌گذاری نیست و حداقل معیاری است که می‌بایست سرمایه‌گذار برای بررسی و امکان‌سنجی یک پروژه بر مبنای دانش و سازماندهی پتانسیل‌ها، درآمدها و سایر جذابیت‌های پروژه مدنظر داشته باشد. اما اگر پیشبینی علت ورود سازمان به آشفتنگی مالی، محصول غیررقابتی یا مدیریت ضعیف باشد، حتی تغییر ساختار نیز نمی‌تواند بر مشکلات موجود غلبه کند و عملاً ورود به چنین سرمایه‌گذاری توصیه نمی‌شود.

برای سرمایه‌گذار تمایز شرایط فوق مورد نیاز است، چراکه هر نوع از سرمایه‌گذاری مخاطرات مربوط به خود را دارد. برای مثال در مورد اول تجدید ساختار و مدیریت اهرم مالی ممکن است به‌عنوان عامل بالقوه، به نظر برسد، اما سرمایه‌گذار می‌بایست هزینه آن را محاسبه و بازگشت سرمایه را بر مبنای آن محاسبه

کند. برای مثال در زمانی که تسویه بدهی بنگاه ضروری است، خطر ورود به بحران مالی بیشتر می‌شود، حتی اگر تسویه بدهی به صورت مزمّن و درازمدت اتفاق بیفتد، تاخیرات زمانی در بازگشت سرمایه، آن را با خطر مواجه می‌کند. در ادامه، موارد ذیل نیز باید در مورد نوع کسب‌وکار به‌طور دقیق بررسی و شناخته شود. آیا سازمان دارای محصول یا خدمت پایدار است و اشکال از مدیریت آن است؟ آیا کسب‌وکار رو به نابودی و زوال یا در حال تغییرات است؟ آیا طرح کسب‌وکار اولیه بدون مشکل بوده است؟

در پایان و پس از سرمایه‌گذاری، زمانی که یک سازمان در آستانه ورود به مرحله بحران مالی قرار می‌گیرد، باید با اتکا به شاخص‌ها و مدل‌های پیشبینی - که پیش‌تر مورد تحلیل قرار گرفتند - در نظر داشته باشد که چه نوع اقدامات و تحرکاتی مانع از ورود آن به این مرحله می‌شود، یا کمک به بازسازی بهتر ساختار آن می‌کند.

منابع:

۱. See Baker and Mansi (۲۰۰۲).
۲. Moyer and Gubner (۲۰۰۱).
۳. K filed by Southern-A See, for example, Form ۳.
۴. California Edison Company dated January ۲۰۰۱, ۱۰ Beaver (۱۹۶۶), See Hickman (۱۹۵۸).
۵. Dr. Edward I. Altman, Max L. Heine Professor of Finance, Leonard N. Stern School of Business, New York University.
۶. Professor Altman developed the "Z-score" model in ۱۹۶۸. This was subsequently revised to allow the application of the model to certain situations not originally included in the original sample set.
۷. Altman (۱۹۹۳) and the many studies cited therein (۲۰۰۲) See Shefrin.
۸. Although not as numerous as in the case of equities, there have been studies of the information content of bond price movements. See Brown and Mooradian (۱۹۹۳), Eberhart and Sweeney (۱۹۹۲), and Ketz (۱۹۷۸).
۹. For a general discussion of why businesses fail, see Platt (۱۹۹۷).
۱۰. The fact pattern in this hypothetical is arguably what happened to Flooring America and Color Tile, both of which went bankrupt and liquidated.
۱۱. See Kindleberger (۲۰۰۱).
۱۲. The reasons for this relate to the general operation of securitization trusts, the details of which are beyond the scope of this book but well explained in AmeriCredit's Securities and Exchange Commission filings (۱۹۹۹).
۱۳. See Lyle (۱۹۹۹).
۱۴. Estimate. Cash was ۲۰۸.۲\$ million as of the operating statement ۱۹۹۹, ۳۰ September.
۱۵. See McDermott (۲۰۰۲) and Darby et al (۲۰۰۲).
۱۶. For a good summary of Wendt's challenge at More generally, see Conesco, see Hornaday (۲۰۰۲).
۱۷. For a general discussion of effective management practices, see Drucker (۲۰۰۲, ۲۰۰۳).
۱۸. For example, if a retailer had a weak Internet service capability.
۱۹. See Moyer (۲۰۰۳).
۲۰. Orbital Sciences stock traded in a range between ۲۰.۴۲\$ and ۲۰.۷۷\$ in May ۲۰۰۲.
۲۱. See Moyer (۲۰۰۲).
۲۲. See the Fairness in Asbestos Injury Resolution Act of ۲۰۰۳, ۲۲ May ۱۱۷۵ Senate Bill ۲۰۰۳ Act of g). See additional discussion in BRC ۲۴\$ (۲۰۰۳) and Weil, Gotshal & Manges Chapter ۴.
۲۳. There were six intermediate holding companies between GAF and BMCA. See Curley (۲۰۰۱).

کاهش ناگهانی بهای نفت و راهبرد مقابله با آسیب‌های آن

حمید جعفری

افزایش عرضه و افزایش قیمت نفت

غلامحسین حسن تاش، کارشناس ارشد موسسه بین‌المللی مطالعات انرژی، علت اصلی کاهش کنونی قیمت نفت را پیشی گرفتن عرضه از تقاضا می‌داند و می‌گوید: «پیش از این مسائل ژئوپلیتیک باعث شده بود عرضه و تقاضا هماهنگ شوند. درواقع این مسائل باعث شده بود هر روز در یکی از کشورهای تولیدکننده نفت، از عراق تا نیجریه و لیبی، تولید کاهش یابد. وقتی مشکلات به‌طور نسبی برطرف شدند، قیمت شروع به

به‌طور معمول، کاهش قیمت‌های نفت به تقویت اقتصاد جهانی کمک می‌کند. سقوط ۱۰ دلار در قیمت هر بشکه نفت، حدود ۰.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) جهانی را از صادرکنندگان به واردکنندگان نفت منتقل می‌کند. با افزایش مصرف نفت ارزان‌تر، تمایل به افزایش تولید جهانی بیشتر می‌شود. با این استدلال می‌توان به‌سادگی محاسبه کرد که کاهش بهای نفت چه تاثیری روی صادرکنندگان طلای سیاه و چه تاثیری روی واردکنندگان این محصول دارد. در میان کشورهای صادرکننده نفت شاید تنها آن گروه از کشورها که می‌توانند به واسطه کاهش بهای نفت سریع‌تر در مسیر دور شدن از اقتصاد تک‌محصولی حرکت کنند، برنده محسوب می‌شوند، چون کاهش بهای نفت حکم توفیق اجباری برای آن‌ها دارد تا از این طریق بتوانند به آرامی نفت را از مدار نبض توسعه خود خارج کنند. اما آیا همه کشورهای نفتی این امکان یا این تدبیر و دوراندیشی را دارند که بتوانند از کاهش بهای نفت بهترین استفاده را کنند؟ البته برخی کارشناسان معتقدند، در ماه‌های گذشته بخش زیادی از کاهش بهای نفت به دلیل افت توان اقتصادی برخی کشورهای بزرگ در توسعه جهانی رخ داده است و خیلی نباید این کاهش را به بازی‌های سیاسی در عرصه جهانی نسبت داد، بلکه قیمت کنونی نفت نشانه‌ای از تضعیف رشد است. اگر این تحلیل را بپذیریم، نفت ارزان‌تر چندان قادر به تقویت رشد نخواهد بود، یا به عبارتی نمی‌تواند به تقویت موتور توسعه کشورهای صنعتی کمک کند.

نفت، این طلای سیاه دوباره در حال تبدیل شدن به یک بلای بدرنگ سیاه است. این نکته را این روزها همه کارشناسان جهانی اقتصاد مطرح می‌کنند و می‌گویند باز هم نفت به ابزاری سیاسی تغییر شکل داده است که به واسطه آن برخی از کشورهای بزرگ می‌خواهند برخی از کشورهای نفتی را در تنگنا قرار دهند. به نظر می‌رسد این تحلیل خیلی هم دور از ذهن نیست، چون در هفته‌های گذشته بهای طلای سیاه یک‌باره در سراسری قرار گرفته و این مسئله برای نفتی‌ها به یک چالش جدی شبیه شده است. در چند روز گذشته بازار نفت هفتمین هفته متوالی کاهش قیمت را تجربه کرد. به گزارش بلومبرگ، این تداوم کاهش قیمت برای نفت برنت از سال ۲۰۰۱ تا کنون بی‌سابقه بوده است. واقعیت آن است که قیمت‌های نفت پس از کاهش تدریجی به مدت سه ماه، به‌طور ناگهانی در چهاردهم اکتبر چهار دلار سقوط کرد که بالاترین میزان سقوط یک روزه در یک سال محسوب می‌شود. قیمت نفت برنت به‌عنوان یک معیار بین‌المللی به ۸۵ دلار در هر بشکه رسید و چند روز پیش تا ۸۱ دلار نیز پایین آمد؛ درحالی‌که این قیمت در دوره اوج در ماه ژوئن ۱۱۵ دلار در هر بشکه بود. این کاهش قیمت و چنین افتی شاید برای بسیاری از صنعت‌گران دنیای امروز معنای خاصی نداشته باشد، اما برای اقتصادهایی که قدرت خود را از بازوی نفت می‌گیرند، کاهش چهار دلاری نفت فقط در یک روز بدون شک علامت ناخوشایندی به همراه دارد. البته کاهش بهای نفت به تقویت اقتصاد جهانی کمک می‌کند. به عبارتی این اتفاق برای مسافران اقتصاد جهانی، یعنی کشورهایی که بر اساس استانداردهای جهانی در مسیر توسعه قرار گرفته‌اند، می‌تواند شیرین باشد. آن‌ها کاهش بهای نفت را دوست دارند، چون از این کالای سیاه برای بهتر چرخیدن چرخ‌های تولید و صنعت استفاده می‌کنند. اما درست در نقطه مقابل کشورهایی که از فرایند اقتصاد جهانی دور هستند، کاهش بهای نفت را یک زلزله اقتصادی می‌دانند. اکونومیست می‌نویسد



پایین آمدن کرد؛ پیش‌تر نیز این مسئله قابل پیش‌بینی بود. به عبارتی از دو سال پیش با افزایش تولید نفت و گاز در داخل آمریکا، تقاضای این مصرف‌کننده بزرگ کاهش پیدا کرده و مقدار عرضه بر تقاضا پیشی گرفته بود.

در این بین با توجه به مشکلاتی که کشورهای عضو اوپک دارند، بسیاری از آن‌ها خود را ملزم به سهمیه‌بندی نمی‌دانند؛ مثلاً لیبی در دو سال گذشته متوسط تولید نفت پایینی داشته است. در مورد نیجریه، عراق و ایران هم می‌توان همین را گفت. لذا به نظر نمی‌رسد اوپک بتواند برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت چندان اثرگذار باشد. اثرگذارترین عامل، این است که آمریکایی‌ها بر برنامه تولید از Gas and Oil Shale خیلی تاکید دارند و نمی‌خواهند این برنامه متوقف شود یا ضربه بخورد. لذا برای پیش‌بینی این‌که روند نزولی بهای نفت تا کجا ادامه دارد، باید توجه کنیم که این برنامه‌ها تا چه کف قیمتی می‌تواند ادامه پیدا کند. الان تحلیل‌ها این است که با توجه به این‌که پروژه‌ها چند سالی است شروع شده‌اند و زیرساخت‌ها، دکل‌ها و امکانات توسعه پیدا کرده‌اند، هزینه نسبت به روز اول پایین آمده است. اما این‌که رقم دقیق چقدر است، ما نمی‌دانیم.

واشنگتن‌پست اخیراً نوشته بود که رقم ۸۰ دلار هم قابل تحمل است. بعضی دیگر اعداد کمتری را هم اعلام کرده‌اند. لذا به نظر من کف قیمت شدیداً به پروژه‌های مذکور وابسته است که در هر حال کاهش یافته است، مگر این‌که اتفاقی مشابه آن‌چه در سال ۸۶ افتاد، روی دهد و به خاطر فشار به روسیه، قیمت نفت را پایین بکشند که من این را بعید می‌دانم. چراکه در این شرایط پروژه‌های آمریکایی‌ها هم مشکل پیدا می‌کند. ضمناً اگر تحریم‌ها علیه روسیه را دنبال کنید، به این نتیجه می‌رسید که تحریم‌ها بیشتر علیه شرکت‌های نفتی است و بیشتر از این طریق می‌خواهند روی تولید نفت روسیه فشار بیاورند. بعید می‌دانم که از طریق قیمت بخواهند فشاری اعمال کنند. ضمن این‌که روسیه اگر از این ناحیه خیلی دچار مشکل باشد، می‌تواند با کاهش میزان صادرات نفت خود، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

این کارشناس انرژی کشورمان درخصوص نقش احتمالی اوپک در افزایش قیمت‌ها می‌گوید: «اگر کشورهای عضو این سازمان در بهترین شرایط بتوانند به وحدت برسند، ممکن است تصمیم به کاهش سقف تولید بگیرند، اما این‌که تصمیم‌گیری مذکور چقدر اجرایی شود، بحث دیگری است. در شرایط فعلی اوپک و با توجه به مشکلات کشورهای، من خیلی این تصمیم‌ها را اجرایی نمی‌دانم. به‌خصوص که تصمیمات اوپک ضمانت اجرایی هم ندارند.

ضمانت اجرایی این است که خود کشورها از کاهش درآمدهای نفتی احساس خطر کنند. درنهایت، عربستان نقش تعیین‌کننده را خواهد داشت. بخش قابل توجهی از صادرات اوپک متعلق به عربستان است و اگر اوپک سهمیه مشخصی تعیین و عربستان آن را رعایت کند، وضعیت بازار قدری تغییر خواهد کرد. نقش عربستان هم کاملاً به وضعیت سیاسی این کشور در منطقه وابسته است.»

شتاب مشکوک تولید

با همه این‌ها این نکته را نباید نادیده گرفت که بر اساس گزارش رسانه‌های بین‌المللی، اقتصاد جهانی قطعاً تضعیف شده است. تولید ناخالص داخلی ژاپن در سه ماه دوم سال سقوط کرد. تولید ناخالص داخلی آلمان هم همین‌طور و احتمالاً این کشور به سمت رکود پیش می‌رود. رشد اقتصادی آمریکا به‌تازگی شتاب پیدا کرده، اما روند بهبود آن ضعیف است. درست قبل از رکود اخیر قیمت نفت، صندوق بین‌المللی پول (IMF) طرح خود را برای رشد جهانی در ۲۰۱۴ برای سومین بار در سال جاری به ۳.۳ درصد کاهش داد. هم‌چنان انتظار رشد اقتصادی محدود در سال ۲۰۱۵ وجود دارد.

رشد کوچک‌تر هیچ معنایی ندارد، جز این‌که توان اقتصادی کشورها برای استفاده مولد از نفت کاهش یافته است و این معنایی جز آب رفتن تقاضای نفت ندارد. به‌تازگی آژانس بین‌المللی انرژی رقمی را برای افزایش تقاضای جهانی نفت پیش‌بینی کرده است که فاصله زیادی با پیش‌بینی‌های قبلی این آژانس دارد. دو ماه پیش آژانس بین‌المللی نفت نوشت که تقاضای جهانی برای نفت ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد و حالا کارشناسان این آژانس می‌گویند که محاسبه آنان دور از واقعیت بوده است و تقاضای جهانی برای نفت بیشتر از ۷۰۰ هزار بشکه در روز رشد نخواهد کرد. تا این‌جا کار می‌توان گفت که قیمت نفت به شکل طبیعی کاهش یافته است، اما چیزی که باعث می‌شود تا بسیاری از تحلیل‌گران این افت را به شکل مانور سیاسی کشورهای بزرگ ببینند، رشد ناگهانی عرضه در شرایطی است که تقاضا با گره مواجه شده است. از ماه آوریل سال قبل، کل تولید نفت جهان به شکل منظم و به‌شدت افزایش پیدا کرده است، به‌طوری‌که در اغلب ماه‌ها میزان تولید یک تا دو میلیون بشکه در روز بیشتر از سال قبل رقم خورده است. در ماه سپتامبر این افزایش به‌طور چشم‌گیری جهش پیدا کرد و تولید جهانی ۲.۸ میلیون بشکه در روز بالاتر از سپتامبر ۲۰۱۳ شد.

گزارش‌های موجود و منتشرشده نشان می‌دهد که بیشترین رشد در عرضه نفت به کشورهای غیرعضو اوپک به‌ویژه آمریکا مربوط است. میزان تولید نفت آمریکا در ماه سپتامبر به ۸.۸ میلیون بشکه در روز رسید که ۱۳ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته و ۵۶ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۱ است. تولید نفت روسیه نیز افزایش یافته است که نشان می‌دهد تحریم‌ها هنوز آغاز نشده‌اند. در ماه سپتامبر تولید نفت این کشور به ۱۰.۶ میلیون بشکه در روز رسید. میزان تولید نفت غیر اوپک افزایش یافته است. در

ماه آوریل، تولید لیبی به دلیل مشکلات جنگ داخلی سقوط کرده و به ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسید. اواخر سپتامبر تولید مجدداً به ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش پیدا کرد و درحال حرکت به سمت سطح پیش از جنگ یعنی ۱.۵ میلیون بشکه در روز است. تولید عراق نیز در حال افزایش است. تولید اوپک نیز مجدداً از ماه سپتامبر و پس از دو سال کاهش، با همت سعودی‌ها روند افزایشی در پیش گرفت.

عربستان سعودی با کاهش قیمت‌های آتی برای تحویل در آسیا و افزایش تولید نفت در ماه سپتامبر (۱۰۷ هزار بشکه)، سایر اعضای اوپک را غافل‌گیر کرد. نشست آتی اعضای اوپک ماه نوامبر برگزار خواهد شد. اما با توجه به اظهارات وزیر نفت کویت، شانس برای کاهش تولید کشورهای عضو این سازمان وجود ندارد.

از سرمایه‌گذاران خصوصی کمک بگیریم

این مسائل نشان می‌دهد که انگار ماجرای نفت به شکل منظمی به سمت کاهش قیمت هدایت می‌شود. در زمانی که تقاضا به دلیل کندی رشد جهانی اقتصاد، افت کرده است، شاید طبیعی‌تر بود که شتاب تولید نفت نیز کنترل می‌شد، اما عملاً این اتفاق رخ نداده است. سعودی‌ها در زمانی پیچ‌های نفتی خود را باز کرده‌اند که بسیاری از تحلیل‌گران می‌توانند آن را به مولفه‌ای برای مقابله با توسعه ایران مرتبط بدانند. هر چه که هست، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که کشورهای نفتی باز هم در کورس امتحان عبور از اقتصاد نفتی یا ماندن در بساط یک اقتصاد متکی در نفت قرار گرفته‌اند. کارشناسی می‌گویند اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران باید از این فرصت استفاده کنند. یک کارشناس اقتصادی می‌گوید: «تا زمانی که تا بن دندان به نفت وابسته باشیم، با اهرم قیمت جهانی نفت می‌توانند به‌سادگی اقتصاد کشور را در تنگنا قرار دهند. شاید الان بهترین فرصت برای این باشد که مدیران و برنامه‌ریزان آرام آرام برنامه خروج از اقتصاد نفتی را طراحی و راهبرد اجرای آن را تدوین کنند.

بهترین کار برای شروع این برنامه بالا بردن ضریب اطمینان در میان سرمایه‌گذاران خصوصی اقتصاد است. دولت باید با تکیه بر آن‌ها هر چه سریع‌تر راهبرد خروج از نفت را تدوین کند. صنایع و بازار سرمایه باید تقویت شوند و از سوی دیگر نظام مالیاتی هم‌زمان با باز کردن مسیر پروژه‌های صنعتی به سمت سرمایه‌های خارجی، در جریان اصلاح قرار بگیرد.»

بدون شک قطع وابستگی به نفت آرزوی دیرینه اقتصاد ایران است. هر زمان که مدیران و برنامه‌ریزان اقتصادی برای اجرایی کردن این آرزوی قدیمی تصمیم بگیرند، هر چند که دیر است، اما بهتر از آن است که این تصمیم را باز هم به آینده منتقل کنند. حوض بازار جهانی نفت باز هم گل‌آلود است. باید از این فرصت استفاده کنیم و بهترین ماهی را برای توسعه بیرون بکشیم. آیا این‌گونه نیست؟

نفت و تازیانه کسری بودجه

بنگاه‌های خلق سرمایه را جدی‌تر بگیریم

رضا حسینی



چشم بهای نفت ایران فرو برود.

رویتز قیمت نفت سربه‌سر کننده بودجه ایران را ۱۳۶ دلار برآورد کرده است (نمودار زیر). با این حساب باید گفت که اگر ایران در شرایط موجود هر بشکه نفت خود را ۱۰۲ دلار می‌فروشد، یعنی در هر بشکه نفت به میزان ۳۴ دلار کسری بودجه دارد. این درواقع ارمغانی است که در بدترین شرایط نصیب دولت یازدهم شده است که خود میراثی به نام ویرانی اقتصاد از دولت‌های دهم و نهم به ارث برده است. در شرایط موجود، به نظر می‌رسد پیروزی در میداين دیپلماسی می‌تواند کمک بزرگی به اقتصاد ایران بکند. آزاد شدن دلارهای بلوکه‌شده کشور و باز شدن ریسمان تحریم‌ها یک عامل شتاب‌دهنده برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود که می‌تواند کمک بزرگی برای دور شدن از اقتصاد نفتی باشد. برخی از کارشناسان معتقدند برنامه‌ریزان اقتصادی ایران در شرایط موجود باید بیش از هر زمان دیگری از سرمایه‌گذاران، فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان برای عبور از شرایط موجود کمک بگیرد. به نظر می‌رسد باید به این دیدگاه کارشناسان را جدی گرفت. بنگاه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری می‌توانند بهترین سفارای ایران در دیپلماسی اقتصادی باشند، البته بدون شک این ایده را باید اتحاد داخلی برای رسیدن به توسعه برتر پشتیبانی کند. چون چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد ایران به دلیل شرایط حاکم بر شاخص‌های جهانی مساعد نیست. برخی رسانه‌های بین‌المللی به‌تازگی گزارش داده‌اند که اثرات کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران با تاخیر پنج ماهه ظاهر می‌شود و بر این اساس نتیجه گرفته‌اند که اگر قیمت نفت در حد ۸۰ دلار باقی بماند، ایران باید اصلاحات اقتصادی را به منظور کاهش وابستگی به نفت در اولویت کاری قرار دهد. درواقع به نظر می‌رسد همه فعالان جهانی به این نتیجه رسیده‌اند که زمان آن رسیده است تا اقتصاد ایران یک بار برای همیشه تکلیف خود را با نفت‌محوری مشخص کند، که اگر توانسته بود در سال‌های قبل این کار را انجام دهد، هرگز طلایی‌ترین دوران نفتی ایران در سال‌های گذشته از دست نمی‌رفت.

قرار داده است. «تایمز مالی»، در رابطه با افزایش نرخ برابری دلار می‌نویسد که طی سه ماهه سوم سال جاری میلادی، شاخص برابری دلار ۷/۷ درصد افزایش یافت، و به همین دلیل «شاخص کالاهای پایه بلومبرگ» بیش از ۱۲ درصد تنزل کرد و به پایین‌ترین حد خود در پنج سال گذشته رسید. در این دوره سه ماهه قیمت طلا بیش از پنج درصد، نقره بیش از هفت درصد، سویا ۳۰ درصد، ذرت ۲۲ درصد، گندم ۱۶ درصد و سنگ‌آهن ۱۵ درصد افت کرد. قیمت شکر نیز در این دوره به کمترین حد خود طی چهار سال گذشته رسید. قیمت هر بشکه نفت برنت هم در این دوره سه ماهه آن‌قدر کاهش یافت که در نیمه آبان‌ماه به ۸۲ دلار سقوط کرد. در چنین شرایطی فعالان اقتصادی در عرصه جهانی که با یورو مبادله می‌کنند، به خاطر افزایش ارزش برابری دلار، باید سهم یورو پرداختی خود را در خرید کالاهای مختلف افزایش دهند. در نتیجه طبیعی است که تقاضا برای خریدن کالاهای پایه نیز تنزل کند. بدون شک نفت هم بخشی از کاهش بهای خود را در این سیکل مزمره کرده است. اقتصاد ایران اگر به دلارهای بلوکه‌شده خود و هم‌چنین ذخایر ارزی‌اش فکر کند، باید برای این افزایش برابری دلار شادمان باشد، اما در حال حاضر که تحریم‌ها هم‌چنان پابرجا هستند و حجم ذخایر ارزی نیز مشخص نیست، به نظر می‌رسد افزایش برابری ارزش دلار در برابر یورو از یک سو و هم‌چنین شتاب تولید نفت در کشورهای نظیر آمریکا، لیبی و عربستان سعودی از سوی دیگر باعث شده است تا دود کاهش تقاضا در

کاهش بهای نفت نگرانی‌هایی را در حوزه سیاست‌گذاری اقتصاد کشور به وجود آورده است. در حال حاضر بهای هر بشکه نفت برنت دریای شمال به ۸۲ دلار رسیده است و این می‌تواند در نگاهی کلی یک علامت خطر برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشد. اقتصاد ایران در زمان حضور دولت‌های نهم و دهم بیش از هر زمان دیگری به نفت وابسته بود و بیشترین درآمد نفتی را نیز تجربه کرد. همین مسئله باعث شده است تا برخی کارشناسان عادت نفتی اقتصاد ایران را در شرایط امروز بیش از هر زمان دیگری ارزیابی کنند و بگویند که کاهش بهای نفت می‌تواند قبل از هر چیز سند مالی اقتصاد کشور را با مشکل همراه کند. چند روز پیش حسن روحانی از افت ۳۰ درصدی درآمدهای نفتی ایران خبر داد و درواقع سقوط ناگهانی این رقم زمینه رشد نگرانی‌ها را فراهم کرده است. بدون شک اگر به جای هزینه کردن بهترین درآمدهای نفتی در چند سال گذشته، این درآمدها موجب شده بود تا تولید و بازار سرمایه در ایران به استانداردهای جهانی نزدیک شوند، اکنون این نگرانی در هوای اقتصاد ایران چرخ نمی‌زد.

بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده توسط وزارت نفت، متوسط قیمت سبد نفت خام سبک و سنگین صادراتی ایران تا اواسط آبان‌ماه سال جاری حدود ۱۰۲ دلار در هر بشکه بوده است. درحالی‌که قیمت هر بشکه نفت در بودجه سال جاری ۱۰۰ دلار تعیین شده است. درواقع کاهش مداوم بهای نفت می‌تواند بودجه اقتصاد کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. این کاهش بهای نفت هم به یک طنز تلخ برای دولت یازدهم تبدیل شده است. مسئولان این دولت از یک سو ویرانای اقتصادی را تحویل گرفتند که بر اساس شواهد موجود ساختن دوباره آن بسیار سخت است و از سوی دیگر اکنون با کاهش بهای نفت نیز مواجه شده‌اند. آمارهای شرکت ملی نفت نشان می‌دهد که در شرایط فعلی به‌طور متوسط روزانه حدود یک میلیون بشکه نفت خام از ایران صادر می‌شود که با احتساب گنجانده شدن قیمت نفت ۱۰۰ دلاری در بودجه سال جاری، باید به‌طور میانگین روزانه ۱۰۰ میلیون دلار درآمد نفتی به خزانه کشور واریز شود. اما آن‌طور که حسن روحانی گفته است، میزان درآمد نفتی ایران ۳۰ درصد کاهش یافته است و آن‌طور که برخی از خبرگزاری‌ها محاسبه کرده‌اند، ۲۵ درصد از این رقم فقط در پنج ماه گذشته شکل گرفته است. خبرگزاری مهر با اتکا به آمار موجود خبر می‌دهد که تا نیمه‌های آبان‌ماه روزانه حدود ۱۸ تا ۲۰ میلیون دلار به دلیل کاهش قیمت نفت،

این کالای استراتژیک زیر قیمت گنجانده‌شده در قانون بودجه توسط دولت در بازار به فروش رسیده است. در زمانی که شما این گزارش را می‌خوانید، احتمالاً به دلیل ادامه کاهش قیمت نفت این ارقام کمی افزایش را نیز تجربه کرده‌اند.

به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در ماه‌های گذشته از موقعیت‌های مختلفی در بازار جهانی تاثیر گرفته است. بر اساس مشاهدات موجود افزایش نرخ برابری دلاری در مقابل یورو طی چند ماه گذشته یکی دیگر از دلایل کاهش بهای نفت است که در اقتصاد ایران کسری بودجه را در سایه فعالیت‌های اقتصادی دولت



عربستان و کاهش قیمت نفت

♦ دکتر حسن حسن‌زاده، کارشناس ارشد در حوزه نفت



عربستان با تولید روزانه ۱۱/۵ میلیون بشکه بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت جهان به شمار می‌آید. از این رو این کشور با استفاده از این ظرفیت می‌کوشد جریان‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی منطقه را کنترل و از این راه اهداف و سیاست‌های خود را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و در نهایت بلندمدت تامین کند. بنابراین با بهره‌گیری از این امکان و با ارائه تخفیف قابل توجه در فروش نفت خود، اینک درصدد بر آمده است تا قیمت جهانی این حامل انرژی را کاهش دهد. اما هدف از این راهبرد چیست؟ عربستان در دامپینگ (ارزان‌فروشی غیرقانونی) نفت سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ مثلاً در اواخر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود که با اجرای راهبرد موسوم به بازسازی آزاد، اقدام به افزایش تولید خود و کاهش قیمت فروش نفت کرد و هم‌اینک نیز به نظر می‌رسد، عربستان در پی آن است که روند کاهش قیمت‌ها را ادامه دهد. این راهبرد نفتی بر محوریت تقابل با دو بازیگر عمده نفتی در جریان است.

هم‌چنین سیاست ایجاد رقابت منفی میان کشورهای تولیدکننده نفت سبب تغییر در موازنه منطقه به نفع عربستان خواهد شد. کاهش قیمت نفت آثار منفی اقتصادی زیادی بر روسیه نیز خواهد داشت. با کاهش قیمت جهانی نفت، نیاز این کشور به دریافت کمک‌های مالی خارجی بیش از پیش افزایش می‌یابد. به دلیل اعمال تحریم از سوی غرب، دستیابی به منابع مالی خارجی برای این کشور بسیار دشوار خواهد بود. از اهداف سیاسی اقدام عربستان علیه روسیه، رویارویی دو جبهه غرب و روسیه در بحران‌های اوکراین و سوریه است که در هر دو جبهه عربستان از مواضع غرب حمایت می‌کند و تلاش دارد تا با فشار اقتصادی بر روسیه این کشور را وادار به عقب‌نشینی از مواضع خود در این دو جبهه بین‌المللی کند. عربستان درصدد برآمده با زیر فشار گذاشتن ایران برای محدود کردن برنامه انرژی هسته‌ای و وادار کردن ما به تغییر موضع خود در سوریه، نفت را زیر میانگین قیمت، به بازارهای آسیایی و آمریکای شمالی عرضه کند. هم‌چنین طرح افزایش تولید نفت عربستان به منظور تصاحب بازارهای نفتی ایران در کشورهای مختلف جهان صورت می‌گیرد. باید تاکید کرد، هیچ کشوری چنین قدرتی ندارد که بتواند با کاهش قیمت نفت روند معادلات را در منطقه بر هم بزند و از این رو تمام کوشش‌ها بر تاثیرگذاری بر قیمت‌های نفت «محدود و موقت» است. برخی کارشناسان به جایگاه عربستان در پرچمداری رشد تولید و کاهش قیمت نفت خود- که سبب ایجاد رقابت منفی برای کاهش دادن قیمت نفت از سوی کشورهای چون ایران و عراق شده است- اشاره می‌کنند. پس از دوره‌ای که عربستان قیمت مورد نظر خود را برای هر بشکه نفت برنت ۱۰۰ دلار تعیین کرده بود، ظاهراً اکنون ریاض به سه دلیل آستانه تحمل خود را در مورد کاهش قیمت نفت بالاتر برده است: به چالش کشیدن رقابلی هم‌چون ایران و صنعت نوظهور نفت شیل آمریکا، لزوم کسب درآمد بیشتر؛ زیرا پایین آمدن قیمت‌ها به معنای فروش نفت بیشتر است، و عمیق بودن اختلاف نظرها در اوپک. عربستان اجازه داده بازار کف قیمت خود را بیابد و قیمت‌های پایین را تا زمانی که سایر اعضای اوپک متعهد به اقدامی عملی شوند، تحمل خواهد کرد. از سویی دیگر معمولاً در بازارهای جهانی نفت، فرمول‌هایی وجود دارد که با کاهش قیمت نفت به اقتصاد کشوری ضربه می‌زند. مثلاً در مورد روسیه، وقتی قیمت نفت این کشور کاهش یابد، در قیمت گاز صادراتی‌اش متاثر از قیمت نفت است نیز تاثیر گذاشته و چند جانبه اقتصاد این کشور را تحت فشار قرار می‌دهند. باید توجه داشت که در نوسانات قیمتی نفت هر دو عامل سیاسی و اقتصادی مؤثرند و تفکیک آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

از نظر اقتصادی جهان در حال رکود است، رشد اقتصادی آمریکا و چین پایین آمده و عرضه مازاد نفت به بازار وجود دارد. در عرصه سیاسی نیز معادلات قدرت میان آمریکا و روسیه برهم

خورده و نفت ممکن است در این میان به کار گرفته شده باشد. در پایان باید گفت، اقدام عربستان سعودی در کاستن از بهای فروش نفت خود... سبب کاهش بی‌سابقه قیمت نفت خام شده، اما توان عربستان برای عرضه گسترده نفت خام در بازار موقتی است. درواقع این امر در کوتاه‌مدت و برای دست یافتن به اهداف سیاسی شاید ممکن باشد، ولی نمی‌تواند تداوم یابد. با کاهش بیشتر بهای نفت، درآمدهای نفتی کشورهای تولیدکننده نفت خام کاهش پیدا می‌کند و این کاهش در ادامه، افت شدید تقاضا برای محصولات کشورهای صنعتی را در پی خواهد داشت. هم‌اکنون نشانه‌های کاهش رشد اقتصادی در آلمان، روسیه، آرژانتین، انگلستان، ژاپن و چین قابل مشاهده است. اقتصاد آمریکا هم مطمئناً ناتوان شدن اقتصادهای وابسته به دلارهای نفتی که طرف‌های عمده تجاری آمریکا هستند، آسیب خواهد دید. ضمن این‌که بودجه بخش عمومی در بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت وابسته به درآمدهای نفت است و سقوط قیمت نفتی می‌تواند موقعیت مالی دولت‌ها و رشد اقتصادی آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. منبع: قدس

ارزیابی رشد ۴/۶ درصدی اقتصاد ایران

اقتصاد با رنگ روشن‌تری از امید

«انگاری همه چیز تغییر کرده است.» این عین پیامی است که بانک مرکزی آن را در آخرین گزارش خود نهفته کرد و همراه با فرارسیدن پاییز یک زلزله در اقتصاد ایران را کلید زد. خلاصه گزارش بانک مرکزی این بود که رشد اقتصادی ایران به ۴٫۶ درصد رسیده یا به تعبیر دیگر به ۵ درصد، آن هم مثبت نزدیک شده است. حتما شما هم که این گزارش را می‌خوانید تعجب می‌کنید، گزارشی که هم‌چنان محافل اقتصادی را به دنبال خود می‌کشانند و بحث رشد ۴٫۶ درصد اقتصاد را در صدر نگاه داشته است. چون به نظر می‌رسد در ظاهر اقتصاد ایران چیزی تغییر نکرده است و این چالش هم‌چنان روی سر اقتصاد ایران چرخ می‌زند

سقوط رشد اقتصادی در سال‌هایی که گذشت، زیان ۹۸ میلیارد دلاری به بارآورد

را در هفته نخست مهر پیرامون اقتصاد ایران کلید زد. جدول و نمودار این گزارش بر اساس آمار و ارقام رسمی طراحی شده‌اند و به‌خوبی مسیر رشد اقتصادی کشور را نشان می‌دهند. این نکته را نباید فراموش کرد که رشد اقتصادی ایران بعد از پرشورترین دوران نفتی تاریخ اقتصاد ایران به منفی ۵٫۴ درصد می‌رسد. شاید به همین علت است که اکنون برخی کارشناسان اقتصادی رشد ۴٫۶ درصدی را برای اقتصاد ایران واقعی نمی‌دانند.

رشدی که عجیب نیست

مهدی تقوی، اقتصاددان، در ارزیابی رشد ۴٫۶ درصدی اقتصاد ایران می‌گوید: «من معتقدم که رقم ۴٫۶ درصدی و دستیابی به آن خیلی جای تعجب ندارد و بیشتر باید متعجب شد که چرا برخی کارشناسان با شک به این رقم نگاه می‌کنند. مشکل این‌جاست که برخی از صاحب‌نظران این عدد را صرفاً با نگاه رشد اقتصادی ارزیابی می‌کنند، در صورتی که این‌گونه نیست، بلکه ۴٫۶ درصد بیشتر نشان می‌دهد که فضا در اقتصاد ایران تغییر کرده و نقش شاخص‌ها در شرایط بهتری قرار گرفته و بهبود یافته است. این‌گونه هم نباید رشد اقتصادی را تحلیل کنیم که حتماً کار ویژه اقتصادی صورت گرفته است. در چند سال گذشته آن‌قدر اقتصاد ویران شده است که نمی‌توان به‌سادگی کار ویژه اقتصادی انجام داد. در نزدیک به یک سال و نیم گذشته مسئولان دولتی با اقدامات دیپلماتیک و هم‌چنین تلاشی که برای تغییر شرایط داشتند، موفق شدند این تغییر شرایط را ایجاد کنند. فعالیت‌های دولت یازدهم هزینه تولید را بعد از ۸ سال طاقت‌فرسا برای

خاطر افت رشد اقتصادی) را تجربه کرده است، چون بر اساس ادعای مرکز پژوهش‌های مجلس در سال‌هایی که دولت نهم و دهم سکان اجرایی کشور را بر عهده داشته است، هر یک درصد رشد اقتصادی معادل ۸٫۲ درصد ارزش داشته است. جدول و نمودار زیر نشان می‌دهد که در سال ۷۶ دولت اصلاحات کابینه را با رشد اقتصادی منفی ۰٫۱۶ درصد تحویل می‌گیرد و با رشد اقتصادی مثبت ۶٫۱۹ درصد تحویل می‌دهد. دولت احمدی‌نژاد در این سال کابینه را با رشد اقتصادی ۶٫۱۹ درصد تحویل می‌گیرد و با رشد اقتصادی نزدیک به منفی ۶ درصد تحویل دولت روحانی می‌دهد.

به نظر می‌رسد باید این واقعیت را پذیرفت که اقتصاد ایران قبل از هر چیز از تغییر سیاست‌های اقتصاد در یک سال گذشته نیرو گرفته است و همین نیرو فضا را برای حرکت مثبت شاخص‌ها باز کرده است. تا پیش از این به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در تنگنای شعار و برنامه‌های هیجانی و پول‌محور گرفتار شده بود

این دولت نیز توانسته است در بهار امسال رشد اقتصادی را به مثبت ۴٫۶ درصد برساند و این اتفاق بیشترین بحث و گفت‌وگوها

این ادعا را البته گروهی از دست‌اندرکاران اقتصادی مطرح می‌کنند که از رشد اقتصاد ایران و پرتاب آن تا نزدیک ۵ درصد تعجب کرده‌اند، ولی برنامه‌ریزان اقتصادی کشور و کارشناسان بانک مرکزی با قاطعیت از محاسبه خود و رشد ۴٫۶ درصدی اقتصادی ایران دفاع می‌کنند. واقعیت آن است که در دو یا سه سال گذشته اقتصاد ایران بدترین روزهای خود را به خاطر سیاست‌های اقتصادی دولت نهم و دهم مرمزه کرد و ظاهر اکنون فعالان اقتصادی به‌سختی باور می‌کنند که پیچ اقتصاد ایران در حال باز شدن است. چند سال پیش محمود احمدی‌نژاد در یکی از سخنرانی‌های خود رشد اقتصادی ایران را ۱۰ درصد اعلام کرد درست بعد از اتمام این سخنرانی آگاهان اقتصادی ادعای رئیس جمهوری سابق را یک نمایش سیاسی دانستند و رشد اقتصاد ایران را در کف چاه اقتصاد کشور ارزیابی کردند. دولت نهم و دهم با آن که خوشبخت‌ترین دولت نفتی ایران بود، اما وقتی کابینه را تحویل دولت یازدهم داد، رشد اقتصادی را به نزدیک منفی ۶ درصد رسانده بود. این در حالی است که ۸ سال قبل از آن محمود احمدی‌نژاد دولت را با رشد اقتصادی مثبت ۶٫۱۹ درصد تحویل گرفته بود. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که در پایان سال ۹۱ رشد اقتصادی ایران منفی ۵٫۴ درصد بوده است. درواقع از سال ۸۴ که دولت نهم کارش را آغاز کرد تا پایان سال ۹۱ رشد اقتصادی ایران نزدیک ۱۲ درصد افت را پشت سر گذاشته است. سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی اعلام کرد که هزینه هر یک درصد رشد اقتصادی در سال‌های گذشته ۸۲ میلیارد دلار بوده است. بر اساس این برآورد می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل افت ۱۲ درصدی رشد در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ اقتصاد ایران بیش از ۹۸ میلیارد دلار زیان (فقط به

به حد استاندارد توسعه به زمان و تلاش و کنترل مصرف نیاز داریم. مردم برای درک بهتر و لمس صعود رشد اقتصاد باید به بازار مواد غذایی توجه کنند. در اقتصاد ایران طی ۲۴ سال گذشته هرگز نرخ تورم در مواد غذایی کمتر از ۱۰ درصد نبوده، اما حالا این نرخ تک‌رقمی شده است.»

تا مردم خوشحال نباشند، خبری نیست

حسین راغفر اما ماجرای رشد ۴٫۶ درصدی اقتصاد کشور را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کند. او می‌گوید: «اقتصاد ایران آن‌قدر پتانسیل دارد که رشد ۴٫۶ درصدی برای آن اصلاً جای خوشحالی ندارد. از سوی دیگر ساختار اقتصاد ایران شکل خاص خود را دارد. در ساختار اقتصاد ما اگر دولت کاری انجام ندهد، خود اقتصاد می‌تواند در مسیر رشد قرار بگیرد. در سال‌های گذشته که اقتصاد از مسیر رشد منحرف شد، به این خاطر بود که دولت عملکرد بدی داشت. به جای این عملکرد اگر دولت نهم و دهم اصلاً کاری نمی‌کرد، رشد اقتصاد ایران به مراتب وضع بهتری داشت.»

این کارشناس اقتصادی هم‌چنین معتقد است که ارقام اعلام‌شده در اقتصاد ایران به دلیل ضعفی که در نظام آماری وجود دارد، زیاد قابل اطمینان نیست. او می‌گوید: «در ایران بر حسب نیازهای موجود اقتصاد آمار به لحاظ کمی تولید مطلوبی ندارد. ارقامی که به‌عنوان اطلاعات اقتصادی ارائه می‌شوند، از کیفیت لازم برخوردار نیستند. برای همین نمی‌توان گفت که آمار موجود بیان‌گر اوضاع اقتصادی کشور است. به همین خاطر ارائه تحلیل درست و واقعی در مورد روند حرکت اقتصادی کشور دشوار است. فارغ از همه این‌ها بهبود وضع اقتصادی زمانی است که مردم این تغییر شرایط یا ترمیم شاخص‌های اقتصادی را لمس کنند و نقش آن را به‌وضوح در اوضاع زندگی خود ببینند. در دولت‌های نهم و دهم مسئولان اجرایی مدام از بهبود وضع بی‌کاری، تورم، رکود و ... حرف می‌زدند، اما مردم به لحاظ اقتصادی به ستوه آمده بودند. در حال حاضر نیز مردم و فعالان مولد اقتصاد باید این تغییر شرایط را لمس کنند؛ آن وقت می‌توانیم برای رشد شاخص‌های اقتصادی خوشحال شویم.»

نشانه‌ای برای امید

به نظر می‌رسد باید این واقعیت را پذیرفت که اقتصاد ایران قبل از هر چیز از تغییر سیاست‌های اقتصاد در یک سال گذشته نیرو گرفته است و همین نیرو فضا را برای حرکت مثبت شاخص‌ها باز کرده است. تا پیش از این به مدت ۸ سال به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در تنگنای شعار و برنامه‌های هیجانی و پول‌محور گرفتار شده بود. این برنامه‌ها خاصیت مولد بودن را از اقتصاد کشور گرفته بودند. تغییر این سیاست‌ها به‌تنهایی به‌عنوان یک مولفه رشد در اقتصاد کشور ایفای نقش کرده‌اند. البته بدون شک کار کردن در فضایی که بسیاری از ساختارهای اقتصاد کشور به دلیل سیاست‌های معیوب اقتصادی آسیب دیده‌اند، می‌تواند بسیار دشوار باشد و از سرعت رشد و توسعه بکاهد. اما به‌رغم همه این گرفتاری‌ها باید باور کرد که دور در اقتصاد تغییر کرده است و همه چیز با رنگ روشن‌تری از امید همراه شده است. در همین فضا اقتصاد ایران توانسته است از رشد منفی ۶ درصد، خود را به رشد مثبت ۴٫۶ درصد برساند. این اتفاق کوچکی نیست. بدون شک آن‌قدر امیدوارکننده است که پس از این جهش سرمایه‌گذاران بتوانند با امید بیشتری در ظرف اقتصاد ایران حرکت کنند.

درصدی است. حالا در نظر بگیرید که این صنعت در دوره دولت یازدهم ۸۰ درصد رشد را تجربه کرده است. این تاثیر کمی در به وجود آمدن رشد اقتصادی ۴٫۶ درصدی نیست. در سایر بخش‌ها نیز رشد‌های بالا و دو رقمی را شاهد بودیم. این‌ها همه نشان می‌دهد که نباید از رشد اقتصادی اعلام‌شده تعجب کرد.»

او با اشاره به این‌که گروهی موقعیت اشتغال را دلیلی برای رد رشد ۴٫۶ درصدی اقتصاد می‌دانند، می‌گوید: «در دنیای امروز همه صاحب‌نظران اقتصادی می‌دانند که افزایش اشتغال مولفه‌ای است که به افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری وابسته است و نمی‌توان با هر حرکت و تغییری در شرایط اقتصاد فوری خواستار تغییر موقعیت اشتغال شد. البته میزان بی‌کاری کاهش داشته است. سه یا چهار سال پیش نرخ بی‌کاری ۱۳ درصد بود و اکنون به ۱۰ درصد کاهش یافته است. به‌رغم این موضوع رفع ملموس و چشم‌گیر بی‌کاری نیازمند زمان بیشتری است. در سال‌های گذشته بسیاری از توانایی‌های اقتصاد ایران از دست رفت و اشتغال نیز تنها با افزایش سرمایه و سرمایه‌گذاری به نقطه مطلوب می‌رسد. کمی باید صبر داشته باشیم. برای این‌که اقتصاد ایران را به جایی برسانیم که در سال ۸۴ قرار داشت، باید زیاد زحمت کشید و حتماً مسیر پرسنگلاخی را باید پشت سر بگذاریم. ما تا سال ۹۵ فقط شاید بتوانیم میزان ثروت خود را به سال ۹۰ نزدیک کنیم. برای توفیق در اقتصاد و رسیدن

جدول ۲۱: وضعیت رشد اقتصادی با نفت و بدون نفت (مركز آمار ایران)

سال	رشد اقتصادی با نفت	رشد اقتصادی بدون نفت
۷۱	۴٫۷۹	۵٫۶۹
۷۲	۴٫۹۴	۵٫۵۳
۷۳	۲٫۵۰	۴٫۲۸
۷۴	۱٫۸۶	۲٫۲۰
۷۵	۷٫۶۸	۸٫۶۴
۷۶	-۰٫۱۶	۰٫۶۵
۷۷	۴٫۳۰	۴٫۶۹
۷۸	۲۰٫۰۳	۳٫۱۳
۷۹	۷٫۴۳	۸٫۲۲
۸۰	۵٫۴۸	۶٫۴۶
۸۱	۸٫۷۵	۱۰٫۱۳
۸۲	۷٫۹۲	۷٫۱۷
۸۳	۶٫۹۶	۷٫۵۱
۸۴	۶٫۱۹	۶٫۵۱
۸۵	۷٫۳۲	۷٫۳۲
۸۶	۷٫۸۴	۷٫۹۶
۸۷	-۰٫۸۳	۱٫۲۳
۸۸	۳٫۱۶	۳٫۸۷
۸۹	۶٫۳۸	۷٫۱۲
۹۰	۳٫۲	۳٫۴
۹۱	-۵٫۴	-۳٫۱



تولید کاهش داد. این کاهش هزینه هم شامل حال کاهش هزینه‌های مادی و کاهش هزینه روانی برای تولید است. در اقتصاد ایران فقط کافی است که تولید کم‌کم مقرون به صرفه شود. در مقابل شرایط اقتصاد کشور به صورت ملموس مثبت می‌شود. این نکته را نباید فراموش کنیم که اقتصاد ایران روزهای ناخوشایندی را در سال‌های گذشته تجربه کرده است. دولت روحانی یک فاجعه اقتصادی را تحویل گرفت. تقریباً اقتصاد ایران شبیه به یک ویرانه بود. بازسازی این ویرانه حتماً زمان‌بر خواهد بود. تا همین جای کار هم باید از دولت یازدهم ممنون باشیم که پذیرفت دولت را بعد از آن همه ویرانی‌های اقتصادی تحویل بگیرد.»

کمی صبر کنیم

سعید لیلز، کارشناس اقتصادی، نیز در این باره معتقد است: «اقتصاد ایران از نیمه‌های سال ۹۲ در مسیر رشد قرار گرفت. درواقع از چند ماه پیش حوزه‌هایی نظیر نفت، پتروشیمی، خودرو، فولاد و صادرات و واردات در اقتصاد ایران نشان دادند که در مسیر تغییر و بهبود شرایط قرار گرفته‌اند و این تغییر نیز با سرعت مطلوبی صورت گرفته است. برای همین می‌شد حدس زد که اقتصاد ایران در سال ۹۳ با یک رشد مناسب مواجه می‌شود. در تولید ملی ایران فقط صنعت خودرو صاحب یک سهم دو



سایه رونق روی سر تالار شیشه‌ای

شاخص در مدار خوش بینی پرواز می کند

سحر قاسم‌نژاد



بود، سهام‌داران را به جبران زیانشان امیدوار کرد. حرفه‌ای‌های بازار می‌گویند بورس تهران در ماه‌های گذشته تبدیل به استخری شده بود با عمق بسیار کم، یعنی عملاً امکان شنا در آن وجود نداشت. اما در روزهای گذشته کمی این استخر عمیق‌تر شده و می‌توان در آن تحرکی داشت و به بهبود اوضاع امیدوار بود. در روزهای بعد از صعود شگفت‌انگیز دوشنبه ۲۸ مهرماه روند صعود با شدت و ضعف ادامه یافت، به‌طوری‌که بازده یک ماهه بازار به شش درصد رسید و این رقم برای بازاری که ماه‌ها بود خواب آشفته زیان می‌دید، هیجان‌انگیز به نظر می‌رسید. با این رشد و رونق دغدغه این روزهای بازار تداوم روند صعودی است، چون هنوز بیم آن می‌رود که رویای پاییزی به واقعیت نپیوندد. این ترس هم البته چندان بی‌مورد نیست. تجربه نشان داده که سهام‌داران به‌سرعت بر سر ذوق می‌آیند و به همان سرعت هم نگران و با عجله به صف‌های فروش پناه می‌برند. از سوی دیگر شمارش معکوس برای ضرب‌الاجل مذاکرات هسته‌ای آغاز شده و هنوز معلوم نیست پایان این راه، تفاهم طرفین است یا نه؟ ناگفته هم

و شش ماهه. حرفه‌ای‌های بازار هم می‌گفتند که بعید به نظر می‌رسد به این سادگی موج نزول از سر بازار بگذرد. اما در آخرین روزهای مهرماه یعنی در بیست‌و‌هشتمین روز از اولین ماه پاییزی سال ۹۳ ورق برگشت و شاخص بورس تهران بعد از مدت‌ها رشد سه رقمی شاخص را تجربه کرد و ظرف دو هفته توانست چند کانال را پشت سر بگذارد و از مرز ۷۶ هزار واحد عبور کند. اتفاقی که تا چند هفته قبل به رویا و خواب شباهت می‌برد. به‌هرحال آخرین دوشنبه مهرماه یکی از بهترین روزهای خدا برای بازار سهام تهران و اهالی آن دست‌کم در سال ۹۳ بود. البته این روند رو به رشد از یک هفته پیش‌تر مهمان بازار بود، اما گام نهایی برای خارج کردن بورس از فاز نزول در این روز برداشته شد. با این تحول اهالی و متولیان بازار سهام دوباره بر سر ذوق آمدند و بورس جان دوباره‌ای گرفت. متولیان بازار این رشد و رونق را نشانه بازگشت اعتماد به سهام‌داران و ناشی از گزارش‌های شش ماهه، امیدواری به مذاکرات هسته‌ای و البته تزریق نقدینگی جدید عنوان کردند. هرچند که این رقم نقدینگی چندان هم چشم‌گیر نبود و رقم رسمی ۴۰ میلیارد تومان اعلام شد. به‌هرحال دلیل این رونق هر چه که

بازار سهام تهران از زمستان سال پیش تا همین چند هفته قبل در حالت اغما بود و به هوش هم نمی‌آمد. برای بهبود شرایط هم هر تدبیری به کار بسته شد، یا اثر موقتی داشت یا کلاً به در بسته خورد؛ از انتشار اخبار خوش حمایتی گرفته تا بسیج حقوقی‌ها برای بازگرداندن رونق. به‌هرحال در تقریباً یک سالی که گذشت، بیشتر رشته‌های بازار در روزهای طلایی پنبه شد و اغلب سهام‌داران فقط ضرر روی ضرر می‌گذاشتند. یعنی نه آمدن بهار گرهِ از کار بورس باز کرد، نه از راه رسیدن فصل مجامع، نه وصول گزارش‌های سه ماهه

پیداست که این مولفه تا چه اندازه بر آینده اقتصاد و از جمله بازار سرمایه اثرگذار خواهد بود.

هیچ چیز قطعی نیست

محمد کفاش، کارشناس ارشد بازار سرمایه، امیدوار است که این روند تداوم داشته باشد، اما امیدواری‌های او با اما و اگرهایی هم همراه است. مدیرعامل شرکت کارگزاری بانک مسکن معتقد است: «بعد از هر صعود هیجان‌زده‌ای باید منتظر نزول هم بود، ضمن این‌که دلایل هیجان‌زده شدن بازار از جمله خبرهای خوش هسته‌ای و کاهش نرخ سود بانکی هنوز قطعی نشده‌اند.» او رشد ناگهانی بازار را متأثر از چند عامل می‌داند و می‌گوید: «زمزمه‌هایی درخصوص به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای به گوش می‌رسد. از سوی دیگر دولت اعلام کرده که نرخ سود بانکی را برای سپرده‌گذار و گیرنده تسهیلات کاهش خواهد داد و این به معنای حرکت احتمالی نقدینگی به سوی بازار سهام از یک سو و البته دریافت تسهیلات بیشتر و مناسب‌تر تولید از سوی دیگر خواهد شد.» به گفته کفاش همه این‌ها در حالی است که گزارش‌های شش ماهه هم به تدریج به دست بازار می‌رسد و تا به این‌جا بازار از این گزارش‌ها راضی است. با این وجود از نظر این فعال کهنه‌کار بازار سهام همه نشانه‌ها به معنای بازگشت رونق دست‌کم برای بلندمدت نیست، چون چند فرد حقیقی میزان محدودی نقدینگی به بازار آورده‌اند که در مجموع ۴۰ میلیارد تومان اعلام شده. اما این میزان چندان قابل توجه نیست و نمی‌توان آن را به مثابه بازگشت جریان نقدینگی به حساب آورد. احتیاط حقوقی‌ها و باقی ماندن آن‌ها در صف‌های فروش از دیگر علایم هشداردهنده به فعالان بازار است. کفاش می‌گوید: «حقیقی‌ها به سرعت هیجان‌زده می‌شوند و به همان سرعت هم پشیمان شده و به صف فروش می‌روند. اما حقوقی‌ها با توجه به این‌که باید به سهام‌دارانشان پاسخ‌گو باشند، احتیاط بیشتری به خرج می‌دهند. از سوی دیگر دلایلی که بازار به صورت هیجانی صعود کرد، هنوز قطعی به نظر نمی‌رسد. یعنی نه هنوز توافق هسته‌ای به سرانجام رسیده نه نرخ سود بانکی کاهش یافته. بنابراین سهام‌دار حقوقی نمی‌تواند براساس چند شنیده و خوش‌بینی ریسک زبان را بپذیرد و واکنشی هیجانی مانند حقیقی‌ها به اتفاقات نشان دهد.» درخصوص آینده بازار و احتمال تداوم روند صعودی شاخص هم پاسخ مدیرعامل کارگزاری بانک مسکن همراه با احتیاط است. به گفته او، بازار مدت‌هاست که از رکود و رخوت خسته شده بود و در انتظار یک محرک، ثانیه‌شماری می‌کرد. به همین دلیل به سرعت به اخبار خوش واکنش نشان داد، اما برخی واقعیت‌ها هم وجود دارد. از جمله این‌که بعد از مدت کوتاهی صعود، سهام‌دارانی که زیان دیده بودند، به مرحله سرپسری یا حتی سوددهی می‌رسند و به صرافت

فروش برای خروج از بازار یا تغییر سبد سهام می‌افتند و این یعنی بازگشت صف‌های فروش. از سوی دیگر همیشه صعودهای ناگهانی و شدید باعث نگرانی است، چون قطعا به دنبال خود موج نزول را به همراه می‌آورد. کفاش با ابراز نگرانی از احتمال وجود تبانی در نزول‌ها و صعودهای ناگهانی تاکید می‌کند: «سهامی که در روز صعود ناگهانی شاخص به قیمت بالا فروش رفت، روزهای قبل هم ارزنده بود هم ارزان، اما طرفداری نداشت. کار هم به جایی رسیده بود که سهام‌داران حقیقی بعد از این‌که سهام خوب تمام شد، هر سهمی را اعم از خوب و بد می‌خریدند. ادامه روند صعود با ابهام مواجه است، کما این‌که در ساعت‌های پایانی معاملات روز صعود سه رقمی بعضی از صف‌های خرید برای بعضی از سهام تبدیل به صف فروش شد.» او البته کماکان امیدوار است که خبرهای خوش‌رنگ واقعیت بگیرد، تا بلکه زیان بسیاری از سهام‌داران حقیقی که در ماه‌های گذشته متحمل شده‌اند، جبران شود.

رونق هر چه که بود، سهام‌داران را به جبران زیانشان امیدوار کرد. حرفه‌ای‌های بازار می‌گویند بورس تهران در ماه‌های گذشته تبدیل به استخری شده بود با عمق بسیار کم، یعنی عملا امکان شنا در آن وجود نداشت. اما در روزهای گذشته کمی این استخر عمیق‌تر شده و می‌توان در آن تحرکی داشت و به بهبود اوضاع امیدوار بود

حذف قوانین من‌درآوردی

ابراهیم نکو، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، درخصوص بازگشت رونق به بورس معتقد است: «بورس در گذشته تابع یک‌سری از قوانین من‌درآوردی بود که دولت قبل پایه‌گذار آن به حساب می‌آید.» به گفته او این قوانین که بر پایه سلاقی فردی اعمال می‌شد، منجر به فراز و نشیب در بازار شد که طی سال‌های گذشته و در دولت قبل شاهد آن بودیم. به عبارت دیگر رشد شاخص در سال‌های پایانی دولت دهم بیش از آن‌که یک نتیجه منطقی در پی داشته باشد، مولود سیاست‌های نادرست در زمینه رشد غیرمعقول شاخص بود. او می‌گوید: «دخالش اشخاص، اعمال سلاقی و پیروی نکردن از قواعد بورس که اصول مشخص و علمی دارد، زمینه‌ساز شروع رشد

غیرمنطقی شاخص شد. واقعیت این است که رشد شاخص نمی‌تواند دل‌خواه باشد و زمانی که این اتفاق رخ می‌دهد، باید گفت که هر فرازی یک فرود هم دارد، که درواقع بعد از در پی گرفتن یک رویه منطقی از سوی دولت یازدهم شاهد این فرود بودیم. اما امروز دولت منطقی‌تر و علمی‌تر درخصوص بورس حرکت می‌کند. این حرکت منطقی باعث شده تا شاهد رفتارهای هیجانی در بازار سرمایه نباشیم و فعالان این بازار به دور از نوسانات مقطعی بتوانند یک برنامه‌ریزی اصولی داشته باشند.» به گفته نکو در این شرایط که بازار سرمایه بعد از رشد بی‌رویه‌ای که در دولت قبل شاهد بودیم، با ثبات مواجه شده و رشد و افت آن دیگر تابع سلاقی شخصی نیست، و در این شرایط که دولت در تلاش برای به نتیجه رساندن مذاکرات ۵+۱ است، مسلمان پیشرفت‌های سیاسی تاثیر مثبت روی شاخص خواهد داشت و می‌توان گفت ثبات سیاسی نیز در کنار عوامل یادشده در ثبات بازار سرمایه موثر است.

همه خوش‌بین هستند

علیرضا عسگری مارانی، مدیرعامل سرمایه‌گذاری ملی هم امیدواری به مذاکرات هسته‌ای را قوی‌ترین عامل برای رشد شاخص و رونق این روزهای بازار می‌داند و معتقد است: «عامه سرمایه‌گذاران نسبت به آینده مذاکرات سیاسی خوش‌بین هستند. گروه بانکی هم به دلیل اعلام معاون اول رئیس‌جمهور مبنی بر الزام برای کاهش سپرده قانونی و نرخ سود متناسب با تورم در وضعیت سبز قرار گرفته و این انتظار در گروه بانکی وجود دارد که با این دو اقدام سودآوری‌شان افزایش یابد.» به گفته او گروه خودرو هم به دلیل گردش عملیات بالا و دارا بودن حداقل پنج درصد از تولید ناخالص ملی پتانسیل‌های بالایی برای سودآوری دارد. مارانی می‌افزاید: «ایران خودرو به‌راحتی می‌تواند در سال جاری ۲۰ هزار میلیارد تومان و سایپا هم بین ۱۲ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان فروش داشته باشد که در صورت محاسبه چیزی حدود پنج درصد از ناخالص ملی را به همراه سایر گروه‌های خودرویی به خود اختصاص می‌دهند.» مارانی با اشاره به دلایل ورود جریان نقدینگی به بازار هم تاکید می‌کند: «اگر در برخی صنایع از جمله سیمان و پتروشیمی نقدینگی جدید وارد شده، به دلیل کاهش قیمت سهام‌وارزندگی آن‌هاست. به‌عنوان مثال مپنا که ۱۵۰۰ تومان بود، به حدود ۷۰۰ تا ۷۵۰ تومان هم رسید. برخی سهام‌شرکت‌ها آن‌قدر سنگین کاهش قیمت داشتند که عرضه‌کننده هم برای آن وجود نداشت.» این کارشناس بازار سرمایه معتقد است بسیاری از فعالان حقیقی و حقوقی بازار در شرایط فعلی ماندگاری و پایداری بیشتری در سهام دارند. او به سهام‌داران توصیه می‌کند هم‌چنان به دنبال سهامی باشند که پیش‌بینی سود مناسبی در صورت‌های مالی خود دارند و دست‌کم سود منطقی عایدشان کند.

بازخوانی جذابیت‌های بازار سرمایه برای بر عهده گرفتن تامین مالی

بورس می‌تواند اقتصاد را مشارکتی کند

سهیل قاسم‌نژاد

باری از روی دوش توسعه و تحرک صنعتی کشور بردارد، نه این‌که فقط و صرفاً یک نوع دلالتی کاذب برای افزایش سود باشد. در این شرایط بانک‌ها به غول‌هایی تبدیل می‌شوند که قدرت رقابت بی‌همتایی دارند، چون حمایت‌های بی‌همتایی نیز از آن‌ها می‌شود.

بورس به خاطر ساختاری که دارد، هرگز نمی‌تواند در اقتصاد زورگویی کند، چون پتانسیلی کاملاً مولد دارد. برنامه‌ریزان دولتی باید زمان را هدر ندهند و هر چه زودتر وظیفه تامین مالی را به بورس واگذار کنند.»

بورس می‌تواند

عباس موسویان، دبیر کمیته فقهی بورس اوراق بهادار و عضو شورای فقهی بانک مرکزی، نیز معتقد است که این امر میسر است، اما با فرض تحقق شروط آن، او می‌گوید: «وضع فعلی اقتصاد ایران از این قرار است که گروه بزرگی از مردم بخش

در چند سال گذشته سیاست‌های اقتصادی باعث زمین‌گیر شدن تولید شده‌اند، بانک‌ها نیز ترجیح می‌دهند تا سرمایه خود را به نرمی و نازکی از کنار تولید عبور دهند. شاید همین مسئله به‌طور جدی وجود دارد که دولتی‌ها بیش از هر زمان دیگری از ارتقای جایگاه بورس در اقتصاد ایران سخن می‌گویند. این رویکرد در بسته خروج از رکود دولت کنونی نیز وجود دارد. براساس سیاست‌های جدید دولت، قرار شده وظیفه تامین مالی بنگاه‌ها بین بازار سرمایه و بانک‌ها تقسیم شود. از این تقسیم‌بندی سهم بازار سرمایه شرکت‌های بزرگ و متوسط است و سهم بانک‌ها متقاضیان خرد دریافت تسهیلات، تا بلکه دست آن‌ها هم به منابع مالی برسد. در این میان از یک سو بازار سرمایه موظف است زمینه را برای این تحول بزرگ فراهم آورد. در سوی دیگر هم بانک‌ها باید اندوخته‌های خود در صنعت بنگاهداری و سهام‌داری را تبدیل به پول نقد کنند تا آورده بیشتری برای این مسئولیت جدید در اختیار داشته باشند. هر چند آن‌ها برای این اقدام سه سال از دولت مهلت گرفته‌اند. این همه بدان معناست که دولت تصمیم گرفته در کنار تغییر مسیر بانک‌ها از بنگاهداری به سوی وظیفه اصلی‌اش یعنی تسهیلات‌دهی، نظام تأمین مالی را هم تغییر دهد، چون اعتقاد بر این است که حجم بزرگی از نقدینگی در اختیار مردمی است که توان انجام فعالیت اقتصادی را ندارند. آن هم در شرایطی که تولید و صنعت تشنه این نقدینگی است. بنابراین باید راه برای حرکت این نقدینگی در جهت مطلوب فراهم شود. کارشناسان بر این باورند که دولتی‌ها کمی تا حد زیادی دیر به این فکر افتادند و اکنون نمی‌توان با خیالی آسوده مطمئن بود که بازار سرمایه باوجود پتانسیلی که دارد، بتواند به موقع به داد اقتصاد ایران برسد.

بورس هرگز نمی‌تواند زورگو باشد

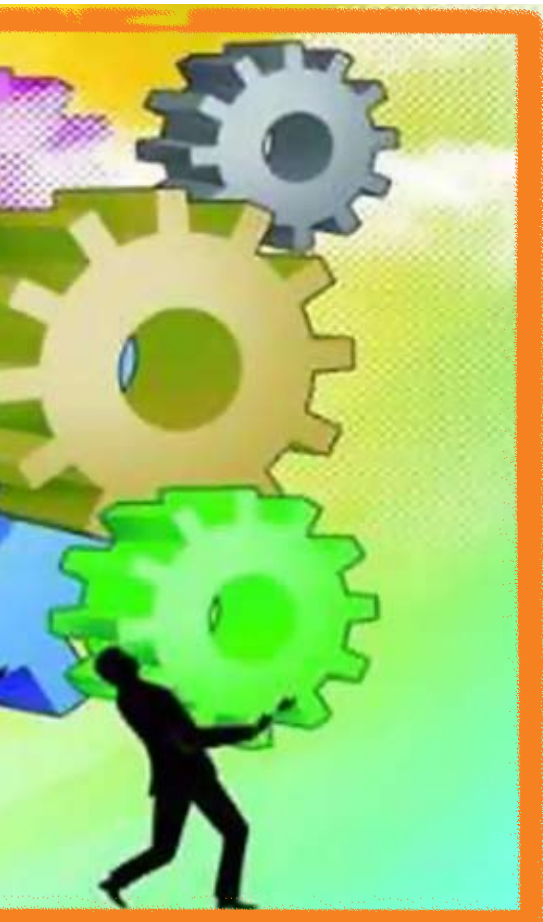
رضا اکبری، فعال بازار سرمایه و کارشناس ارشد اقتصاد، می‌گوید: «جای خوشحالی است که دولت می‌خواهد بازار سرمایه را آن‌طور که شایسته عقلانیت موجود در ساختار این بازار است، به سمت فعالیت‌های جدی بکشد و نقش‌هایی که می‌توانند برای بانک‌ها در اقتصاد ایران غیرواقعی باشند، به بورس واگذار کند.

واقعیت این است که نظام بانکی ایران طی چندین دهه در بساط تسهیلات تکلیفی، بازی‌های نرخ سود با کفش رانت، بنگاهداری، فساد مدیران اجرایی مخصوصاً در چند سال گذشته بیشتر از آن که بخواهند کارکرد واقعی و مولد اقتصاد داشته باشند، در بسیاری از مواقع در جلد دلالتی فرو می‌روند که چنین چیزی اصلاً نمی‌تواند باری از روی دوش تولید و شرکت‌های بزرگ بورسی بردارد.

من معتقدم بانک‌ها یک بنگاه اقتصادی هستند و اشکالی ندارد اگر بنگاهداری کنند، منتها این بنگاهداری باید بتواند

بازار سرمایه حالا دیگر برای فعالان اقتصادی و شاید بتوان گفت همه شهروندان، نامی ناشناس نیست. اما باوجود این موضوع به نظر می‌رسد هنوز جایگاه مناسب خود را در اقتصاد ایران پیدا نکرده است. این مسئله بدون شک به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در چند سال گذشته مربوط می‌شود. در همه کشورهای توسعه‌یافته و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بورس‌ها بهترین مکان برای به چرخش در آوردن سرمایه‌ها و همچنین تامین منابع مالی برای فعالیت‌های مولد محسوب می‌شوند. اما در اقتصاد ایران باوجود این‌که بورس تهران از سال ۱۳۴۶ کلید خورده است، تا امروز بورسی‌ها همواره در تلاش بوده‌اند تا در زمینه تامین مالی رقابتی برای بانک‌ها باشند. این مسئله در حال حاضر که بنگاهداری بانک‌ها تبدیل به یک معضل شده است نیز بیشتر از هر وقت دیگری به چشم می‌آید که جای بورس در تامین مالی برای گسترش فعالیت‌های مولد در اقتصاد ایران بسیار خالی است. بدون شک این مسئله به روند برخی سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی طی دوره‌های مختلف باز می‌گردد که امروز ریسک حضور در بازار سرمایه را افزایش داده است. در همین چند هفته پیش به محض آن‌که خبر رسید مذاکرات هسته‌ای باز هم بدون نتیجه پایان یافته است، سهام‌داران حقیقی با فروش سهام خود بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال پول را از بورس تهران خارج کردند. شاید تا حد زیادی این واکنش‌ها در مدار اقتصاد طبیعی باشد، اما نکته این‌جاست که فرار سرمایه از بورس همواره در اقتصاد ایران دایره دلال‌بازی‌ها و سفته‌بازی‌های بانکی را افزایش داده و هیچ کمکی به رشد اقتصادی فعالیت‌های مولد نکرده است. به نظر می‌رسد حالا دیگر زمان آن رسیده است تا برنامه‌ریزان اقتصادی بورس را به محل امن سرمایه‌ها تبدیل کنند. به گونه‌ای که وقتی قرار است با یک اتفاق ناخوشایند سرمایه‌ها فراری شوند، به این نتیجه برسند که عقلانیت اقتصادی تا امروز بازار سرمایه را بهترین پناهگاه برای آن‌ها معرفی کرده است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز این ادعا را ثابت می‌کند.

رسانه‌های مختلف چندی پیش به نقل از علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، گزارش کردند که در سال گذشته تنها ۲۷ هزار میلیارد تومان از طریق بازار سرمایه به بخش تولید تزریق شده که این رقم در برابر سهم ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی بانک‌ها ناچیز به نظر می‌رسد. این درحالی است که دولت در این بخش با دو مشکل اساسی مواجه است. اول تغییر مسیر بانک‌ها از تسهیلات‌دهی به بنگاهداری و دوم کافی نبودن آورده نقدی بانک‌ها در مقابل سیل درخواست برای دریافت تسهیلات. یعنی داشته‌های نقدی بانک‌ها کفاف نیاز تولید و صنعت برای ادامه بقا را نمی‌دهد. البته باید به این نکته توجه کرد که بنگاهداری به بانک‌ها آموخته است که سرمایه خود را در فعالیت‌هایی با برگشتی سود بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. به همین دلیل چون



بزرگی از نقدینگی سرگردان را در اختیار دارند، اما توان انجام فعالیت اقتصادی با آن را ندارند. در سوی دیگر تولید و صنعت نیازمند دریافت اعتبار و تسهیلات و تامین مالی است. اما با توجه به پتانسیل های بانک ها و قدرت تسهیلات دهی آن ها، قادر به تامین نیازشان نیستند. در چنین شرایطی ضروری است تا ابزارهایی تعریف شود که پل ارتباطی باشند، برای حرکت نقدینگی به سوی بخش تولید، یعنی انتقال سرمایه راکد و شبه راکد به سوی کارآفرینان. پل ارتباطی مورد نظر دولت در این خصوص هم بازار سرمایه و ابزارهای تامین مالی است که در آن تعریف شده است.»

جذابیت های تامین مالی در بورس

دبیر کمیته فقهی بورس تهران هم چنین با اشاره به پتانسیل های بازار سرمایه برای تحقق اهداف دولت در بسته خروج از رکود به شهروند نیز می گوید: «ابزارهای موجود در بازار سرمایه از تنوع لازم برخوردارند و سود آن ها متناسب با پذیرش ریسک، متفاوت و قابل تغییر است.» او درخصوص میزان جذابیت ابزارهای تامین مالی بازار سرمایه در مقابل اوراق منتشر شده از سوی بانک ها هم تاکید کرد: «ظاهرا سود اوراق مشارکت در بازار سرمایه و بانک ها به طور مساوی ۲۲ درصد است و البته خرید این اوراق در بانک ها ساده تر هم صورت می گیرد. اما خریداران باید بدانند قیمت اصل این اوراق در بازار سرمایه در حال نوسان است و ممکن است ارزش یک برگ اوراق یک میلیون تومانی به کمتر از این رقم به فروش برسد. بنابراین مشتریان اوراق مشارکت در بازار سرمایه به جز سود برگه ها می توانند از محل نوسان قیمت اوراق هم سود کسب کنند.»

موسویان در ادامه با اشاره به توان بازار سرمایه در جذب نقدینگی سرگردان به سوی ابزارهای تامین مالی با توجه به

این که خود از کمبود نقدینگی رنج می برد، می گوید: «قرار نیست برای خرید این ابزار از مجموع نقدینگی های موجود در بازار استفاده شود. به عبارت دیگر تجهیز منابع برای ابزارهای تامین مالی از این محل صورت نخواهد گرفت، بلکه باید نقدینگی های راکد موجود در کشور که در دست مردم قرار دارد، تحریک شده و به سوی بازار سرمایه حرکت کند و صرف خرید ابزارهای تامین مالی شود.»

سلیقه مردم را در نظر بگیرید

به گفته او، میزان موفقیت این برنامه هم البته بستگی تام و تمام به جذابیت های اوراق از نظر ریسک و

مهم ترین هدف بازار سرمایه

این است که با اجرای فرایند

سالم سازی و شفافیت،

پس انداز کنندگانی را که دارند

منابع مالی هستند و هدف کسب

سود و بازده معقول دارند، به

اشخاص حقوقی و واحدهای

اقتصادی که برای توسعه

فعالیت های خود نیاز به منابع

مالی دارند، پیوند دهد

بازدهی دارد. ضمن این که شرایط باید متناسب با سلیقه مردم در وام دهی طراحی شود. موسویان تاکید می کند: «ناشناخته بودن ابزارهای تامین مالی بازار سرمایه از جمله عواملی است که مانع از موفقیت آن ها شده، بنابراین اگر دولت بنا دارد نقش بازار سرمایه در تامین مالی را افزایش دهد، باید بستر فرهنگی لازم را فراهم آورد و صاحبان نقدینگی را با این فرصت جدید سرمایه گذاری آشنا کنند.»

موسویان درخصوص تنوع ابزارهای تامین مالی بازار سرمایه و برنامه های این بازار برای متنوع شدن و پیرین خود هم اضافه می کند: «درحال حاضر به جز سهام شرکت های صاحب نماد که در تالار بورس معامله می شود، اوراق مشارکت، اوراق صکوک اجاره و اوراق مرابحه درحال فعالیت در بازار سرمایه است. از سوی دیگر اوراق سلف موازی که برای نفت و فرآورده های نفتی طراحی شده بود، متاسفانه به دلیل اختلاف نظر بانک مرکزی و وزارت نفت به سرانجام نرسید. اما همین اوراق درحال حاضر در بخش برق و سنگ آهن با استقبال مواجه شده است.

به جز آن چه گفته شد، صندوق زمین و ساختمان به بازار معرفی شده و امید می رود که فعالیت آن به زودی رونق بیشتری گیرد و فعال تر شود. با این وجود هنوز ابزارهای مالی وجود دارند که تعریف شده اند و کمیته فقهی بورس هم آن ها را تایید کرده، اما مورد استفاده قرار نگرفته اند. از جمله اوراق جعاله، مضاربه و اوراق استثنا که برای احداث پروژه ها مورد استفاده قرار می گیرد. اوراق مزارعه و مساقات برای فعالیت های کشاورزی هم از جمله ابزارهایی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد.»

فصل شکوفایی بورس رسیده است

هر چند که احیای شرایط حضور در بازار سرمایه و هم چنین احیای نقش بازار سرمایه در کلیت اقتصاد می تواند بسیاری از گره های توسعه کشور را باز کند، اما اگر این اتفاق رخ دهد، ما حتی می توانیم فراتر از مرزهای اقتصاد ملی خود از پتانسیل و خاصیت های بورس استفاده کنیم. مهم ترین هدف بازار سرمایه این است که با اجرای فرایند سالم سازی و شفافیت، پس انداز کنندگانی را که دارند منابع مالی هستند و هدف کسب سود و بازده معقول دارند، به اشخاص حقوقی و واحدهای اقتصادی که برای توسعه فعالیت های خود نیاز به منابع مالی دارند، پیوند دهد. چنین چیزی مکانیسم مشارکت را در اقتصاد افزایش می دهد و مسیر مردمی شدن اقتصاد را هموار می سازد. اگر این اتفاق رخ دهد، بورس حتی می تواند بهترین سفیر برای برقراری ارتباط میان حلقه فعالیت های مولد کشور با سایر کشورها باشد. چیزی که کشورهای توسعه یافته نیز آن را تجربه کرده اند. برای همین جریان برنامه ریزی در اقتصاد ایران باید به سمتی برود که هر چه زودتر مسیر مردم با اطمینان بیشتری به سمت تالار حافظ باز شود. در غیر این صورت باز هم اقتصاد حرکت در دور باطل را تجربه خواهد کرد. در دنیای امروز هیچ شکی باقی نمانده است که هر اقتصادی با تکیه بر فعالیت های مولد می تواند مسیر توسعه را برای خود هموار سازد. ما هر چقدر جریان اجرا شدن این تجربه را دیرتر فراهم سازیم، بدون شک دیرتر سوار بر کاروان توسعه می شویم که در دنیای امروز این مسئله هیچ معنایی ندارد جز سقوط تدریجی برای شاخص های اقتصادی. تا امروز بنا بر هر دلیلی بانک ها نشان داده اند که نمی توانند آن طور که باید باری از روی دوش تولید بردارند. به همین خاطر باید این عارضه را با سرعت ترمیم کرد و بورس را به جعبه تقسیم مولد اقتصاد کشور تبدیل ساخت. اما آیا این اتفاق زمانی رخ می دهد که نگوییم دیر شده است؟



برای سه ماه دوم سال ۹۳

فهرست ۵۰ شرکت فعال تر بورس اعلام شد

نام شرکت سرمایه گذاری خوارزمی - با نماد «خارزم» - در ردیف سی و ششم این فهرست دیده می شود

گذشته نشان می دهد نماد پارسان از جایگاه دوم در سه ماه اول به جایگاه هشتم در سه ماهه جدید منتقل شده و نماد تاپیکو جای آن را گرفته است. مخابرات نیز جایگاه پنجمی خود را به همراه اول داد و خود به رتبه هفتم نقل مکان کرد. این در حالی است که سرمایه گذاری غدیر از رتبه هفتم به جایگاه ششم رسیده است. در این بین نمادهای وبملت، وتجارت، وبانک، غمارگ، پاکشو و رتاپ از فهرست سه ماه اول سال خارج شده اند و کرماش، کنور، فاراک، ونیکی، وتوسم و فاسمین به فهرست جدید اضافه شده اند.

بر اساس این گزارش، شناسایی شرکت های برتر در بورس اوراق بهادار تهران بر پایه ترکیبی از قدرت نقدشوندگی سهام، میزان تاثیرگذاری شرکت ها بر بازار و در چهارچوب معیارهای سه گانه انجام می شود. میزان دادوستد سهام در تالار معاملات (تعداد و ارزش سهام دادوستد شده)، تناوب دادوستد سهام در تالار معاملات (تعداد روزهای دادوستد شده و دفعات دادوستد شده) و معیار تاثیرگذاری شرکت بر بازار (میانگین تعداد سهام منتشرشده و میانگین ارزش جاری سهام شرکت در دوره بررسی) سه معیار بورس تهران برای تعیین شرکت های فعال تر است. مقایسه فهرست جدید با شرکت های عضو این شاخص در سه ماه

فهرست ۵۰ شرکت فعال تر بورس اوراق بهادار تهران برای دوره سه ماه دوم سال ۹۳، اعلام شد. نام شرکت سرمایه گذاری خوارزمی - با نماد «خارزم» - در ردیف سی و ششم این فهرست دیده می شود. شاخص شرکت های فعال تر بورس، در بورس های معتبر جهانی از جهات مختلف وضعیت سهام مهم بازار را نشان می دهد. شناسایی شرکت های ممتاز یا دارای موقعیت برتر را اغلب بر پایه معیارهای قدرت نقدشوندگی سهام، میزان تاثیرگذاری شرکت بر بازار و برتری نسبت های مالی بررسی می کنند. این صورت است که بر مبنای ارزش جاری بازار سهام، به طور فصلی (سه ماهه) شرکت هایی انتخاب می شوند که بیشترین درصد ارزش بازار را دارا هستند. این شرکت ها شاخص مربوط به خود را دارند. در پایان فصل ارزش شرکت ها بازنگری می شود و در صورت عدم احراز شاخص های حضور، بعضی از شرکت ها از گردونه ۵۰ شرکت فعال تر خارج و شرکت های دیگر جایگزین آن ها می شوند.

بر اساس این آمار، صنایع پتروشیمی خلیج فارس، سرمایه گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تامین (تاپیکو)، پالایش نفت بندرعباس، فولاد مبارکه اصفهان و شرکت ارتباطات سیار پنج شرکت فعال تر بورس اوراق بهادار در تابستان ۹۳ بوده اند. سرمایه گذاری غدیر، مخابرات ایران، گسترش نفت و گاز پارسیان، معدنی و صنعتی گل گهر، ملی صنایع مس ایران، بانک پاسارگاد، گروه مدیریت سرمایه گذاری امید، گروه مپنا، معدنی و صنعتی چادرملو و سرمایه گذاری صندوق بازنشتی در رتبه های ششم تا پانزدهم جدول فعال ترین شرکت های بورس در سه ماه دوم امسال قرار دارند. در عین حال، رتبه های ۱۶ تا ۲۰ نیز برای فولاد خوزستان، بانک صادرات ایران، توسعه معادن و فلزات، پتروشیمی پردیس و بانک پارسیان به ثبت رسیده است.

فهرست ۵۰ شرکت فعال تر بورس اوراق بهادار تهران - سه ماه دوم ۱۳۹۳

ردیف	نماد	نام شرکت	نماد	ردیف	نماد	نام شرکت	نماد	ردیف	نماد	نام شرکت
۱	فارس ۱	صنایع پتروشیمی خلیج	۱۸,۹۴۳	۲۶	غسایا ۱	سایا	۱,۶۶۷	۲۶	غسایا ۱	سایا
۲	تاپیکو ۱	سرمایه گذاری نفت و گاز و پتروشیمی	۸,۳۴۳	۲۷	شاراک ۱	پتروشیمی شازند	۱,۴۹۹	۲۷	شاراک ۱	پتروشیمی شازند
۳	شبندر ۱	پالایش نفت بندرعباس	۷,۱۴۵	۲۸	راتفور ۱	خدمات انفورماتیک	۱,۴۸۸	۲۸	راتفور ۱	خدمات انفورماتیک
۴	فولاد ۱	فولاد مبارکه اصفهان	۶,۸۰۹	۲۹	ولون ۱	بانک اقتصاد نوین	۱,۴۳۸	۲۹	ولون ۱	بانک اقتصاد نوین
۵	همراه ۱	شرکت ارتباطات سیار	۶,۵۶۳	۳۰	شن ۱	پتروشیمی فناوریان	۱,۳۹۴	۳۰	شن ۱	پتروشیمی فناوریان
۶	وغدیر ۱	سرمایه گذاری غدیر (هلدینگ)	۶,۴۸۳	۳۱	شبهرن ۱	نفت تهران	۱,۲۹۵	۳۱	شبهرن ۱	نفت تهران
۷	انخابر ۱	مخابرات ایران	۶,۲۱۲	۳۲	شپا ۱	نفت سپاهان	۱,۱۰۴	۳۲	شپا ۱	نفت سپاهان
۸	پارسان ۱	گسترش نفت و گاز	۶,۱۷۹	۳۳	تیبیکو ۱	سرمایه گذاری دارویی	۱,۱۰۱	۳۳	تیبیکو ۱	سرمایه گذاری دارویی
۹	کگل ۱	معدن و صنعتی گل گهر	۵,۰۱۴	۳۴	شیراز ۱	پتروشیمی شیراز	۱,۰۹۱	۳۴	شیراز ۱	پتروشیمی شیراز
۱۰	فملی ۱	ملی صنایع مس ایران	۴,۸۹۷	۳۵	وکار ۱	بانک کارآفرین	۱,۰۷۹	۳۵	وکار ۱	بانک کارآفرین
۱۱	ویاسار ۱	بانک پاسارگاد	۴,۲۰۰	۳۶	خارزم ۱	سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۰۷۰	۳۶	خارزم ۱	سرمایه گذاری خوارزمی
۱۲	وامید ۱	گروه مدیریت سرمایه	۳,۹۵۴	۳۷	شیران ۱	صنایع شیمیایی ایران	۹۱۱	۳۷	شیران ۱	صنایع شیمیایی ایران
۱۳	رمینا ۱	گروه مپنا (سهامی عام)	۳,۹۱۶	۳۸	وانصار ۱	بانک انصار	۸۱۳	۳۸	وانصار ۱	بانک انصار
۱۴	کچاد ۱	معدنی و صنعتی چادرملو	۳,۸۴۱	۳۹	سفارس ۱	سیمان فارس و خوزستان	۷۹۵	۳۹	سفارس ۱	سیمان فارس و خوزستان
۱۵	وسندوق ۱	سرمایه گذاری صندوق بازن	۳,۰۵۹	۴۰	وبهشتر ۱	توسعه صنایع	۷۳۱	۴۰	وبهشتر ۱	توسعه صنایع
۱۶	فغور ۱	فولاد خوزستان	۳,۰۱۷	۴۱	کرماش ۱	صنایع پتروشیمی	۷۰۵	۴۱	کرماش ۱	صنایع پتروشیمی
۱۷	ویصادر ۱	بانک صادرات ایران	۲,۷۹۸	۴۲	حفاری ۱	حفاری شمال	۷۰۱	۴۲	حفاری ۱	حفاری شمال
۱۸	ومعادن ۱	توسعه معادن و فلزات	۲,۵۵۸	۴۳	وسپنا ۱	بانک سپنا	۶۹۱	۴۳	وسپنا ۱	بانک سپنا
۱۹	شیدیس ۱	پتروشیمی پردیس	۲,۴۰۵	۴۴	کنور ۱	توسعه معدنی و صنعتی	۶۳۶	۴۴	کنور ۱	توسعه معدنی و صنعتی
۲۰	ویارس ۱	بانک پارسیان	۲,۴۰۲	۴۵	فاراک ۱	ماشین سازی اراک	۶۲۸	۴۵	فاراک ۱	ماشین سازی اراک
۲۱	خودرو ۱	ایران خودرو	۲,۳۹۹	۴۶	خیهمن ۱	گروه بهمن	۶۲۵	۴۶	خیهمن ۱	گروه بهمن
۲۲	حکشتی ۱	کشتری جمهوری	۲,۲۶۹	۴۷	وسایا ۱	سرمایه گذاری سایا	۵۷۴	۴۷	وسایا ۱	سرمایه گذاری سایا
۲۳	فخاس ۱	فولاد خراسان	۱,۹۶۹	۴۸	ونیکی ۱	سرمایه گذاری ملی ایران	۵۷۰	۴۸	ونیکی ۱	سرمایه گذاری ملی ایران
۲۴	شخارک ۱	پتروشیمی خارک	۱,۹۶۲	۴۹	وتوسم ۱	سرمایه گذاری توسعه ملی	۵۶۷	۴۹	وتوسم ۱	سرمایه گذاری توسعه ملی
۲۵	شبریز ۱	پالایش نفت تبریز	۱,۶۷۶	۵۰	فاسمین ۱	کالسمین	۵۵۶	۵۰	فاسمین ۱	کالسمین

سلامت همه آفاق در سلامتِ توست...

به مناسبت ماه نوامبر و کمپین‌های حمایت و اطلاع‌رسانی سرطان آقایان بر آن شدیم تا اطلاعاتی را با شما به اشتراک بگذاریم



همهٔ داستان، زیر سرغده‌ای است که نامش را پروستات گذاشته‌اند و فقط در مردان می‌توان پیدایش کرد. این که پروستات چقدر برای بدن آقایان اهمیت دارد، جای خود دارد؛ اما آن چه کمتر مردی به آن فکر می‌کند، این است که پروستات، پتانسیل بالایی برای سرطانی شدن دارد و اگر این گونه نبود، عنوان دومین سرطان شایع را بعد از سرطان ریه در آقایان به خود اختصاص نمی‌داد. این در حالی است که خیلی از مردان حتی نمی‌دانند پروستات چیست. پروستات غده‌ای در دستگاه تناسلی مردان است که زیر مثانه قرار گرفته و پیش‌آبراه را احاطه می‌کند. سن، قوی‌ترین عامل خطر برای سرطان پروستات است؛ اصولاً بعد از ۵۰ سالگی احتمال ابتلا افزایش می‌یابد.

موارد موثر بعدی در ابتلا به این بیماری سابقهٔ خانوادگی و عوامل ژنتیکی هستند. در مردانی که خویشاوندان درجه اول آن‌ها مبتلا به سرطان پروستات هستند، درصد ابتلا، بیشتر است.

است لازم نباشد و فقط بیمار تحت نظر قرار می‌گیرد. در مواردی که نیاز به درمان باشد، می‌توان از شیوه‌های درمانی به هورمون‌درمانی، جراحی عمومی، برداشتن غدهٔ پروستات، منجمد کردن بافت پروستات، شیمی‌درمانی و دارودرمانی اشاره کرد. در دارودرمانی داروهایی تجویز می‌شود که باعث حذف یا کاهش تولید آندروژن یا جلوگیری از آندروژن می‌شود. موثرترین موارد در پیش‌گیری از سرطان پروستات، پرهیز از برنامهٔ غذایی پرچرب و دارای گوشت قرمز زیاد، استفاده از رژیم‌های دارای میوه و سبزی، فعالیت بدنی منظم، مبارزه با چاقی و استفاده از منابع غذایی آنتی‌اکسیدان‌هایی مانند سلفوم، ویتامین E، لیکوپن (موجود در محصولات گوجه‌فرنگی، هندوانه و گریپ‌فروت قرمز) هستند.

لازم به ذکر است، کمبود عنصر روی و افزایش کلسترول، باعث بزرگ شدن پروستات می‌شود و بدانید روغن دانه‌های روغنی، سرشار از عنصر روی هستند.

چاقی و اضافه وزن هم زمینه‌های ابتلا به این بیماری را ایجاد می‌کند. بیماری‌های مقاربتی، مصرف روزانهٔ داروهای ضدالتهاب نیز میزان خطر ابتلا را بالا می‌برند. بسیاری از سرطان‌های پروستات به آهستگی رشد می‌کنند و ممکن است مشکلی ایجاد نکنند. توجه به مواردی از قبیل اشکال در جریان دفع ادرار، وجود خون در ادرار و منی، درد مکرر در قسمت پایینی کمر و مفصل ران می‌تواند در تشخیص زودهنگام بیماری کمک کند و امکان بهبودی کامل را افزایش دهد.

معاینهٔ پزشکی و بررسی آزمایشگاهی و اندازه‌گیری آنتی‌ژن اختصاصی پروستات (PSA)، از روش‌های تشخیص سرطان پروستات هستند. شیوهٔ درمان سرطان پروستات بسته به چندین عامل مختلف از جمله رشد آن، سلامت عمومی و همین‌طور فواید و عوارض جانبی نوع درمان است. در مردانی که در مراحل اولیهٔ این بیماری هستند، درمان فوری ممکن



ای ماه رسید ماه آذر

شرمین نادری

ماه آذر اسم های بزرگ زیادی دارد، از جلال آل احمد بگیر و تولد آذری اش تا سالگرد فوت علی حاتمی نویسنده و کارگردان توانای ایرانی که می شود گفت با داستان پردازی و هنرش تاریخ معاصر را برای ما زنده نگه داشته است. در این میان سالگرد کنفرانس سیاه تهران هم هست، سالگرد زلزله نیشابور، قصه ۱۶ آذر، روایت مرگ آیت الله مدرس و یا سالگردها و تولد های زیاد دیگری که نمی شود در یک صفحه تقویم دربارشان نوشت، اما از میان همه سالگردها یکی دو مورد را برگزیدیم که خیال می کردیم قصه شان گفتنی تر است.

سالگرد آذری برگزاری کنفرانس تهران

روزنامه اطلاعات ۱۳۲۲/۹/۱۳

«روزهای درخشان تاریخ ایران، کنفرانس پیشوایان سه کشور بزرگ دوست و متفق ما در تهران»

اهالی تهران کم و بیش آگاهند که در هفته گذشته، تهران پایتخت شاهنشاهی ایران شاهد بزرگترین روزهای تاریخی خود بوده و روزولت، رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا، مارشال استالین، نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و چرچیل، نخست وزیر امپراتوری انگلستان به اتفاق جمعی از سران لشگری و سیاسی کشورهای خود و مولوتف، کمیسر انگلستان در تهران حضور به هم رسانیده و کنفرانس بزرگی در تاریخ جنگ کنونی بی سابقه و در تاریخ گیتی کم نظیر در تهران تشکیل دادند که روز اول دسامبر با موفقیت پایان یافت...

به روزنامه اطلاعات آن روزها بابت تمجید و تکریم روسیه و انگلیس خرد نگیریم، چون روزی که استالین نخست وزیر شوروی یا همان روسیه، چرچیل نخست وزیر انگلستان و روزولت رئیس جمهور آمریکا در سفارت شوروی دور هم جمع شدند، ایران تقریباً کشور اشغال شده متفقین به شمار می آمد، مرزهای شمالی اش بمباران شده بود، آذربایجان

محل استقرار روس ها بود و جنوبش محل تبادل کالا و آمدن اسلحه و سرباز انگلیس. این سه کشور هم که بعدها هیچ وقت آن قدر با هم دوست نشده بودند، متحد علیه ارتش آلمان مثل سه دوست جان جانی، روی صندلی های لهستانی سفارت روسیه که در اصل خانه ای قجر از دوره مشروطیت بود، آرام گرفته بودند و مذاکره می کردند. می خواستند البته تکلیف جنگ را مشخص کنند؛ جنگی که مهمات آن از پول نفت مردم ایران تامین می شد و راه آهن و آذوقه ایرانی به دوش می رسید.

شاه ایران را هم البته کسی جدی نمی گرفت. شاه قبلی در همان جریان اشغال، تبعید شده بود و پسر جوانش بدون هیچ تجربه و توانایی جایش را گرفته بود. این وسط اما خاطرات شاه از همه ماجراها عجیب تر است. متخصصان خاطرات نویسی، بارها گفته اند که محمدرضا پهلوی خواست با آن سه نفر ملاقات کند، اما موفق نشد و بالاخره هم وقتی دلش را به دست آوردند که کنفرانستان را تمام کرده بودند و هر کدام با غنیمتی به شهر خودشان برمی گشتند؛ هفتادویک سال پیش در چنین روزهایی.

شدند؛ همان که به ایران می آمد آن هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد که آن چه از دست داده بود پس بگیرد.

«عده ای از دانشجویان در کلاسهای درس نشسته بودند و به پلیس چهره خشنی نشان می دادند و پلیس را مسخره می کردند و این باعث شده که پلیس به واکنش بيفتد. پلیس قصد زدن دانشجویان را نداشت ولی دانشجویان به پلیس حمله کردند و می خواستند اسلحه شان را بگیرند. پلیس در قالب دفاع این کار را کرده و قصدش زدن دانشجویان نبوده است»

تاریخ می گوید در آبان ماه ۱۳۳۲ نیکسون اعلام کرد که قصد دارد به ایران بیاید، آن هم درست بعد از کلی تجمعات اعتراضی دانشجویی به قضیه کودتا که همه بی سرانجام مانده بودند، بعد از دستگیری و بعد از اعدام دکتر فاطمی، همین هم شد که دانشجویان ساکت نماندند، توی کلاس های دانشگاه تهران سر و صدا شد و حتی بعضی اساتید همراه



شدند با جوان هایی که نمی خواستند توی مرداب بی کفایتی دولت تازه فرو بروند.

این وسط اما به گفته دکتر چمران دربارنی شنید تلفنی به یکی از افسران گارد دانشگاه دستور می رسد که «باید دانشجویی را شقه کرد و جلوی در بزرگ دانشگاه آویخت که عبرت همه شود و هنگام ورود نیکسون صداها خفه گردد و جنبه ای نچند...»

همین هم بود که اهالی دانشگاه تلاش کردند که دانشجویها را نجات دهند، تلاشی که بی نتیجه بود، سربازها رسیدند، جوان های بی سلاح را به تیر مسلسل بستند و بی محاکمه کشتند. خون سه جوان زمین های دانشگاه فنی را سرخ کرد و عذر خواهی فردا روز دولت و ارتش و پلیس نتیجه ای نداد و این روز عجیب لکه ننگی شد برای همه آن هایی که نمی دانند با اسلحه به جنگ دست های خالی رفتن جز ننگ نمی آورد توی تاریخ. به قول آن روزنامه قدیمی که در آن روزهای آذری از مرگ دانشجویان و عذر خواهی دولت می نوشت: «اگر تیرها هوایی شلیک شده، پس دانشجویان پر درآورده و خود را به گلوله زدند»

سالگرد آذری لغو امتیاز تنباکو

در آذر ۱۲۷۰ خورشیدی ظهیرالسلطان، پسر ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان، به بازرگان هایی که مخالف تفویض امتیاز تنباکو به غریب بودند، نامه تلخی نوشت:

«شما سزاوارید که احضار شوید و به کیفر گستاخی خود برسید. یعنی مثلاً پایتان به فلک بسته شود و حق این است که شما را گردن بزنند تا دیگر احدی قادر نباشد در امور دولتی بگوید چرا یا برای چه. ولی این دفعه به لحاظ احترامی که برای امام جمعه که حامل نامه است قائلیم، اغماض کردیم به این شرط که دست از چنین گستاخی ها و مخالفت با اوامر دولت بردارید. اعلیحضرت پادشاه صاحب اختیار اهالی ایران و اموال آنان است و بهتر از هر کسی می داند که مصلحت رعایا در چیست. شما ابدا حق چنین مخالفت هایی را ندارید، بدون گستاخی به شغل خودتان بپردازید و کاری به این کارها نداشته باشید...»

این نامه درست وقتی نوشته شد که حکم میرزای شیرازی درباب تحریم تنباکو مدت هاست بین مردم سینه به سینه می چرخید. همان حکمی که دادن امتیاز کشت تنباکو را به کمپانی رژی تقبیح می کرد؛ امتیازی که به قول قدیمی ها گنجی بود که به دیگران واگذار می شد.

«بسم الله الرحمن الرحیم، الیوم استعمال تنباکو و توتون بآی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است. حرره الاقل محمدحسن الحسینی»

درست بعد از اعلان این حکم هم بود که مردم به خیابان ریخته بودند و قلیان می شکستند و

اعلامیه بر در و دیوار شهرها می چسباندند و بالاخره کامران میرزا پسر شاه را به صرافت تطمیع و مصالحه انداختند، هرچند نامه ها و وعده های این شاهزاده هم به قولی میسر واقع نشد و محمدعلی خان معین نظام، فرمان تیراندازی به سمت معترضان صادر کرد و می گویند حتی در این تیراندازی ها عده ای کشته شدند.

و سرانجام شاه در پنجم جمادی الثانی ۱۳۰۹ یعنی ۲۷ آذر ۱۲۷۰ خورشیدی دست خطی به وزیرش امین السلطان نوشت و لغو کامل امتیاز تنباکو را اعلام کرد. گرچه باز هم ۵۵ روز گذشت تا علما حکم تحریم تنباکو را پس گرفتند و انیس الدوله حاضر شد جلوی شوهر قلیان بگذارد.

سالگرد آذری مرگ سه قطره خون:

آذر که می آید پاییز که می رسد به انتها، یاد جملات عجیب روزنامه های آذر ۱۳۳۲ می افتیم. هرچند به قول دکتر چمران که از نزدیک شاهد اتفاقات بود این سه قطره خون، این سه جوان احمد قندچی، آذر شریعت رضوی و مصطفی بزرگنیا فقط قربانی قدم نیکسون نایب رئیس جمهور آمریکا

به بهانه ۱۱ آذرماه، سالروز تولد جلال آل احمد

تو هنوز هم مدیر مدرسه ما هستی

صحبت از نویسنده‌ای است که ۴۵ سال از درگذشتش می‌گذرد، ولی هنوز هم درباره طرز فکرش، دیدگاهش و نویسندگی او صحبت می‌شود. همین چند جمله کوتاه کافی است تا بدانید با شخصیتی روبه‌رو هستیم که در ادبیات داستانی و به‌طور کل در ادبیات ما جایگاه ویژه‌ای دارد. اسمش برای همه آشناست؛ چه برای کسانی که در دوران او زندگی کرده‌اند و چه برای نوجوانان امروز. نویسنده‌ای که نه تنها بر نویسنده‌ها و شاعران هم‌دوره خودش، که بر جامعه و به‌ویژه جوانان آن زمان تأثیر زیادی گذاشت. کسی که صریح و بی‌پرده حرفش را می‌زد و عقایدش را در آثارش مطرح می‌کرد؛ جلال آل احمد. آذرماه بهانه خوبی است تا با این نویسنده بیشتر آشنا شوید.

از صفر تا صد

قبل از او، پدر و مادرش صاحب هفت دختر و یک پسر شده بودند. در یازدهم آذرماه ۱۳۰۲ در محله سید نصرالدین که از محله‌های قدیمی تهران است، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش، سیداحمد طالقانی که یک روحانی بود، پس از این‌که جلال دوره دبستان را تمام کرد، به او اجازه نداد در دبیرستان درس بخواند. همان‌طور که خودش می‌گوید: «دبستان را که تمام کردم، دیگر نگذاشت درس بخوانم که: «برو بازار کار کن» تا بعد ازم جانشینی بسازد.» ولی سرسخت بودن جلال و ایستادن روی حرف خودش، او را به سمت مدرسه دارالفنون کشاند. البته او حرف پدر را گوش کرد و به بازار رفت، ولی دور از چشم پدرش، در کلاس‌های شبانه هم ثبت‌نام کرد. به این ترتیب او روزها به ساعت‌سازی و سیم‌کشی برق و چرم‌فروشی و کارهای دیگر مشغول بود و شب‌ها هم درس می‌خواند. بعد از این‌که دوره دبیرستان را گذراند، پدرش او را به نجف فرستاد تا علوم دینی را یاد بگیرد. ولی تنها چند ماه در آن‌جا ماند و دوباره به ایران برگشت. در این زمان است که عقیده و طرز فکرش دست‌خوش تغییر می‌شود و به همین دلیل تا حدودی از سوی خانواده‌اش با واکنش‌های منفی روبه‌رو می‌شود.

او که جوانی حدوداً ۲۰ ساله بود و به نظر می‌رسد هنوز در طرز فکرش شک و تردید داشت، در سال ۱۳۲۳ عضو حزب توده شد. یک سال بعد اولین داستانش با نام «زیادت» در نشریه سخن منتشر شد که می‌توان گفت اولین قدم او به‌عنوان یک نویسنده بود. آل احمد که در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شده بود، در مقطع دکتری تحصیلاتش را ادامه داد، ولی بعد از مدتی از ادامه این کار صرف‌نظر کرد. در سال ۱۳۲۶ او و چند نفر دیگر که نسبت به رهبری حزب و راه و روش آن انتقاد می‌کردند، از حزب جدا شدند. خودش در این‌باره می‌گوید: «روزگاری بود و حزب توده‌ای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می‌نمود و ضد استعمار حرف می‌زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعوی‌های دیگر و چه شوری که انگیخته بود و ما جوان بودیم و عضو آن حزب بودیم و نمی‌دانستیم سر نخ دست کیست و جوانی‌مان را می‌فرسودیم...» در همین سال کتاب «از رنجی که می‌بریم» را منتشر می‌کند که مرتبط به دوران حضورش در حزب است.

در سال ۱۳۲۷ با سیمین دانشور که در آن زمان دانشجوی دانشکده ادبیات، داستان‌نویس و مترجم بود، آشنا شد و دو سال بعد با او ازدواج کرد. در این دوره آثار خارجی را که تقریباً به طرز فکر او نزدیک بودند ترجمه کرد؛

داستان‌هایی از آلبر کامو، آندره ژید، داستایفسکی و سارتر. او که همیشه در حرکت و تکاپو بود و مدام در حال نوشتن و فعالیت بود، بعد از کودتای ۲۸ مرداد کمی گوشه‌گیر شد. ولی بعد از مدتی دوباره کارش را از سر می‌گیرد و رمان «مدیر مدرسه» را می‌نویسد که به عقیده بسیاری از کارشناسان، بهترین و برجسته‌ترین اثر داستانی اوست.

داستان‌نویسی به سبک جلال

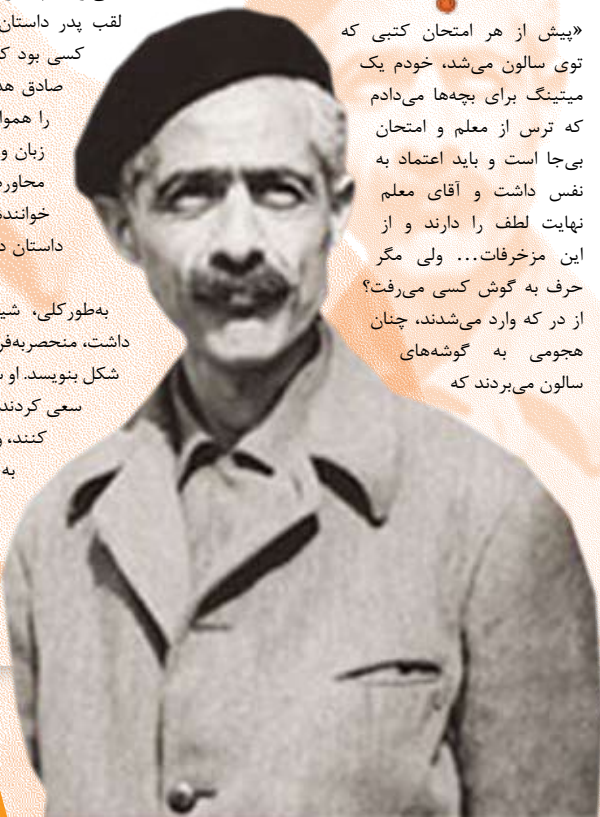
وقتی حرف از شیوه داستان‌نویسی او می‌شود، به چند کلمه برمی‌خوریم؛ تلگرافی، صمیمی، شتاب‌زده و فشرده. شتاب‌زده بودن نثر آل احمد یکی از آن مشخصه‌هایی است که نویسنده‌ها بر سر آن توافق دارند. مهدی غبرایی در این‌باره می‌گوید: «نثر او شتاب‌زده است؛ به‌طوری‌که گویی شخص آن‌قدر عجله دارد که می‌خواهد حرفش را بزند و برود!» به همین دلیل ویژگی «تلگرافی» را به آثار او نسبت می‌دهند. با این حال، داستان‌های او آن‌قدر گرم و صمیمی هستند که حس می‌کنید کسی روبه‌رویتان نشسته و با شما حرف می‌زند و قصه‌ای تعریف می‌کند. کافی است همان بخشی از داستان «گلدسته‌ها و فلک» را که در کتاب درس فارسی آمده، خوانده باشید، تا کاملاً متوجه این صمیمیت شوید. اگر جزو آن دسته از کسانی هستید که آن درس یادشان نیست یا با سبک و شیوه داستان‌نویسی آل احمد آشنایی ندارید، نگران نباشید! این‌جا بخش کوتاهی از رمان «مدیر مدرسه» را با هم می‌خوانیم:

«پیش از هر امتحان کتبی که توی سالون می‌شد، خودم یک میتینگ برای بچه‌ها می‌دادم که ترس از معلم و امتحان بی‌جا است و باید اعتماد به نفس داشت و آقای معلم نهایت لطف را دارند و از این مزخرفات... ولی مگر حرف به گوش کسی می‌رفت؟ از در که وارد می‌شدند، چنان هجومی به گوشه‌های سالون می‌بردند که

نگو! به جاهای دور از نظر. انگار پناهگاهی می‌جستند. و ترسان و لرزان، یک بار چنان بودند که احساس کردم اصلاً مثل این‌که از ترس لذت می‌برند. خودشان را به ترسیدن تشجیع می‌کردند؛ بسیار نادر بودند آن‌هایی که روی اولین صندلی می‌نشستند و کتاب‌هاشان را به دست خودشان به کناری می‌گذاشتند. اگر معلم هم نبود یا مدیر، به‌راحتی می‌توانستی حدس بزنی که کی‌ها با هم قرار و مداری دارند و کدام یکی پهلوی دست کدام یک خواهند نشست.»

اما موضوع جالب این است که در عین صمیمی بودن اثر او، نوعی پرخاش‌گری و یک نگاه انتقادی وجود دارد. او از جمله کسانی بود که عقیده داشت طرز فکر، عقیده و نظر نویسنده باید در اثرش حضور داشته باشد. درواقع او داستان‌نویسی را نوعی رسانه می‌دید که باید پیام خود را از طریق آن به مخاطب منتقل کرد. می‌توان گفت کسی که کارهای او را بخواند، با طرز فکر آل احمد آشنا می‌شود. او در آثارش هم عقیده و نظرش را درباره موضوعات مختلف بیان می‌کند و هم تجربه‌هایی را که خودش داشته وارد داستان می‌کند. نکته دوم تا حدودی شجاعت او را نشان می‌دهد و همین‌طور بی‌پرده و صریح بودنش را. اما یکی دیگر از کارهای تأثیرگذار او در داستان‌نویسی، نزدیک کردن زبان ادبی به زبان مردم بود. این موضوع به‌ویژه درباره کشور ما اهمیت زیادی دارد؛ به این علت که ما آن‌طور که صحبت می‌کنیم، نمی‌نویسیم و آن‌طور که می‌نویسیم، حرف نمی‌زنیم. محمدعلی جمالزاده، که لقب پدر داستان‌نویسی ایران را به او داده‌اند، اولین کسی بود که سعی کرد داستان را ساده بنویسد. صادق هدایت هم این شیوه را ادامه داد و راه را هموارتر کرد. جلال آل احمد با استفاده از زبان و لحن عموم مردم و به کار بردن زبان محاوره‌ای، موفق شد کاری کند تا مخاطب و خواننده یک اثر احساس نزدیکی بیشتری با داستان داشته باشد.

به‌طورکلی، شیوه‌ای که جلال در نوشتن داستان داشت، منحصر‌به‌فرد بود و تنها خودش می‌توانست به آن شکل بنویسد. او سبک خودش را ارائه کرد و افراد زیادی سعی کردند در داستان‌نویسی از این سبک پیروی کنند، ولی موفق نشدند. بسیاری عقیده دارند به دلیل ویژگی‌های کار آل احمد مانند نقد کردن و بیان عقیده‌اش در اثر، آوردن تجربیات شخصی در داستان و نثر تلگرافی‌اش، کسی نمی‌تواند اثر موفقی را به این شیوه ارائه کند.



باز باران با ترانه...

المیرا حصارکی

اولین باران پاییزی که می‌زند، همه خانم‌های خانه‌دار، به فکر جابه‌جا کردن وسایل قدیمی‌شان می‌افتند و یک خانه‌تکانی پاییزی می‌کنند. در همین خانه‌تکانی‌ها وسایل زیادی پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند به هر طریقی که نشده، یک راهی برای استفاده مجدد آن‌ها پیدا کنند. این خصیصه مشترک بین خانم‌های زیادی است که نمی‌توانند از وسایلی که دوست دارند، دل بکنند! در نهایت با هزار آه و افسوس، وقتی هیچ راهکاری برای استفاده مجدد از وسایل قدیمی و کهنه پیدا نمی‌کنند، آن‌ها را جلوی در می‌گذارند و تا چند ماه آه و ناله می‌کنند. این صفحه به تمام این خانم‌ها اختصاص دارد؛ مطلبی که پر است از پیشنهادهای هیجان‌انگیز برای به‌کارگیری از وسایلی که هیچ استفاده دیگری به جز قرار گرفتن جلوی در ندارند.

پاپیون‌های کاغذی



چند وقتی می‌شود که بستن دستمال گردن یا پاپیون‌های پارچه‌ای مد شده است. اما شاید نسبت به چیزی که تحویل می‌گیرید، مجبور شوید هزینه زیادی را صرف کنید. هیچ جای نگرانی وجود ندارد. مجبور نیستید هزینه زیادی را صرف کنید تا مطابق مد روز لباس بپوشید. به راحتی هر چه تمام‌تر و با استفاده از هر پارچه یا حتی کنفی می‌توانید یکی از پاپیون‌ها را برای خودتان درست کنید و مهر دست‌دوز خودتان را هم رویش بزنید و به همه فخر بفروشید که بدون کوچک‌ترین هزینه‌ای یکی از بهترین پاپیون‌های دنیا را برای خودتان درست کرده‌اید. تنها چیزی که لازم دارید، مقدار کوچکی پارچه است و کمی وقت و سلیقه. مطابق عکس‌ها جلو بروید و برای خودتان یک دستمال گردن پاپیونی درست کنید.



زیربشقابی‌های سنگی

دوست دارید روی میزتان زیربشقابی داشته باشید تا هر مهمانی آمد، از شما بپرسد که این زیربشقابی‌ها را از کجا خریده‌اید؟ به دنبال وسایل خاص می‌گردید و می‌خواهید همیشه تک باشید و بهترین‌ها را در اختیار داشته



باشید؟ خب اولین راه‌حل داشتن بودجه زیاد است. با در نظر گرفتن بودجه زیاد می‌توانید بهترین‌ها را در اختیار داشته باشید. اما هنر شما موقعی است که با استفاده از بودجه کم بهترین‌ها را در خانه‌تان داشته باشید! در همین تابستانی که گذشت، شاید به شمال یا جنوب کشور سفر کرده باشید و اگر

این‌طور باشد، می‌توانیم حدس بزنیم که تعدادی سنگ از لب دریا جمع کرده‌اید و با خودتان به تهران آورده‌اید. اگر هم نیاورده‌اید، جای هیچ نگرانی نیست. در مغازه‌های تنگ و تاریک به‌سادگی می‌توانید بسته سنگ‌های کوچک را با یک قیمت مناسب خریداری کنید. وسیله دیگری که احتیاج دارید، یک تکه موکت یا مقوای خیلی ضخیم است. سنگ‌ها را جلوی‌تان بگذارید و یک به یک شروع کنید آن‌ها را کنار هم بچسبانید. به‌سادگی هر چه تمام‌تر شما یک‌سری زیربشقابی خاص دارید و با افتخار می‌توانید به تمام مهمان‌هایتان بگویید که خودتان آن‌ها را درست کرده‌اید و به کدبانوگری خودتان افتخار کنید.

شمع‌های صدفی



یک پیشنهاد دریایی دیگر هم داریم. احتمالا در همین خانه‌تکانی پاییزی‌تان تعدادی صدف از سفرهای دریایی پیدا می‌کنید که یک دنیا با آن‌ها خاطره دارید و هر بار که آن‌ها را پیدا می‌کنید، یک جایی دور از دسترس دیگران آن‌ها را پنهان می‌کنید و با خاطره‌ای‌تان خوش هستید. خب می‌خواهیم بگوییم که دیگر احتیاجی به پنهان‌کاری ندارید و به راحتی می‌توانید از صدف‌های خاطره‌انگیزتان

دکورهای زیبایی درست کنید و خاطره‌ای‌تان را همیشه روشن نگه دارید. تنها چیزی که احتیاج دارید، پارافین شمع است و فتیله. پارافین را آب کنید، فتیله را داخل صدف قرار دهید و بگذارید پارافین خودش را بگیرد. بعد از یک ساعت شمع‌های خاطره‌انگیز شما آماده است و می‌توانید هر بار که شمع‌ها را روشن می‌کنید، از خاطرات سفر تعریف کنید و همیشه با همان خاطره‌ها خوش باشید.

اکران ماه محرم شروع شده است و شما می‌توانید به‌سادگی و با یک برنامه‌ریزی درست به دیدن فیلم‌های جدید روی پرده بروید. دو فیلم «مهمان داریم» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور و «بیگانه» به کارگردانی بهرام توکلی از اواسط آبان‌ماه اکران شده است و تمام آذر وقت دارید که به دیدن این دو فیلم بروید.

سینما

یک فیلم ساده و صمیمی

است و از طرف دیگر روی هم‌رفته فضای گرمی در ترسیم مناسبات خانوادگی دارد. از طرفی ورود ارواح شهدا به زندگی خانواده داستان، زیادی رو است و برای همین آن تعلیق‌گشایی پایانی بی‌مورد باقی مانده است و از جانب دیگر فضاسازی و صحنه‌آرایی محیط ماجرا، موقعیت‌هایی جذاب را در طول داستان به وجود می‌آورد. «آنتونیا شرکا، منتقد و روزنامه‌نگار سینمایی، نظر مثبتی روی فیلم دارد و می‌گوید: «به‌عنوان اثری از سینمای جنگ، فیلم خوش‌ساخت و محترمی است و طراحی صحنه و لباس بسیار مناسبی دارد. شکی نیست که فیلم عمده انرژی‌اش را از پرویز پرستویی «حاجی» همیشگی سینمای ما می‌گیرد،



فیلم «مهمان داریم» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور قرار است در دهه دوم محرم، بعد از اتمام عزاداری‌ها و در گروه سینمایی استقلال، جایگزین فیلم «آرایش غلیظ» به کارگردانی حمید نعمت‌اله شود. «مهمان داریم» فیلم آرام و بی‌هیجانی است، اما حوصله مخاطب را سر نمی‌برد. فیلمی که به‌خوبی می‌تواند مخاطب عام را تا انتهای داستان همراه خود کند. پرویز پرستویی همان پرویز پرستویی همیشگی است. پدری مهربان و آرام که بهترین‌ها را برای فرزندانش می‌خواهد. آهو خردمند مادر آرامی است که فداکاری‌های یک مادر و همسر را به‌خوبی به تصویر کشیده است. از سوی

البته همین‌طور از آهو خردمند در نقش همسر او. فیلم در پس روایت کند، تلخ و غم‌انگیزش نشاط و زندگی و شیطنتی زیرپوستی دارد. تقابل ویرانی جنگ و انفجار و تصاویر ذهنی یک معلول موزی با ویرانی ساختمان‌سازی‌های جدید شهری خوب از کار درآمده و همین‌طور اثر روانی مخربی که روی روح و روان آدم‌ها می‌گذارد. فیلم «مهمان داریم» فیلم متوسط رو به خوبی است که مخاطب را اذیت نمی‌کند، بعد از دیدن فیلم حس بدی به او دست نمی‌دهد و در یک کلام ساده می‌توان این‌طور گفت که فیلم ساده و سرگرم‌کننده‌ای است.

دیگر به‌روز شعبی نقش جانباز همیشه عصبانی و ناراحت را به بهترین شکل ممکن ایفا کرده است. سه فرزند دیگر، سهیلا گلستانی، مهدی و محمد صادقی هستند که از میانه‌های داستان به فیلم اضافه می‌شوند و همه خانواده دور هم در انتظار مهمان عزیزی هستند و خانه را برای آمدن او آماده می‌کنند. محمدمهدی عسگرپور یک عاشقانه آرام ساخته است و مخاطب را با همین قصه به‌سادگی همراه می‌کند. مهرزاد دانش، منتقد سینمایی، در مورد این فیلم گفته است: «مهمان داریم» فیلم متوسطی است. از یک طرف برخی از موقعیت‌های بیش از حد احساسات‌گرایانه‌اش آزاردهنده

تئاتر

دو نمایش جدید تمام آذرماه روی صحنه است و باید بروید، ببینید و از دیدن این دو نمایش لذت را به معنای واقعی کلمه تجربه کنید. دو نمایش «مردی برای تمام فصول» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا و «مرگ فروشنده» به کارگردانی نادر برهانی‌مزدو دو نمایشی هستند که باید بروید و آن را تماشا کنید. دو نمایش جدید تمام آذرماه روی صحنه است و باید بروید، ببینید و از دیدن این دو نمایش لذت را به معنای واقعی کلمه تجربه کنید. دو نمایش «مردی برای تمام فصول» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا و «مرگ فروشنده» به کارگردانی نادر برهانی‌مزدو دو نمایشی هستند که باید بروید و آن را تماشا کنید.

مردی برای تمام فصول

اردیبهشت امسال بود که بهمن فرمان‌آرا و رضا کیانیان در دیداری با مدیر مرکز هنرهای نمایشی خواستار اجرای نمایش «مردی برای تمام فصول» شدند. فرمان‌آرا زمانی درباره این نمایش گفته بود: «تا آن را اجرا نکنم، خیال مردن ندارم». حالا قرار است این کارگردان به همراه رضا کیانیان، که آرزویش بازی در این نمایش است، این نمایش را به روی صحنه ببرد؛ آرزویی که زود به حقیقت پیوست و قرار است از نیمه دوم آبان‌ماه هر روز در تالار وحدت به همراه سیامک صفری، سهیلا رضوی، فرزین صابونی، هدایت هاشمی، احمد ساعتچیان، امیررضا دلاوری، بهناز جعفری، علیرضا آرا، رضا مولایی، محمدرضا مالکی و بهمن فرمان‌آرا ساعت ۷،۳۰ روی صحنه بروند. نمایش «مردی برای تمام فصول» اثر مشهوری است که با ترجمه فرزانه طاهری و بازنویسی امید سهرابی اجرا می‌شود.



مرگ فروشنده

نمایش دیگری که تا سیام آذرماه فرصت تماشای آن را دارید، نمایش محبوب «مرگ فروشنده» به کارگردانی نادر برهانی‌مزدو است؛ نمایشی که در سال ۸۵

به‌عنوان پرمخاطب‌ترین نمایش سال انتخاب شد و جایزه انجمن منتقدان را در سال ۸۶ از آن خودش کرد. این اثر قصه خانوادگی است که در دوره رکود اقتصادی دهه ۴۰ آمریکا زندگی می‌کنند. متن این اثر که توسط آرتور میلر نوشته شده است، برای این اجرا به‌طور کامل بازنویسی و بر اساس دو ترجمه موجود و با تطبیق با متن اصلی دراماتورژی شده است. حمیدرضا آذرنگ، نسیم ادبی، رحیم نوروزی، داریوش موفق، مجتبی پیرزاده، محمودرضا رحیمی، حمیدرضا نعیمی، آسیه ضیایی، فاطمه عباسی، بهرام افشاری و هادی عامل از بازیگران این نمایش هستند و دیدن آن را به همه توصیه می‌کنیم.



خرید خوب برای دختر خانم‌های خوب

می‌خواهیم با هم برویم خرید، یک خرید خوب برای دختر خانم‌های خوب، یادتان باشد کادو خریدن برای یک دختر خانم از راحت‌ترین کارهای دنیاست

مارک‌های معروف مثل اسپریت و دیکینوای و سیکی و سواج که بالای ۱۰۰ هزار تومان هم می‌روند.

پوشاک

خرید پوشاک از گزینه‌های دیگر کمی سخت‌تر است. نه به این خاطر که تنوع نیست و شاید گرانتر باشد، نه! به این خاطر که کمی پای سلیقه وسط می‌آید. به اضافه سایز و اندازه لباس که باید حواستان به آن باشد. از روسری و شال گرفته تا مانتو و بلوز و پیراهن، همه و همه انتخاب‌های زیادی هستند که به راحتی می‌توانید از آنها استفاده کنید. به همه این‌ها کیف و کفش را هم اضافه کنید.

کتاب، فیلم و مقوله‌های فرهنگی

اگر شما حال و حوصله خرید ندارید، اگر دختری که می‌خواهید برایش خرید کنید، سلیقه خاصی دارد، اگر شما اهل کتاب هستید و می‌خواهید یک کار فرهنگی کنید و به هزار و یک دلیل دیگر، می‌توان سراغ خرید کتاب رفت. انتخابی خوب که راحت است و خرج زیادی هم ندارد. مطمئن باشید خیلی از دخترها از کتاب و فیلم و... استقبال می‌کنند. پس نگران نباشید و امتحان کنید. گوشه‌ی دوربین و... و باقی ماجرا

خب هنوز خیلی چیزها مانده‌اند که می‌توان برای دختران خرید. آن هم دخترهای امروزی که عاشق موبایل و ام‌پی‌تری پلیر و دوربین و وسیله‌های دیجیتال هستند. رفتن سراغ اینها به عهده شما و جیب‌تان است.

جی‌پی‌اس

خرید برای دخترها نیاز به جی‌پی‌اس ندارد! اگر شمال شهر باشی، تجریش و بازار قائم و مراکز خرید زیادی را که در ولیعصر و نیاوران هستند، می‌توانید انتخاب کنید. مرکز

خرید و بازارهای ونک گزینه‌های دیگر هستند. در شرق میدان هفت‌حوض، در غرب گلستان و میلاد نور، بوستان در میدان پونک، فلکه صادقیه و میدان ولیعصر، گیشا، جمهوری و... ده‌ها مرکز خرید معروف‌اند که به چرخیدن در آنها می‌توانید انتخاب مناسبی داشته باشید. به همه این‌ها باید بازار بزرگ تهران را هم اضافه کنید.



دستم نمی‌آید. خب خیلی از افرادی که بیشترشان هم اهل خرید نیستند، چنین حرفی می‌زنند. اما یادتان باشد که مهم انتخاب خوب است. اگر شناخت خوبی از کسی که می‌خواهید برایش کادو بخرید، دارید، کارتان راحت است. می‌روید سراغ آنچه که بیشتر دوست دارد و اهلش است و آن وقت با توجه به بودجه و نظر خودتان، هدیه مناسبی انتخاب می‌کنید. یادتان باشد، شما به عنوان خریدار سهم بزرگی دارید. پس این قدر به این که خوشش می‌آید یا نه، فکر نکنید! اگر هم آن شخص را خیلی نمی‌شناسید یا مشکل‌پسند است و سلیقه خاصی دارد، باز هم کارتان راحت است. همیشه گزینه‌های مناسبی وجود دارند که با خرید آنها مشکل‌تان حل می‌شود. باور کنید!

زیورآلات همیشه محبوب

کافی است با چند دختر صحبت کنید و متوجه شوید که چقدر با مادر و مادر بزرگ‌هایشان فرق کرده‌اند. موردی که خیلی برای آقایان خوشایند است، بیشتر دختران امروزی اهل طلا و جواهر نیستند. اگر ولشان کنید، می‌توانند ساعت‌ها در مغازه زیورآلات بچرخند و خرید کنند. پس یکی از بهترین گزینه‌ها خرید زیورآلات مثل گوشواره و انگشتر و دست‌بند و... است. نگران پولش هم نباشید، از دو، سه هزار تومان برای شما گزینه وجود دارد تا

«الف» تا «ی» خرید کردن برای دختر خانمها

روایتی وجود دارد که می‌گوید آدم‌های روی زمین دو دسته‌اند؛ آنها که عاشق خرید کردن هستند و آنها که از خرید کردن بدشان می‌آید. البته این وسط طیف‌های گسترده‌ای هم وجود دارد. مثل آنها که برای خودشان راحت خرید می‌کنند، ولی برای بقیه نه؛ آنها که تنها نمیتوانند خرید کنند و باید حتما کسی همراهشان باشد و آنها که از یک صبح تا شب می‌توانند به تنهایی بچرخند و بخرند یا فقط ویندوشاپینگ کنند و... خرید کردن مثل انجام هر کار دیگر قاعده و روش‌های خودش را دارد. اگر بخواهید برای کسی جز خودتان خرید کنید، باید نکات دیگری را هم در نظر بگیرید. خب بیایید با هم شروع کنیم. می‌خواهیم برای یک دختر خانم خرید کنیم.

انتخاب محل

فرض کنید لباس پوشیده‌اید و می‌خواهید بروید خرید. یکی از مواردی که ممکن است شما را کلافه کند و خریدتان را با مشکل مواجه کند، محلی است که به آنجا می‌روید. خودتان که می‌دانید، در این ترافیک و نبود وقت و... اگر محل را اشتباه انتخاب کنید، دردسر زیادی می‌کشید و آخر سر شاید آنچه می‌خواهید گیرتان نیاید و دست از پا درازتر برگردید. پس با توجه به ایده‌ای که دارید، مکان مناسب را انتخاب کنید. این مسئله وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که چند مورد در ذهن داشته باشید و باید چرخه در مراکز خرید بزنید.

بودجه

اول از همه مشخص کنید که چقدر می‌خواهید خرج کنید. پنج هزار تومان؟ ۱۰ هزار تومان؟ ۲۰ به بالا؟ بالاتر؟ دانستن این که حداکثر هزینه‌ای که می‌خواهید صرف کنید چقدر است، از مهم‌ترین کارهاست. یادتان باشد که برای دختر خانم‌ها آن قدر تنوع خرید وجود دارد که می‌توانید بر اساس هر مقدار پولی که در نظر دارید، کادوی مناسبی بخرید. پس نگران این موضوع نباشید و فقط نگاهی به جیب مبارک بیندازید!

سلیقه

دوستی دارم که همیشه می‌گوید من آدم خوش سلیقه‌ای نیستم، نمی‌دانم باید چه کادویی بخرم و سلیقه آدم‌ها



مقایسه حق پخش تلویزیونی در کشور با ایران

فدراسیون ایران چیز زیادی نمی خواهد

چیا فوادی

در حالی که اختلاف بین فدراسیون فوتبال و صدا و سیما بر سر میزان حق پخش تلویزیونی مسابقات لیگ برتر بالا گرفته و باعث شده تا علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال ایران، با ارسال نامه‌ای به سازمان لیگ، ورود دوربین‌های تلویزیونی به ورزشگاه‌ها را ممنوع اعلام کند، تا مردم ایران نتوانند بازی‌ها را به صورت زنده و مستقیم ببینند، بسیاری می‌پرسند که مگر فدراسیون فوتبال ایران چقدر می‌خواهد که دوربین‌ها را راه نمی‌دهد؟ این سوال البته از سوی فدراسیون فوتبال ایران جواب داده شده و آن‌ها ۱۶۰ میلیارد تومان می‌خواهند تا دوربین‌ها را راه بدهند و البته صدا و سیما هم اعلام کرده که چنین پولی را پرداخت نمی‌کند. حتی شنیده شده که فدراسیون به ۴۰ میلیارد تومان هم راضی شده، اما صدا و سیما قبول نکرده و به همین دلیل بازی‌ها چند هفته‌ای است پخش نمی‌شود. به غیر از این که بازی‌ها پخش نمی‌شود و البته تماشاگران زیادی هم برای دیدن بازی‌ها به ورزشگاه نمی‌روند، اما همه نگران بازی‌های بزرگ مثل دربی استقلال و پرسپولیس هستند و به نظر می‌رسد که این بازی هم پخش نشود و آن وقت است که با این اتفاق ورزشگاه آزادی صبح روز بازی و همان ساعات اولیه صبح پر خواهد شد. در هر حال بسیاری عقیده دارند که این بازی از تلویزیون پخش خواهد شد.

پنج میلیارد پوند پرداخت می‌شود. محاسبه این رقم هم کار راحتی نیست، اما با کمک ماشین حساب می‌توانیم به رقم ۲۴ تریلیون و ۱۵۰ میلیارد تومان برسیم که سرسام‌آورتر و نجومی‌تر از رقم لیگ برتر جزیره است.

لیگ برتر ترکیه

لیگ برتر همسایه شمال غربی ما یک رقم مناسب است، هر چند به کشورهای اروپایی نمی‌رسد، اما در ترکیه سالی ۱۲۳ میلیون دلار، معادل ۳۷۱ میلیارد و ۴۶۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود. چیزی بیش از دو برابر مبلغی که فدراسیون فوتبال ایران به صدا و سیما پیشنهاد داده است.

لیگ برتر فرانسه

لیگ برتر فرانسه یا لوشامپیونه هم رقم خوبی برای باشگاه‌ها می‌گیرد. در فرانسه برای یک فصل حدود ۶۶۸ میلیون یورو، معادل دوتریلیون و ۷۳۲ میلیارد و ۱۲۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود و البته با توجه به توجهی که به لیگ برتر فرانسه می‌شود، مبلغ بسیار خوبی است.

لیگ برتر آلمان

در بوندسلیگا هم مبلغ خوبی برای یک سال پرداخت می‌شود. در آلمان برای یک فصل ۴۲۰ میلیون یورو پرداخت می‌شود که معادل یک تریلیون و ۷۱۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان خواهد بود که باز هم رقم نسبت به رقم فدراسیون فوتبال ایران سرسام‌آور است.

می‌رسد. ۱۰۰ میلیون دلار در سال در عربستان را با ۱۶۰ میلیارد تومان در سال مقایسه کنید. در عربستان به پول ما سالی ۳۲۰ میلیارد تومان می‌شود. در عربستان دو برابر ایران سالانه حق پخش پرداخت می‌شود.

لیگ‌های برتر امارات و قطر

در امارات حق پخش تلویزیونی سالانه ۵۰۰ میلیارد تومان است. تقریباً سه برابر و نیم مبلغی که فدراسیون فوتبال به رسانه ملی پیشنهاد کرده است. در حالی که امارات حتی ۱۰ درصد تعداد تماشاگران فوتبال ایران را ندارد، اما باشگاه‌هایش به لحاظ گرفتن چنین مبلغی، هیچ مشکلی ندارند. فدراسیون فوتبال ایران حتماً این مبلغ را دیده که چنین پیشنهادی به صدا و سیما داده است. در قطر هم چیزی حدود ۸۰۰ میلیارد تومان در سال به باشگاه‌ها داده می‌شود و همان‌طور که می‌دانید، این کشور میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ است.

لیگ برتر ایتالیا

در کالچو مبالغ خیلی سرسام‌آورتر است. برای یک فصل ۹۵۰ میلیون یورو داده می‌شود که حساب کردنش به این راحتی‌ها نیست، اما در نهایت اگر یورو را به قیمت روز محاسبه کنیم، معادل سه تریلیون و ۸۸۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در یک فصل خواهد بود؛ ایتالیایی که باشگاه‌هایش برای اهالی فوتبال ایران شناخته شده است.

لیگ برتر جزیره

در انگلستان و لیگ جزیره برای سه سال چیزی معادل

مقایسه کنید

چالش جدی‌تر شده است. جدا از بحث‌های کارشناسی دقیقی که در چند وقت گذشته انجام شده، بهتر است این ماجرا را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم. البته شنیده‌ها حاکی از آن است که صدا و سیما اول گفته بود که نسبت به درخواست ۱۶۰ میلیارد تومانی فدراسیون فوتبال بیشتر از ۲۵ میلیارد تومان در سال نمی‌دهد و البته تقاضای فدراسیون فوتبال هم ۱۶۰ میلیارد تومان برای یک سال است. اما مقایسه درخواست فدراسیون فوتبال با درآمد لیگ‌های خارجی از حق پخش تلویزیونی بسیاری از حقایق را درباره ضرورت پرداخت حق باشگاه‌ها مشخص می‌کند. مقایسه کنید تا بدانید که فدراسیون فوتبال ایران چقدر ارزان حساب کرده است. ضمن این که فدراسیون فوتبال ۱۲ هفته از شروع لیگ برتر دوربین‌ها را راه نداد. اما مقایسه می‌تواند نشان دهد که چقدر فدراسیون ارزان فروشی کرده است. درآمد این لیگ‌ها را ببینید و البته فراموش نکنید که در فوتبال جهان، ۷۰ درصد هزینه‌های باشگاه‌ها از حق پخش تلویزیونی محاسبه می‌شود. در هر حال به نسبت کیفیت فوتبالی که در باشگاه‌های ایران (به جز لیگ‌های برتر عربستان، قطر و امارات) ارائه می‌شود، ارقام منطقی هستند.

لیگ برتر عربستان

قرارداد حق پخش در عربستان ۱۰ ساله است. در عربستان حق پخش سالانه ۱۰۰ میلیون دلار فروخته شده که اگر دلار را سه هزار و دویست تومان فرض کنید، در ۱۰ سال به رقم سرسام‌آور معادل سه تریلیون و ۲۰ میلیارد تومان

درس‌های حماسه حسینی

حسین، بزرگ‌مرد کربلا، مظلوم و رنجیده‌خاطر و لب‌تشنه و مصیبت‌زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود، قسم یاد کرد که هیچ مصیبت‌زده و رنجیده‌خاطر و گنه‌کار و اندوهناک و تشنه‌ای و هیچ پلادیده‌ای به خدا روی نمی‌آورد و نزد قبر حسین علیه السلام دعا نمی‌کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی‌سازد، مگر این‌که خداوند، اندوهش را برطرف و حاجتش را برآورده می‌کند و گناهش را می‌بخشد و عمرش را طولانی و روزی‌اش را گسترده می‌سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید!

امام باقر(ع)

جهان به چند چله نشسته باشد که رد ظلم از زخم‌های کوچک و بزرگش برود و نرفته باشد؟ جهان چند چهل روز صبر کرده باشد تا روزی برسد که دیگر آه مظلوم در آسمان نیپیچیده باشد و به چهل نرسیده، آه مظلومانی دیگر غبار اندوه را بر سرش خراب کرده باشد؟ چند چله دیگر باید به سوگ آزادی و عدالت و معصومیت نشست، تا جهان به جهانی که شایسته حیات است، برسد؟ ما آدم‌ها چند حکایت و خبر واقعه را شنیده‌ایم و چشمی تر کرده‌ایم و حال و روز زمین، هنوز خاکستری و آغشته به خون و دود است؟ چند آزادمرد باید درس آزادی حسینی (ع) را از نو بخوانند و به صف یاران او پیوندند و هیچ‌کس نداند چرا این قدر ظلم شکست‌ناپذیر و نامیرا شده در روزهای زندگی ما آدم‌ها؟ روزهایی هست که یک کلمه، یک خبر، یک اتفاق می‌تواند حال زمین را خوب کند. قلب‌ها دوباره بتپند که هنوز قدم‌های انسان در راهی است که خداوند اوج انسان بودن را در آن راه نشانی داد. این جور وقت‌ها چله‌ها انگار ثمر داده باشند و امید به بودن بازگشته باشد، صدای شکر و سپاس از زمین به آسمان می‌رود. اما گاهی انگار دوران سیاه ناامیدی تمام کائنات از انسان است. ظلم‌هایی که گاهی نقش خون بر زمین می‌زنند، به اندازه هزاران سال هم که بگذرد، از خاطر جهان پاک نمی‌شود. این وقت‌هاست که باید گوش‌ها را گرفت تا صدای مواخذه و حتی لعن و نفرین بر انسان را نشنید.

به کجا باید پناه برد؟ به خداوندی که از این زمین چه می‌خواست و چه در آن رخ می‌دهد؟ به فرستادگان او که خود ظلم‌ها از معاصرانشان دیده‌اند؟ چقدر خوب است که وسعت رحمت پروردگار بی‌نهایت است و مهربانی فرستادگانش، وام‌گرفته از مهربانی او. چقدر خوب است که هر چه بی‌وفایی کرده باشیم و چله‌ها را سبک شمرده باشیم، باز آمیدی هست به صدا کردن نامی که تا آخرین نفس، انسان را فارغ از آن‌که بدخواه و دشمن او باشد یا رفیق نیمه‌راه، به راه انسان بودن می‌خواند. چقدر خوب است که می‌شود به نام او، غبار اندوه را از قلب پاک کرد و رد حرف‌های او را روی لب‌ها نشاند. آن هنگام که در زمینی که هیچ کمکی برای او نبود، موسیقی صدایش می‌گفت که او به خدایی توکل کرده که جز او هیچ نیروبخشی وجود ندارد.

و چقدر خوب می‌شود که دنیا جور دیگری بگردد. ظلم، دست توکل کرده بر آزادی شهید کربلا را ببینند که با چه قدرتی مقابلشان می‌ایستد. دست‌هایی که در دست هم راه را برای کسی باز می‌کند که قرار است سرخی پرچم کربلا را در دست بگیرد. چقدر خوب می‌شود، یک چله، چله آخری باشد که برای آه مظلومان نشسته باشیم و دیگر تمام عاقبت زمین خوشبختی و زیستن مثل انسانی باشد که خدا برای ما آدم‌ها مقدر کرده بود. برای قدم‌های ترسیده و تازه‌کاری که راهی جز توکل ندارند، مهربانی تو دل‌گرمی است، یا حسین (ع).